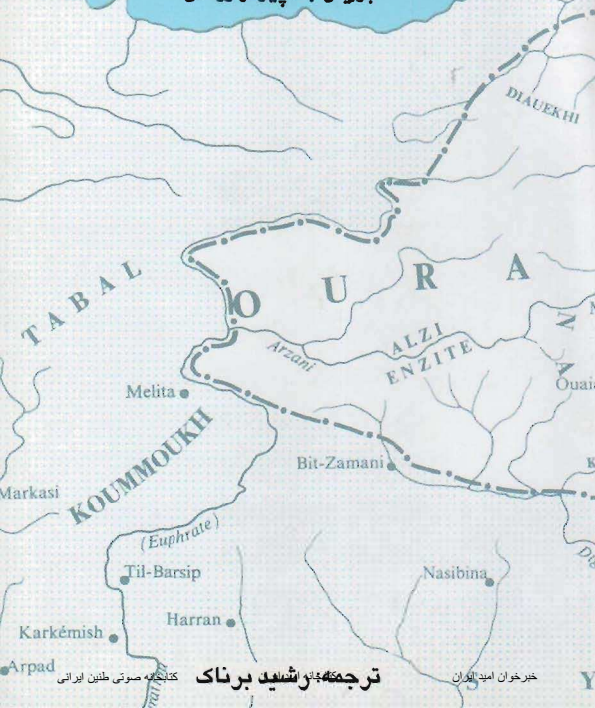


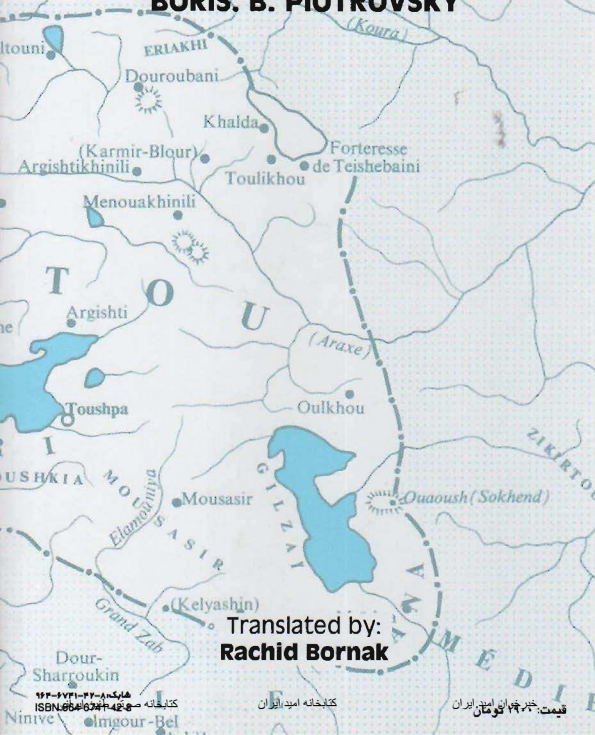
اورارتو

بوریس ب . پیوتر ووسکی



OURARTOU

BORIS. B. PIOTROVSKY



Translated by:
Rachid Bornak

اورارتو

بوريس ب. پيوترووسكى

ترجمه:

رشيد برناك

پیاتروفسکی، باریس باریوویچ، ۱۹۰۸-۱۹۹۰.

Piotrovsky, Boris Borisovich

اورارتو / بوریس ب. پیاترووسکی؛ ترجمه رشید

برناک. - تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۱.

۱۲۷ ص: مصور، جدول، نمونه.

ISBN : 964-6741-42-8

فهرستویسی براساس اطلاعات فیا.

عنوان اصلی: Ourartou.

۱. ایران -- تاریخ -- اورارتو. الف. برناک، رشید،

۱۳۲۶-، مترجم. ب. عنوان.

۸ الف پ ۹ / DSR ۱۸۸ ۹۵۵/۰۱۲۴

۱۳۸۱

م ۸۱-۳۴۵۹۹

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۸-۴۲-۶۷۴۱-۹۶۴

ISBN: 964-6741-42-8

● نام کتاب : اورارتو

● مؤلف : بوریس ب. پیاترووسکی

● مترجم : رشید برناک

● ناشر : اندیشه نو

● چاپ : دلارنگ

● نوبت چاپ : اول

● تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

● مرکز پخش : اندیشه نو

تهران - میدان انقلاب - اول کارگر شمالی - پاساژ فیروز نشر اندیشه نو

تلفن: ۶۴۲۷۳۷۱

فهرست مطالب

سخن مترجم	یک
پیشگفتار	۱
مقدمه	۳

I

کشف دوباره اورارتو	۵
از گزارش خورناتسی تا سفر شولز	۵
اولین دست آوردهای موزه‌ها	۸
حفاریهای قاچاق	۹
آغاز باستانشناسی در اورارتوی مرکزی	۱۱
کاوش در ارمنستان	۱۴
تحقیقات اخیر در ترکیه	۱۸
نتیجه کلی (بیلان)	۲۱

II

مسئله اصلیت‌ها	۲۳
تمدنهای اولیه در ارمنستان	۲۳
اوروآتری و نایری در هزاره دوم ق.م.	۲۵
لشکرکشی‌های سلیماناسر سوم و درهای بالالوات	۲۸
دولت اورارتوئی در قرن نهم ق.م.	۳۱
توسعه و ترقی اورارتو	۳۳

III

تاریخ و باستانشناسی.....	۳۵
در زمان اولین پادشاهان کبیر.....	۳۵
اربونی و آرگیشتی خینیلی.....	۳۹
قدرت اورارتو و قدرت آشور در قرن هشتم ق.م.....	۴۳
کتیبه‌ها و سازندگی‌های دوران سلطنت روسا اول.....	۴۶
بایگانی‌های سروس سَرّی آشور.....	۴۹
لشکرکشی سارگون بنا بر متن مهم لوور.....	۵۲
آثار هنری اورارتو مشروح در غارت سارگون.....	۵۶
اصلاحات در زمان سلطنت ارگیشتی دوم و یافته‌های آلتین‌تپه.....	۶۱
مشکلات آشور و نقش روسا دوم.....	۶۴
فعالیت سازندگی در اورارتو در قرن هفتم ق.م.....	۶۸

IV

شهر خداوند تی‌شبا: تی‌شباینی (کارمیر-بلون).....	۷۱
محوطه و حفاری.....	۷۱
کارگاه‌ها و انبارها.....	۷۴
نام دژ.....	۷۷
چهارپایان قربانی و چهارپایان دامی.....	۷۸
مدارک مکتوب و کتیبه‌های یافت شده بر حسب اتفاق.....	۸۱
کشفیات گوناگون.....	۸۵
تأثیرات دریافتی.....	۸۷
ساختار شهری.....	۸۹
انهدام تی‌شباینی.....	۹۰
نتیجه‌گیری.....	۹۲

پ

فهرست مطالب

v

۹۳	 خاتمه
۹۳	 آخرین پادشاهان اوزارتو
۹۵	 حذف آشور و صعود سیت‌ها
۱۰۰	 جدول تاریخ‌نگاری
۱۰۲	 کتابشاسی
۱۱۰	 فهرست تصاویر

سخنی از مترجم

در زنجیره تاریخ منطقه جنوب قفقاز حلقه مفقوده‌ای وجود داشت که تا یک قرن پیش کسی را تقریباً اطلاعی از آن نبود. این حلقه مفقوده چیزی جز سرزمین فدراتیو پهنور اورارتو با وسعتی در حدود سیصد هزار کیلومتر مربع در اوایل هزاره اول قبل از میلاد، که شامل آذربایجان، ارمنستان امروزی و شرق ترکیه فعلی می‌شد، نبود.

مردمان این سرزمین پهنور را ایلاتی تشکیل می‌دادند که از نظر نژاد، زبان و فرهنگ نه آریایی بودند و نه سامی. براساس آنچه که از منابع مکتوب و آثار بجا مانده استنباط می‌شود، این مردمان بسیار سخت‌کوش و از یک تمدن والاّیی برخوردار بودند. بطوریکه در کشاورزی، سیستم آبیاری، دامپروری، صنعت ذوب فلزات و فلزکاری در منطقه خاورمیانه آن زمان از سرآمدهای تأثیرگذار متقابل بر روی تمدن‌های دیگر ملل، از جمله مادها و پارس‌ها می‌شدند، که آثار بجا مانده از آنها گواه آن است.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که کشور امروزی ارمنستان بخشی از سرزمین اورارتوی باستانی است که پس از حمله آشوری‌ها به این سرزمین و تضعیف اورارتو، ارامنه آریایی با استفاده از فرصت و مهاجرت‌های خود به این بخش از سرزمین اورارتو آنجا را به تصرف درآورده و در آنجا ساکن شدند. آنها فقط زبان ارمنی خود را جایگزین زبان ایلات اورارتویی کرده و فرهنگ اورارتویی را که از یک تمدن غنی برخوردار بود برای خود فرهنگ نمودند. اصلیت ایلات اورارتو از همان ایلات میتانی و هوریت بود که در ۲۶۰۰ ق.م. در مناطق جنوب قفقاز زندگی می‌کردند و زبانشان هم الصاقی بود.

به هر تقدیر، این حلقه مفقوده پس از سالها تلاش، کاوش، مطالعه و بررسی یافته‌های قابل باستانشناسی توسط محققین و دانشمندان علوم باستانشناسی و تاریخ از تاریکی چندین هزار ساله خارج و به زنجیره تاریخ تمدن کشورمان پیوست.

اورارتو

دو

کتاب حاضر تألیفی است از پروفیسور بورس پیوتروفسکی، استاد باستانشناسی و تاریخ که خود مؤول موزه لنینگراد بود، و در حفاریهای متعددی در محوطه‌های باستانی اورارتویی شرکت کرده و حضور فعالی در کاوش و بررسی یافته‌های اورارتویی داشت. در نتیجه، از این رو بود که با جمع‌آوری اسناد و مدارک بسیار خود و دیگران دست به تدوین این اثر ارزشمند زد که موجب شناخت ما از اورارتوها، با قرارگیری در مکان واقعی خود، یعنی تاریخ کشورمان، شد.

پیش از این، بودند کسانی که سعی در وارونه‌گری و کتمان وجود اورارتوها به عنوان مردمان متمدن غیرآریایی و غیرسامی در گذشته‌های دور در جنوب قفقاز و خاورمیانه داشتند و از آنجایی که داشتن آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی هر جامعه از ضرورت‌های حیات اجتماعی آن جامعه می‌باشد اقدام به ترجمه و نشر این اثر ارزشمند شد.

در خاتمه لازم به یادآوری است که این تألیف به بررسی و مطالعه بخشی از سرزمین اورارتویی، یعنی ارمنستان امروزی و شرق ترکیه فعلی می‌پردازد. شایان ذکر است که از زمان تدوین این تألیف تا به امروز کاوش‌ها و مطالعات در زمینه اورارتوها همچنان ادامه داشته و حتی در آذربایجان هم این مطالعات منجر به یافته‌های جدید و مشر ثمری شده‌اند و امید است که در آینده با جمع‌آوری تمامی اسناد و مدارک موجود درباره اورارتوها کتاب دیگری از کل سرزمین اورارتو به رشته تحریر درآمده و به چاپ برسد. در اینجا ادب ایجاب می‌کند که از خانم ملیحه علی به خاطر زحماتشان در تایپ و صفحه‌بندی‌های این ترجمه و همچنین سایر دوستان مشوق تشکر کنم.

رشید برناک

۱۳۸۲

پیشگفتار

این جلد از مجموعه آرگئولوژیاموندی Archeologia Mundi اختصاص دارد به اورارتو. در زمینه وسیعی که امروزه علم باستانشناسی نام دارد، اورارتو ایالتی است نسبتاً جدید. اهمیت تاریخی پادشاهی وان^(۱)، در نیمه اول آخرین هزاره قبل از میلاد، کاملاً فراموش شده بود تا اینکه گزارشات یک سیاح و هنر اصیل بعضی از آثار فلزی یافت شده توسط حفاران قاچاق توجه‌ها را به ناحیه ارمنستان جلب کرد. در مجموع به سختی بیش از سی سال نیست که اکتشافات، که به روش اصولی به اجرا در آمده‌اند، اجازه بررسی، تعیین و تکمیل منابع آشوری را با افزودن بعضی متون کتبی جدید و از زیر خاک خارج شدن آثار تمدن اورارتوئی در محوطه باستانی استحکامات قدیمی که اغلب به‌طور شگفت‌انگیزی محفوظ مانده‌اند را می‌دهند.

لیکن برای منظور تحقیقاتمان درباره ظواهر گوناگون باستانشناسی در عرصه جهانی، این مورد بسیار مستحق توجه جداگانه می‌بود.

درباره اسلوبی که مسائل‌اش خود به خود مطرح شده‌اند و در مورد اسلوبی که مسائل‌اش، نه بدون روش آزمایش و خطا و بدون تردید، ابتدا درک، سپس به نتیجه رسیده‌اند، قبل از قرارگیری در مناظر و مزایای صحیح تاریخ تمدنهای خاورمیانه، مؤلف این کتاب اشارات آموزنده‌ای را آماده کرده است.

با وجود این، از نقطه نظر روش‌ها، سودمند خواهد بود که در اینجا اصلاحات و اضافاتی را که کتیبه‌های اورارتوئی وارد سالنامه‌های آشوری می‌کنند مورد توجه قرار دهیم، که از آنجمله‌اند اشیاء یافت شده اصلی که معرف داده‌های مادی باستانشناسی‌اند

1- Van.

زندگی اجتماعی و اقتصادی، دربارهٔ تماسهای فرهنگی و آنچه که کاملاً می‌دانیم از خود حفریات بدست می‌آید.

نتایج کشفیات باستانشناسی البته، برای یک بخش وسیع، در نهایت بستگی به شرایط کمابیش یافته‌های مناسب در محوطه‌های باستانی دارد. همانطور هم بستگی به انتخاب فنون مناسب، سختی تحقیقات و درستی استنتاج‌ها دارد. در این رابطه، حفریاتی چون کارمیر - بلور مثال مفیدی را عرضه می‌کند، و بی‌چون و چرا یک قدم بسوی این «بازگشت کامل گذشته» را که برای میشل^(۱) یک ایده‌آل و برای هر یک از ماها یک رویا می‌باشد بیان می‌کند.

مخصوصاً باید از آقای بوریس ب. پیوتروفسکی^(۲) سپاسگزار بود که به کمک متون خود یک چنین مجموعه‌ای از اسناد را که از میان خزائن موزه دیدنی که خود آنرا اداره می‌کند یا از موزه تاریخ اروان^(۳) (ایروان) به عاریه گرفته بوجود آورده است.

1- Michelet.

2- Boris B. Piotrovsky.

3- Erevan.

مقدمه

زمانه همیشه موافق برخورد یکسان با پادشاهی‌های گذشته نیست. شهرت بعضی از آنها قرن‌ها طی طریق کرده است؛ انسانها یاد خوشنامی پادشاهانشان، کارهای برجسته و فتوحاتشان را پاسی داشته‌اند؛ بناهایشان ادامه حیات داده و معماریهایشان شناخته شده‌اند. وقایع تاریخی‌شان ابتدا به طور شفاهی از نلی به نلی دیگر انتقال یافته سپس به بیاری از زبانها نسخه‌برداری مجدد گردیده و توسط تاریخ‌نگاران باستان مکتوب شده‌اند. از آن جمله بودند مصر، بابل، آشور، یونان، روم و دیگر دولت‌های عهد قدیم. بر عکس، گاهی اتفاق می‌افتد که یک کشوری، که یک دوره با عظمتی را بخود دیده، زوال یافته و به فراموشی کامل سپرده می‌شود؛ زمان کارهای برجسته بزرگانسان و نیز آثاری را که قرن‌ها محفوظ داشته‌اند به مردمان دیگر، حتی گاهی به رقبای خاصشان واگذار می‌کند، و این می‌رود که برای قرن‌ها از خاطره انسانها محو شود. این چنین شد سرنوشت اورارتو. یک پادشاهی‌ای که در ناحیه کوهستانی دریاچه وان، در سرزمین ترکیه فعلی متولد شد، که دولتی قدرتمند در آسیای صغیر بین قرون نهم تا هفتم ق.م. بود. سپس در آغاز قرن ششم پادشاهی اورارتو سرنگون شد و خیلی سریع در گردبادی که بوجود آورنده مللی جدید و پادشاهی‌های جدید در سرزمینی که به اورارتو تعلق داشته بود، به فراموشی سپرده شد.

کشف دوبارهٔ اورارتو

I

از گزارش خورناتسی^(۱) تا سفر شولز^(۲)

اورارتو طی سه قرن برای آشور دشمن ترسناکی بود. اگرچه اورارتوئی‌ها دوبار مغلوب شدند، چندین بار اوباب میدان شده و در واقع فقط برای چندین دهه، درست است، پس از نابودی رقبای آشوری‌اشان، به حیات خود ادامه دادند. لیکن آیندگان با بازماندگان اورارتو بد رفتاری کردند. کتاب تورات نامش را به شکل تحریف شدهٔ «آزارات»^(۳)، که در تعبیر لاتینی «آرمینا» شد^(۴)، ثبت کرده است. زمانی که علمای دینی یهودی متون تورات را هجی می‌کردند، آنها حرف صدادار «آ» را به کلماتی که نمی‌شناختند افزودند، بطوریکه «اورارتو» شد «آزارات» و این فقط در طی همین سالهای اخیر است که دست نوشته‌های کومران^(۵) در سواحل دریای مرده شکلی از اسم با نیمه - صدادار W (دبلیو) را در هجای اول به ما داده‌اند.

با یک منظور وارونه‌گویی شیطانی نسبت به سرنوشت، سنت شفاهی و نیز مورخین قرون وسطی آثار اورارتوئی را به حساب آشوریها گذاشته‌اند. از آن جمله موسی خورناتسی^(۶)، مورخ ارمنی قرن پنجم، احداث شهر بزرگی که هنوز خرابه‌های آن بر

1- Khorenatsi.

2- Schulz.

3- Ararat.

4- Armenia.

5- Koumran.

6- Moise Khorenatsi.

روی دشت صخره‌ای بالای دریاچه وان برپا می‌باشد به ملکه آشوری سمیرامیس^(۱) نسبت داده است. او نقل می‌کند که ملکه دستور آوردن ۱۲۰۰۰ کارگر و ۶۰۰۰ صنعتکار ماهر را از آشور و سرزمینهای که به او خراج می‌پرداختند داده بود، و... ظرف چندین سال یک مجموعه خارق‌العاده‌ای با دیوارهای غیرقابل نفوذ با درهای مفرغی احداث کرد. در داخل شهر دستور ساختن تعداد زیادی عمارت سنگی با شکوه و با رنگهای گوناگون، در دو یا سه طبقه، گاهی آراسته به بالکنهایی را داد. او به شهر یک نقشه هوشمندانه، با خیابانهای عریض و زیبا داد... او در اطراف شهر، در شرق، شمال و در جنوب مزارع، باغستانها و بیشه‌زارهای انبوه احداث کرد، او باغهایی مملو از گل و تاک بوجود آورد. او همچنین وسائل زیبایی وارد شهر نمود و در آنجا عده زیادی را ساکن کرد. اما بناهای باشکوه بالای شهر غیرقابل ورود برای شهروندان معمولی بود و آنها را نباید شرح داد. ملکه دیوارهایی بدور رأس شهر کشیده بود تا کسی نتواند به آنجا نفوذ کند و او در آنجا یک قصر سلطنتی، یک مکن اسرار و ترس، احداث کرد. در سمت شرق، جاییکه خاک بقدری سفت است که حتی آهن هم آنرا خراش نمی‌دهد، او قصرهای متعددی با اتاقهای خواب، اتاقهای جواهرات، دالانهای طولی و... در صخره احداث کرد. او روی تمامی عرض سراسیمه کناره دریاچه، انگار با یک خنجر بر روی موم، تصاویری به تعداد زیاد کنده کاری نمود. دید ساده این سراسیمه کناره دریاچه بیننده را در شگفتیها فرو می‌برد. اما این تمامی نیست؛ چون در چندین نقطه از آرمینا، ملکه سمیرامیس سترنهای حکاکی شده با همان مشخصات احداث نموده.

این حکایت و نام ملکه آشور سام مورامات^(۲) (۸۱۲-۸۰۳ ق.م.) توجه شرق‌شناسان را به خود جلب کرد، بویژه در عصری که باستانشناس جوان اف. ای. شولز^(۳) که توسط انجمن آسیائی فرانسه در سال ۱۸۲۷ به ترکیه اعزام شد، خرابه‌هایی را شرح می‌دهد که در ساحل شرقی دریاچه وان یافته بود. در اینجا تشابهات عجیبی بین حکایت موسی

1- Semiranis.

2- Sammouramat.

3- F. E. Schulz.

خورناتسی و نوشته‌های شولز وجود داشت. بر روی ارتفاعات سراسیمی کنار دریاچه آنطوری که موزخ قرون وسطی توضیح داده بود، خرابه‌های یک حصار ساخته شده از بلوکهای زیادی همزمان با دیوارهای دژ ترکی متأخر یافت شد. شولز توضیح مفصلی از دلانهای کنده شده در صخره را می‌دهد که در داخل قلعه پیدا کرد و از کتیبه‌های تصویری حکاکی‌گنده بر روی سراسیمی کنار (دریاچه) و گاه‌آوردی دلانهاکی برداری کرد. او همچنین بلوکهای بزرگی یافت که از حصار قدیمی آورده شده بودند که کتیبه‌های مشابهی داشتند، و نوعی مجرای بزرگ نیز منسوب به ملکه سمیرامیس، که جهت تهیه آب آشامیدنی و آب آبیاری منظور شده بود. در کناره‌های این کانال، او کتیبه‌های مصروری پیدا کرد و بعد از نیم قرن، پس از رمزگشائی آنها بود که نام واقعی سازنده آشکار شد، که مربوط به پادشاه اورارتومونا^(۱) (۸۱۰ - ۷۸۱ ق.م.) بود، که در واقع بر ملکه سام‌مورامات پیروز شده بود؛ لیکن این پیروزی در حکایت پرده پوشی شده بود.

کشته شدن شولز در منطقه کوهستانی کولامرک^(۲) برای مدت زمانی نامحدود این کار محلو از انتظارات را قطع کرد. مدارکی که او در سال ۱۸۲۸ به پاریس فرستاده بود در سال ۱۸۴۰ انتشار یافتند. در میان آنهاکی‌های دقیقی از ۴۲ کتیبه به خط میخی و تشریحاتی از آثار حکاکی شده در صخره وان و نیز تعدادی قلعه وجود داشت.

پس از مرگ شولز، کار باستانشناسی برای چندین سال در وان قطع شد. یافته‌های باشکوه سال ۱۸۴۰ در آشور مرکزی - حفاری قصر سازگون در خورس آباد^(۳) و کاخ آشور بانی پال در نیمرو^(۴) - توجه باستانشناسان را به بین‌النهرین^(۵) جلب کرد. رمزگشائی خط میخی آشوری اجازه رمزگشائی کتیبه‌های وان را داد، ولی این تحقیقات در انزوا و بدون بهره‌گیری کار بر روی زمین ادامه یافت. باستانشناسان نیز بلافاصله جای

1- Menoua.

2- Coulamerk.

3- Khorsabad.

4- Nimroud.

5- Mésopotamie.

خود را در وان به شکارچیان گنج دادند.

اولین دست‌آوردهای موزه‌ها

تعدادی از عتیقه‌جات که در وان توسط حفاران غیرمجاز استخراج شده بودند کم‌کم از طریق راههای مخفی و دزدکی وارد موزه‌ها و کلیون‌های شخصی شدند. موزه استانبول نیز دو دسته دیگر از جنس مفرغ به شکل تمثال زنهای بالدار را که در صورت نوشته‌ها بعنوان آورده از وان قید شده بود تصاحب کرد. چندین سال پیش در سال ۱۸۵۹، موزه ارمنیاز^(۱) در سنت‌پترزبورگ^(۲)، یک دسته دیگر مشابه (تصویر ۱۰۳ و ۱۰۵) همزمان با یک کله کوچک گاونر (تصویر ۱۰۸) و قطعات یراق آلات اسب از جنس مفرغ (تکه شاخه‌های دهنه اسب و زنگوله) (تصویر ۷۶ و ۷۷) خریداری کرد. این اشیاء از روستایان گُردی بدست آمده بود که آنها را در گوری صخره‌ای در مرز ایران نزدیک پست آلیشار^(۳) یافته بودند. مشول موزه ارمنیاز این دست‌آوردها را بعنوان محصولات تولیدی هنر ساسانی ثبت کرد، چونکه طبیعتاً از هنر اورارتوئی سر در نمی‌آورد. او نمی‌توانست حدس بزند که ۹۵ سال بعد زیر قسمت زنگ‌زده یکی از زنگوله‌ها نوشته‌ای به خط میخی خوانده خواهد شد که نام پادشاه اورارتو، آرگیشتی^(۴) پسر منوآ، را بدهد: وانگهی اگر هم نوشته را می‌دید، نمی‌توانست آنرا بخواند. پادشاهی اورارتو در یک فراموشی کامل فرو رفته بود، اگرچه در سالنامه‌های آشوری اشاراتی به اعزام‌هایی به مناطق کوهستانی شمال علیه دشمنانی با نامهای گوناگون از جمله پادشاهان اورارتو شده بود.

با این حال، کتیبه‌های کبی برداری شده توسط شولزکم‌کم در کنار هم قرار داده شدند و آنگاه ورود به این سرزمین فراموش شده و اسرارآمیز برای دانشمندان ممکن گردید.

1- Ermitage.

2- Saint - Petersbourg.

3- Alishar.

4- Argishti.

کشف دوباره اورارتو

در سال ۱۸۷۱، در تفلیس م. بروست^(۱) شرقشناس در یک مقاله‌ای دربارهٔ دو مجسمه بالدار وان در موزه استانبول منسبت آنها را به هنر بیزانس رد کرد و آنها را آشوری فرض نمود. در همان زمان دو نامه منتشر کرد، یکی از مورخ بزرگ روس و.و. ستاسوف^(۲) و دیگری از شرقشناس مشهور فرانسوی پروست دولونگ پری^(۳). ستاسوف اهمیت مجسمه‌ها را واقعیت بخشید که به نظرش نباید نه به تمدن آریائی نه به تمدن سامی مربوط کرد، بلکه به یک نوع سوم تمدن آسیای مقدم مربوط است (او فرهنگهای هورریت^(۴) و هیت^(۵) را، که در آنزمان هنوز ناشناخته بودند معرفی کرد). لونگ پری پر یادآور می‌شود که باید مقبولترین شباهتها را با این مجسمه‌ها در هنر بابلی‌ها جستجو کرد؛ او پیشنهاد کرد که این می‌تواند کار هنری اورارتوئی‌ها باشد، مردمی اشاره شده در کتیبه‌های به خط میخی آشوری و تأیید شده توسط هرودوت در لیست مردم گوناگون قشون خشایار تحت نام آلودی‌ها.^(۶)

بدینسان در سال ۱۸۷۱، به دنبال این اولین شناسائی، سرزمین اورارتو که به مدت طولانی کاملاً فراموش شده بود شروع به خروج از تاریکی نمود. با این حال اشیاء اورارتوئی هنوز برای سالیان دراز بعنوان هنر آشوری تلقی شده و در موزه‌ها در سالن‌های مربوط به آشور به نمایش گذاشته می‌شدند.

حفریه‌های قاجاق

در حدود سالهای ۱۸۷۵ - ۱۸۸۰ تعداد اشیاء بدست آمده از وان بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و شکارچیان گنج دیدند که کارشان روتق گرفته، بویژه در محل توپراک‌کالا^(۷) (توسط محلی‌ها به نام زیم‌زیم ماخارا نامیده می‌شود). تحقیقاتی که

1- Brosset.

2- V. V. Stasov.

3- Prévost de Longpérier.

4- Hourrit.

5- Hittite.

6- Alarodjens.

7- Toprakkale.

ار. دی. بارت و من خودم، در بایگانی‌های موزه‌های لندن و لنینگراد انجام دادیم، اطلاعات جالبی دربارهٔ میرهای طی شده توسط اشیاء قابل باستانشناسی از وان جهت رسیدن به موزه‌های اروپا داده‌اند. یک نامهٔ ارسالی توسط ساکنی از منطقه به پروفیسور پاتکانو^(۱) از دانشگاه سنت پترزبورگ مثال جالبی از آن را ارائه می‌کند. این نامه پیشنهاد خرید چندین شیء عتیقه را می‌دهد که، بدنبال آن، توسط موزهٔ بریتانیا کسب شد، بدین مضمون: «عتیقه‌جاتی در اختیار من می‌باشند که در نزدیکی آی‌گستان^(۲) در خرابه‌های قلعهٔ زیم - زیم ماگارا^(۳) یافت شده‌اند..... قبلاً در این خرابه‌ها تعداد زیادی اشیاء زیبا که در میان آنها یک تخت طلائی کاملاً پوشیده از نوشته‌های به خط میخی یافت شده‌اند؛ ولی متأسف هستم که بگویم پس از برگشتن از اروپا شنیدم که نابود شده است». اگرچه امضای نامه غیرقابل تشخیص بود، بارت نشان داد که بدون هیچ شک ممکن صاحب امضاء سدراک دوگانتس^(۴) (ارمنی) است که یکسال بعد در اتریش اشیائی را به معرض فروش گذاشت که قبلاً در نامه پیشنهاد کرده بود. همچنین بطور منطقی می‌توان فرض کرد که، سدراک دوگانتس همان ارمنی بوده که در کنستانتینوپل^(۵)، در سال ۱۸۷۷ «چندین شیء عتیقهٔ آشوری وان» را برای موزهٔ بریتانیا به هانری لایارد^(۶) فروخت که در میان آنان دو مجسمه بدست آمده از تخت سلطنتی، یکی بشکل گاونر بالدار خوابیده، دیگری بشکل گاونر بالدار ایستاده با مجسمهٔ نیم تنه و سر انسان، وجود داشت.

بین سالهای ۱۸۷۷ و ۱۸۸۵، بعضی از موزه‌ها (موزهٔ بریتانیا، لوور، موزهٔ برلین، موزهٔ ارمتان) و نیز کلیون‌های شخصی دوازده مجسمهٔ مفرغی بدست آوردند که حیوانات تخیلی را نشان می‌دادند، که با یک ورقه طلا پوشیده و مزین به سنگهای قیمتی بودند، گاهی هم با سر کاملاً از جنس سنگ قیمتی. یک شیر بالدار که قسمت جلوی آن به شکل انسان می‌باشد یکی از جالبترین نوع است (تصویر ۱۰۱). این مجسمه هنوز آثار پوشش

1- Patkanov.

2- Aygestan.

3- Zim - Zim Magara.

4- Sedrak Devganis.

5- Constantionople.

6- Henry Layard.

کشف دوباره اورارتو

طلاتی خود را حفظ کرده؛ صورت از یک سنگ سفید تراشیده شده و چشمان مرصع را با سنگهای الوان نشان می‌دهد؛ این مجسمه در یک وضعیت بیار عالی حفظ شده است. مجسمه مورد بحث توسط موزه ارمتاژ در سال ۱۸۸۲ خریداری شده بود، ولی نامه‌های نگهداری شده در اسناد لندن آشکار می‌کنند که آنرا قبلاً به موزه بریتانیا پیشنهاد کرده بوده‌اند.

این مجسمه‌های بالداز شیرو گاونر، که گاهی دارای نیم تنه انسان هستند بعنوان مرکوب به خداوندان خدمت می‌کنند، بدون شک از تخت سلطنتی ذکر شده در نامه دوگاتس بدست آمده‌اند. طلا و سنگهایی که آنرا زینت می‌بخشیدند می‌بایست یک تأثیر خیره‌کننده خشنی را تداعی کنند؛ حیوانات تخیلی با قیافه‌های ترسناک اختصاص به الهام از نوعی ماوراء طبیعت به تمامی آنها تعلق می‌شدند داده شده بودند و در عین حال، جهت دور کردن نیروهای شر از پادشاه نشسته بر تخت سلطنت. متأسفانه، مجسمه‌های باقیمانده اجازه بازسازی قانع‌کننده تخت سلطنتی را نمی‌دهند: ممکن است، راستش را بگوئیم، آنها متعلق به دو تخت سلطنتی بوده‌اند نه فقط به یکی.

آغاز باستانشناسی در اورارتو مرکزی

اشیاء یافت شده توسط شکارچیان گنج در وان تولد اولین کار باستانشناسی واقعی در این محوطه باستانی می‌باشد. در سال ۱۸۷۷، هانری لایارد^(۱)، ابتدا پس از مطالعه اشیاء هنری اورارتوئی در کنستانتینوپل، منشی خود، هرموزد رسان^(۲)، را به وان فرستاد. رسان در حفاریهای قصر آشوریا همکاری کرده بود و نامش با بسیاری از کشفیات تأثیرگذار پیوستگی داشت. وی در نینوا حفاریهای پنهانی را در منطقه اختصاصی هیئت فرانسوی تمرین کرده بود و در کاخ آشور بانی پال یک اتاق خارق‌العاده‌ای با صحنه‌هایی از شکار شیر را کشف کرد؛ وی همچنین دومین بخش از کتابخانه مشهور سلطنتی مملو از لوحه‌های گلی با کتیبه‌های به خط میخی یافت. بعداً، در خرابه‌های کاخ سلیماناسر

1- Henry Layard.

2- Hormuzd Rasan.

سوم^(۱)، بر روی کوه بالاوات^(۲)، درهای شگفت‌انگیزی را آشکار کرد، که منقش به صحنه‌های لشکرکشی‌های نظامی سلماناسر و بویژه جنگهایش علیه پادشاهی اورارتو، با نمایش دژهای اورارتوئی، صحنه‌های نبرد و قربانی‌هایی در سواحل دریاچه وان بود.

در سالهای ۸۰-۱۸۷۹ یک هیئت از موزه بریتانیا حفاریهایی تحت رهبری معاون کنسولی بریتانیا در وان، کاپتان کلینتون^(۳)، در توپراک کالا انجام داد. هرمود رسان و یک فرستاده آمریکائی، دکتر رینولدز^(۴) نیز جزو حفاران بودند. با این حال، محوطه باستانی به انتظارات آنها جواب نداد. آنها خرابه‌های معبدی را آشکار کردند که از بلوکهای رنگ روشن و بلوکهای رنگ تیره و با دقت ساخته و تهیه شده بودند، تکه‌های سهر تزیینی از جنس مفرغ با نوشته‌های به خط میخی با تمثالهای گاو تر و شیر، به اضافه تعدادی اشیاء کوچک مجزا یافتند؛ لیکن باستانشناسان بیشتر از اینها را انتظار داشتند: آنها فکر می‌کردند که در ساحل دریاچه وان عمارات مشابه کاخهای آشوری را پیدا خواهند کرد، بنابراین آنها فریب خورده و توپراک کالا را به عنوان یک محوطه باستانی کم‌فایده در یک منطقه حاشیه‌ای آشور به حساب آوردند. چندین شیئی در سالهای آشوری موزه بریتانیا به نمایش گذاشته شدند و مابقی در گنجینه‌های ذخیره انباشته شدند و پس از ۸۰ سال بود که ار. دی. بارت^(۵) این اشیاء را مورد مطالعه قرار داده آنرا منتشر نمود. می‌توان بدون شوخی و بدون دور شدن از واقعیت گفت که یافته‌های توپراک کالا که توسط موزه بریتانیا در سالهای ۸۰-۱۸۷۹ بدست آمده بودند فقط پس از جستجوهای بارت در مخازن و زیرزمینهای موزه برای دانشمندان قابل دسترسی شدند.

در سال ۱۸۹۸ یک هیئت اعزامی آلمانی تحت رهبری سی. اف لهمن - هاوپت^(۶) و دبلیو. بلک^(۷) در توپراک کالا مشغول کار شدند. محوطه باستانی از سودی که شکارچیان

1- Salmanasar III.

2- Balawat.

3- Clayton.

4- Dr. Raynolds.

5- R. D. Barnett.

6- C. F. Lehmann - Haupt.

7- W. Belck.

گنج و ساکنین آنجا برده بودند در عذاب بود. زمین از هر سو قطعه قطعه سوراخ شده بود و سنگ‌های معبد کشف شده توسط هیئت انگلیسی جابجا شده بودند. لهن - هاربت پایه‌های معبد را کنار زده و سوندهائی در قسمتهای مختلف محوطه کار گذاشت. در حفاریها تعدادی اشیاء مورد استفاده خانگی، سلاحهای آهنی و مفرغی، ابزار، سرامیک و جواهرات استخراج شدند؛ آنها خانه‌های مسکونی و انبارهائی یافتند که در اثر آتش‌سوزی تخریب شده بودند، اما هیچ اثر هنری بخصوصی وجود نداشت. یک شمعدان چند شاخه از جنس مفرغ که پایه‌هایش مزین به گاو نر بالدار، سر انسان، یک پایه یکپارچه تخت سلطنتی و مدالهای طلائی با نشان یک زن که در مقابل یک الهه^(۱) نشسته بر روی تخت سلطنتی قابل ذکرترین قطعات بودند.

هنوز، یافته‌هائی که در موزه برلین انبار شده بودند، بدون استفاده و فراموش شده در آنجا باقی بودند. آنها نیم قرن قبل از اینکه گی. آر. می.یر^(۱) به آنها علاقه پیدا کند و تعدادی اشیاء با ارزش پیدا کند در انتظار ماندند و به بویژه قطعات جواهراتی که تکمیل کننده آنهائی بودند که حفاران بریتانیائی یافته بودند، و نیز یک آویزه عجیب از جنس کهریا^(۲) که الهه‌ای را نشسته بر تخت سلطنت نشان می‌داد. بر روی تنه یک شمعدان چند شاخه مفرغی که برای مرمت به هامبورگ فرستاده شد، نوشته خط میخی به نام پادشاه اورارتو، روسا^(۳)، کشف شد.

پس از حفاریهای آلمانی‌ها، منطقه وان از نو برای چندین سال رها شد. در زمستان طی سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۲، تی. ای. اوربلی^(۴) جستجوی محوطه باستانی توپراک‌قلا را از سر گرفته، سپس در سال ۱۹۱۶ انجمن باستانشناسی روسی هیتی را تحت هدایت ان. وای. مارر^(۵) اعزام کرد. مارر حفاری توپراک‌قلا را ادامه داد، در حالیکه اوربلی در یک غار واقع در ضلع شمالی شیب کنار دریاچه وان یک لوح سنگی بزرگی با نوشته‌ای طولی

1- G. R. Meyer.

2- Electron.

3- Rousa.

4- T. A. Orbeli.

5- N. Y. Marr.

که بر روی آن وقایع سلطنت پادشاه اورارتوئی ساردوری دوم^(۱) حک شده بود یافت. بالاخره، بیست و دو سال پس از هیئت روسی، در طی تابستان ۱۹۳۸، یک هیئت آمریکائی با هدایت کی. لیک^(۲) به منظور بررسی تاریخ نگاری اشیاء یافت شده توسط هیئت‌های قبلی خود را به نجد وان به محوطه باستانی توپراک‌قلا رسانید. نتیجه تحقیقات آنها با یک بهره محدود مواجه شد و باستانشناسی در اورارتوئی مرکزی گرفتار رکود جدیدی شد.

کاوش در ارمنستان

باستانشناسی اورارتوئی مرکزی که محققان را از علاقه بازداشت، کندوکاو در مرزهای شمالی این پادشاهی، یعنی ماوراء قفقاز جنوبی، منطقه‌ای که امروزه ارمنستان را در بر دارد ادامه یافت. از زمانهای خیلی گذشته، نوشته‌های خط میخی حکاکی شده بر روی شیپهای صخره‌ای کنار دریاچه‌ها یا بر روی سنگهایی که از عمارات قدیمی بدست می‌آمد آشکار کرده بودند که دره آراوات، منطقه کوهستانی آراگاتس^(۳) و محیط اطراف دریاچه سیوان^(۴) به اورارتو تعلق داشته‌اند. کتیبه‌ها از سال ۱۸۶۲ شناخته شده بودند، لیکن بدجوری کمی برداری شده بودند و هیچ کس حداقل رابطه بین آنها و یافته‌های باستانشناسی را ندیده بود. کتیبه‌های خط میخی بسیاری از نزدیکی‌های کوه آرمایر^(۵)، محوطه باستانی پایتخت قدیمی ارمنستان، جمع‌آوری شده بودند. در سال ۱۸۸۰ چندین گمانه‌زنی روی این تپه انجام شد، ولی یافته‌های چندان قابل توجهی بدست نیامد و حفاران سطح مطابق با کتیبه‌ها را نیافتند.

در سال ۱۸۹۳، ام. نیکولسکی^(۶) تمامی محوطه‌های باستانی ماوراء قفقاز مکان‌هائی را که کتیبه‌های خط میخی یافت شده بودند جستجو کرد. وی باستانشناس ای.

1- Sardouri II.

2- K. lake.

3- Aragats.

4- Sevan.

5- Armavir.

6- M. Nikolsky.

ایوانوفسکی^(۱) را که عهده دار کند و کاو تمامی خرابه‌های قلعه‌های واقع در نزدیکی محل‌های یافت کتیبه‌ها بود همراهی می‌کرد. آنها حفاریهای قطعی انجام ندادند مگر در یک محل، در روستای تاش برون^(۲)، که طبق نوشته‌ها، واقع در محوطه باستانی شهر قدیمی اورارتوئی متراخینیلی^(۳) بود که بعداً شهر ارمنی تسلاکرت^(۴) شد. اشیاء یافت شده همگی قرون وسطا را آشکار کردند، چیزی که یک بار دیگر مانع از شناسائی سطح مربوط به باستانشناسی دوره اورارتوئی توسط باستانشناسان شد.

در سال ۱۹۳۰، در دوره‌ای که عهد عتیق ارمنستان از نو مورد توجه قرار گرفت، مطالعه آثار واقع در نزدیکی محلهائی که کتیبه‌های خط میخی اورارتوئی یافت شده بودند از سر گرفته شد. ابتدا می‌بایست کار شناسائی زمین جهت یافتن نقاطی که حفاریهای عمیق‌تری را تأیید می‌کرد انجام می‌شد. پس از یک بررسی کامل تمام سرزمینی که به اورارتو تعلق داشت، در سال ۱۹۳۹ حفاریهای اصولی بر روی کوه کارمیر - بلور^(۵) در اطراف ایروان^(۶)، جائیکه سه سال قبل از آن قطعه‌ای از کتیبه‌ها یافت شد که اسم پادشاه روسا^(۷)، پسر ارگیشتی^(۸)، که در قرن هفتم ق.م. بر اورارتو سلطنت می‌کرد بر روی آن ذکر شده بود به اجرا درآمد. حفاریها بطور مشترک توسط آکادمی علوم ارمنستان و موزه ارمتاژ آغاز شد و طی بیست و شش سال تحت رهبری من دنبال شد، و کارمیر بلور روشن ساخت که جانشین شهر باستانی اورارتوئی تی شبا اینی^(۹) می‌باشد.

قلعه‌ای که به طور کامل حفاری شد و محله‌های شهر که تا اینجا مورد بررسی قرار گرفتند برای ما کفایت میکند که دید روشنی از وضعیت تمدن اورارتو، هنر و فن معماری اش داشته باشیم. ما درون قلعه مجموعه‌ای از کارگاهها، انبارهای ذخیره مواد

1- A. Ivanovsky.

2- Tashbouroun.

3- Menouakhinili.

4- Tzolakert.

5- Karmir - Blour.

6- Erevan.

7- Rousa.

8- Argishti.

9- Teishebaini.

غذائی، محل شراب‌سازی و انبار غله کاملاً پر پیدا کردیم. همراه با تعداد زیادی از وسائل خانه و آشپزخانه، اشیاء تزئینی، سلاح، ابزار و تکه‌های پارچه، انبار غله و باقیمانده میوه‌جات و حفاران باز هم لوحه‌های گلی با کتیبه‌های به خط میخی پیامهای پادشاه به فرمانبران این شهر و مدارک مهمی که تاریخ آخرین پادشاهان اورارتو را می‌دهند، یافتند.

همچنین حفاریها برای ما آشکار کردند که تی‌شبا اینی جانشین مراکز دیگر اورارتوئی شده و محتویات انبارهای این شهرهای قدیمی‌تر به شهر جدید منتقل شده‌اند. نه فقط بعضی از اسامی پادشاهان مورخه قرن هشتم ق.م، حتی محل ساخت بعضی یافته‌ها، بخصوص سپرهای مفرغی، که آن را شهادت می‌دهند. شهر بزرگ اربونی^(۱)، که نام اروان^(۲)، پایتخت کنونی ارمنستان از آن است و این نام را حفظ کرده، یکی از این شهرهای پیشین بود. خرابه‌های اربونی بر روی کوه آرن - برد^(۳) که در اطراف اروان، در مقابل کارمیر - بلور قرار دارد کشف شد. یک گروه از هیئت باستانشناسی اعزامی به کارمیر - بلور حفاری اربونی را در سال ۱۹۵۰ آغاز کرد؛ سپس این یک مأموریت مستقل توسط آکادمی علوم ارمنستان و موزه پوشکین مسکو شد؛ این مأموریت بوسیله آرشیکت ک. اوگانیان^(۴) هدایت می‌شد.

حفاریها خرابه‌های یک کاخ، دو معبد، انبارهای گوناگون و اتاقهای مورد استفاده خانگی را آشکار کردند (تصویر ۱-۷). بعضی از اتاقها بطور باشکوهی با رنگ تزئین یافته بودند خواه مصور، خواه صرفاً تزئینی (تصویر ۸-۱۳). از دیوارهای قلعه دوازده کیلومتر بیان‌گذاری دو پادشاه اورارتوئی قرن هشتم ق.م. بدست آمد (ارگیشی، پرمنا^(۵)) و ساردوری^(۶)، پسر ارگیشی) که با احداث قلعه، کاخ، یک معبد و انبارهایی در ارتباط بودند. حفاریها همچنین مکان‌های شراب‌سازی و یک دالان ستونی که بازسازی شده

1- Erebouni.

2- Erevan.

3- Arin - Berd.

4- K. Oganessian.

5- Menoua.

6- Sardouri.

کشف دوباره اورارتو

بودند، خواه در زمان اورارتوها، خواه در زمانهای بعدی را کشف کردند. با وجود وضعیت عالی که این آثار محفوظ مانده‌اند، اریونی فقط مقدار کمی اشیاء در خود داشت. و این قابل فهم است اگر شهر در زمان اورارتوئی، در قرن هفتم، رها شده باشد، و اینکه بیشتر اشیاء قیمتی به تی‌شبا اینی^(۱) منتقل شده باشند.

تی‌شبا اینی، خود در آغاز قرن ششم ق.م. تخریب شده است. یک آتش‌سوزی وحشتناک تخریب قلعه را بدنبال داشته و زندگی پس از آن خرابه‌های آهکی شده را دیگر یدار نکرد، در حالیکه قلعه رها شده اریونی ویران نگردید و در طی دوره هخامنشی به زندگی ادامه داد. بدین طریق بود که نام قدیمی، توسط دستجات ارمنی مهاجر که کم‌کم در این شهر بزرگ، قبل از اینکه پایتخت فعلی ارمنستان شود گرد آمدند، محفوظ ماند.

در اصل اریونی یک مرکز اداری، سکونی ماوراء قفقازی پادشاه اورارتو بود. مرکز زندگی اقتصادی در طول این دوره (قرن هفتم ق.م.) در دامنه کوه آرات، در آرماویر^(۲) جاییکه اولین حفاریها چیزی بدست ندادند، قرار داشت.

در سال ۱۹۶۴ آکادمی علوم ارمنستان، باستان‌شناسان بی. آراکلیان^(۳) و ای. مارتیروسیان^(۴) را جهت از سرگیری حفاریها روی دو تپه آرماویر-پلور و داویدا^(۵) اعزام کرد. حفاران برج و با روی مستحکمی که تماماً با ستونهای تکیه بر دیوار تهیه شده و مختص معماری اورارتوئی است کشف کردند. در کوه داویدا باقیمانده خانه‌هایی یافت شد که می‌بایست به یک شهر بزرگی تعلق داشته باشند. احتمالاً شهر بزرگ اورارتوئی ارگیشتی خینیلی^(۶) با انبارهای مملو از وسایل خانگی و ابزار آلات. تصاحب قرون وسطی‌ای متأسفانه به این محوطه باستانی خسارت رسانده و حالا مشکل بتوان گفت آیا ارگیشتی خینیلی مانند اریونی در قرن هفتم ق.م. دوره انحطاط به خود دیده یا نه. کشف

1- Teishebaini.

2- Ari

3- B. Arakelian.

4- A. Martirosian.

5- Davida.

6- Argishti - Khinili.

علامت مشابه روی کوزه‌های یافت شده در اینجا و در تی‌شبا اینی این فکر را القا می‌کند که، همانند اربونی، ذخایر ارگیشنی خینیلی در طی قرن هفتم ق.م. به انباری‌های شهر بزرگ جدیدی منتقل شده‌اند. حفاری وسیعتری شاید بتواند این فرضیه را تأیید کند.

تحقیقات اخیر در ترکیه

محوطه‌های باستانی اورارتوئی‌های ترکیه نیز در سالهای اخیر کنجکاوی‌های بیشتری را برانگیخته‌اند. در سال ۱۹۳۸ موزه آنکار مجموعه‌ای از اشیاء یافت شده در آلتین‌تپه^(۱) نزدیک ارزینجان^(۲) را به هنگام احداث یک خط جدید راه آهن بدست آورد. یک دیگ سه پایه از جنس مفرغ، مزین به چهار سرگاور، ظروف برنزی، یک سپر، اسباب و اثاثیه خانه و اشیاء دیگر که استفاده خاصی برای باستان‌شناسان دارد. با وجود این هیچگونه حفاری‌ای روی محوطه طی بیست و یکسال آینده انجام نشد. مثال تازه‌ای از کندی که طی آن مطالعه تمدن اورارتوئی توسعه یافته است.

در سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ باستان‌شناس انگلیسی سی. ای. برنی^(۳) کندوکاو قلعه‌های باستانی دریاچه وان را، با همان فکر ارمنی‌های بین سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۳۸، به عهده گرفت. در طی این عملیات، وی نقشه‌های تعداد زیادی از قلعه‌هایی را که در آنها از قبل کتیبه‌های خط میخی را یافته بود احیا کرد. سپس کتیبه‌های جدیدی توسط پی. هولین^(۴) در نشریه مطالعات آناتولی منتشر شدند. این کارها پیش درآمدی برای یک مطالعه قابل توجه و گسترده باستان‌شناسی درباره اورارتوی مرکزی شد. مهمترین حفاریهای ترکیه متعلق به تی. اُزگوچ^(۵) در آلتین تپه بود که گورهای سنگی را ظاهر کرد که اختصاص به شخصیت‌هایی داشت که نقشه‌اش مشابه آن گورهای کنده شده در صخره وان بود. از این قبور اثاثیه مفرغی فراوانی بدست آمد: یک سپر، اسباب و اثاثیه، یراق آلات اسب،

1- Altintepe.

2- Erzindjan.

3- C. A. Burney.

4- P. Hulin.

5- Özgüç.

کشف دوباره اورارتو

کمریند و جواهرات. حفاران یک معبد و ایوانی با هیجده ستون مشابه آنچه که در اربونی حفاری شده بود از زیر خاک خارج کردند. ایوان آثار نقاشی‌ای را با طرح‌های هندسی و رنگهای گوناگون ارائه می‌داد. حفاریها بازهم قطعانی از مجسمه استخوانی نظیر آنچه در توپراک کالا بود آشکار کردند که فرشتگان بالدار، برگهای نخل و تزئینات معماری را نشان می‌دادند؛ بطور عموم آنها آشکارکننده معماری اورارتویی قرن هفتم ق.م. بودند. کتیبه‌هایی که اسامی پادشاهان، روسا و ارگیشتی را در برداشتند به ما اجازه تاریخ‌گذاری گورها را دادند.

بین سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۳، باستان‌شناسان ترک حفاریهایی در تعداد زیاد از محوطه‌های باستانی انجام دادند. آ.ارزن^(۱) کاوش شهر توپراک کالا را به پایان رسانید و مطالعه معبدی را که توسط موزه بریتانیا کشف شده بود ادامه داد. او دومین سپر برنزی را که مزین به اشکال شیران و گاوان تر بود و نوشته‌ای را که نام پادشاه روسا، پسراری منا^(۲)، را داشت از زیر خاک خارج کرد. با وجود زیر و رو شدگی خرابه‌ها، حفاران باقیمانده‌های عمارت را یافتند، بویژه یک انبار مواد غذایی که محتوی تعداد زیادی حُم که از یک نوع بودند و تحت عنوان «کارازی»^(۳) شناخته شده‌اند (مشابه پیتوس^(۴) یونانی).

نتایج حفاریهای آدیل جواز^(۵)، واقع در ساحل شمالی دریاچه وان، سبب توجه خاصی شدند. یک نقش برجسته بزرگ که چندین بلوک را در جمع داشت خداوند نی‌شا^(۶) را بر روی یک گاو تر نشان می‌داد.

ای. بیلگیچ^(۷) و بی. اُگون^(۸) در جریان حفاریهایی که در سال ۱۹۶۴ در کوه کف کالاسی^(۹) نزدیک آدیل جواز انجام شد یک انبار مواد غذایی دیگر از نوع معمولی در

1- A. Erzen.

2- Erimena.

3- Karazy.

4- Pithos.

5- Adilcevaz.

6- Teisheba.

7- E. Bilgic.

8- B. Ögün.

9- Kefkalesi.

استحکامات اورارتوئی کشف کردند، که مخوی یک مجموعه‌ای از خمره‌های حامل حروف خط میخی نشان دهنده ظرفیتشان بودند. همچنین در آنجا پایه‌های چهارگوشی مزین به نقش برجسته‌های با کیفیت قابل توجه (بر روی پی خاک‌ریزها و برجها، فرشتگان بالدار سوار بر شیران، در کنار درختان مقدس) با یک کتیبه خط میخی بسیار صدمه دیده کشف کردند.

باستان‌شناسان مأمور این حفاریها فکر کردند که یک سرداب تشییع جنازه‌ای کاخ پادشاه روسا دوم، پسر ارگیشتی را یافته‌اند. آدیل جواز همچنین گورستان بزرگ زمان اورارتوئی را آشکار کرد. آ. ارزن^(۱) خود در دشاواش تپه^(۲) یک دژ دوره دوم اورارتوئی (سلطنت ساردوری سوم) را حفاری کرد. حفاریها دیوارها، برجها، یک معبد، انواع گوناگون ساکن شخصی و یک مخزن سرامیک آشکار کردند. همچنین در آنجا نقاشی‌های دیواری و یک پلاک برنزی که ارابه‌ها و اسب‌سواران را نشان می‌داد پیدا کردند.

در پاتموس^(۳)، کمال بالکان تعدادی از تپه‌ها را مورد بررسی قرار داد. در آنزاوورتپه^(۴) او خرابه‌های یک معبد با نوشته‌ای حامل اسامی منوآ و پرش ارگیشتی اول؛ یک مجسمه شیر؛ یک گردنبند طلا با آویزهای کوچک، دستبند و مهره‌هایی که به ما درباره هنر اورارتوئی اطلاعات می‌دهند کشف کرد.

در سال ۱۹۵۵، انستیتوی باستانشناسی دانشگاه لندن (ستون لوید^(۵)، سی. ای. برنی^(۶)) حفاری کوه کایالی دره^(۷) در بخش موش^(۸) را به‌عهده گرفت. اولین عملیات خرابه‌های یک قلعه نظامی، یک انبار مواد غذایی و یک معبد را از زیر خاک خارج ساخت. در میان یافته‌های کوچک، یک مجسمه شیر از جنس برنز که می‌بایست زینت

1- A. Erzen.

2- Dechavachtepe.

3- Patmos.

4- Anzavourtepe.

5- Seton Lloyd.

6- C. A. Burney.

7- Kayalidere.

8- Moush.

بخش پایه شمعدانی چند شاخه بوده باشد، تکه‌های یک کمر بند مزین به صحنه شکار شیر با اوابه، عناصر تزیینی منزل و سلاحهای آهنی قابل ذکر هستند.

نتیجه کلی (بیان)

همچنانکه می‌بینیم مطالعات باستانشناسی تمدن اورارتوئی راه طولانی و دشواری را طی کرده، در مقابل یاس‌ها و مشکلات راست قامت ایستاده اگرچه چندین بار دچار وقفه شده است. باستانشناسان قرن نوزدهم در منطقه دریاچه وان کاری انجام ندادند جز اینکه بیشترین آنها در روی رد پای شکارچیان گنج قدم گذاشته باشند. در توپراک کالا است که یگانه حفاریها را بدرستی انجام دادند و آنها خود نیز با دوره‌های رکود آشنائی دارند.

کاوش محوطه‌های باستانی اورارتوئی ماوراء قفقاز سالهای درازی است (در زمان تألیف کتاب ۳۵ سال) که آغاز شده، بطور قابل توجهی دانش ما را درباره اورارتو، اقتصادش، فرهنگش و هنرش ارتقاء داده است. ما توانستیم روابط فرهنگی‌ای که با سایر ممالک شرق قدیم داشت مشخص کنیم. بعد از آن توانستیم مطالعات عمومی درباره هنر و تمدن اورارتو را منتشر کنیم. توانستیم نوشته‌های خط میخی اورارتوئی را جمع‌آوری کرده، و اصل این نوشته‌ها را از آشوری و بابلی متمایز کنیم (جی. ملیکشویلی^(۱)، اف. دبلیو. کونینگ^(۲)، آی. دیاکونوف^(۳))، مطالعه زبان نوشته‌های دریاچه وان را سرعت بخشیدیم (جی. فریدریخ^(۴)، ای. گونس^(۵)، ال. مشچانینوف^(۶)، جی. ملیکشویلی، ای. دیاکونوف، این. آرتوینیان^(۷))، یافته‌های حفاریهای قبلی را آزمایش کردیم (ار. دی. بارنت^(۸)، جی. آر. میر)، و حتی ای. آکورگال^(۹) اولین مطالعات درباره هنر اورارتو را

1- G. Melikishvili.

2- F. W. König.

3- I. Diakonov.

4- J. Friedrich.

5- A. Goetze.

6- L. Meshchaninov.

7- N. Arutyunian.

8- R. D. Barnett.

9- E. Akurgal.

منتشر کرد. ده سال گذشته (در زمان تألیف کتاب) بطور چشم‌گیری شاهد افزایش شیفتگی برای پادشاهی اورارتوی باستانی بوده است. حفاریها در ارمنستان بطور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته و تجسس باستانشناسی در ترکیه بخش مرکزی سرزمین اورارتو بطور فشرده‌ای رونق گرفت، و انگار می‌خواهد ده‌ها سال تأخیر گذشته را جبران کند. در کنگره‌های بین‌المللی، شرقشناسان توجه فزاینده‌ای برای تمدن پادشاهی وان (اورارتو) نشان داده و مطالعات متعددی را درباره روابط باسیت‌ها^(۱)، قفقاز، آسیای صغیر و دنیای مدیترانه‌ای منتشر کرده‌اند، ماس سیمو پال لوتینو^(۲) بطور مخصوصی علاقه‌مند به روابط بین هنر اورارتویی و هنر یونان باستان و اتروسک‌ها^(۳) شده است. میراث فرهنگی اورارتو، در حال حاضر، به نظر خیلی وسیعتر از آن است که قبلاً فرض می‌شد. مسلماً باستانشناسی شرق قدیم که در شرف کشفیات مهمی است پیشرفت جدیدی به مطالعه این تمدن باستانی خواهد داد که برای زمان بسیار طولانی مورد اهمال واقع شده بود.

1- scythes.

2- Massimo Pallot Tino.

3- Etrusques.

مسئله اصلیت‌ها

II

تمدنهای اولیه در ارمنستان

متون و شواهد باستانشناسی که بدست ما رسیده‌اند به روشنی نشان دهندهٔ اینکه دولت اورارتو چگونه تشکیل شده و اینکه یک جدول تاریخی از زمانهای اولیهٔ خود بدهند کفایت نمی‌کنند. با وجود این، می‌دانیم که از پراکنده شدن ایلات هوریت^(۱) که در کوهستانهای ارمنستان کنونی، اطراف دریاچه وان، جائیکه شرایط جغرافیایی بطور مخصوصی مناسب دو عمل پیوسته یعنی کشاورزی و انبارکردن محصولات کشاورزی ساکن بودند متولد شد.

کوهستانهای آذربایجان در جنوب منطقهٔ کوهستانی ارمنستان، یکی از قابل ملاحظه‌ترین کوه‌های زنجیره‌ای آسیای مقدم می‌باشد و با شیبهای صخره‌ای دیوار مانندشان و دامنه‌های پوشیده از جنگلهای غیرقابل نفوذ، خود سدّ مهیبی در مقابل مهاجرت انسانی را تشکیل می‌دهند. در هزاره‌های سوم و دوم، آنها دو منطقهٔ کشت مشخص را از هم جدا می‌کردند - منطقهٔ کوهستانی و دشت. در جنوب این کوهستانها تمدن روستائی تکامل یافتهٔ مزوتامی (بین‌النهرین) وجود داشت، تمدنی شناخته شده بوسیله تعدادی محوطهٔ باستانشناسی که تصاویر نقاشی سرامیکی را آشکار کرده‌اند که مزین به طرحهایی نشان دهندهٔ مراسم مذهبی کارهای مربوط به زراعت و انبارکردن محصولات کشاورزی می‌باشند. در شمال، برعکس، مرحله‌ای از تمدن کاملاً متفاوت

1- Hourrites.

پیدا می‌شود که نقاشی سرامیکی از خود به جا نگذاشته است، اما ظروف سفالی سیاه براقی بجا گذاشته است که مزین به بریدگی‌ها و برجستگی‌هایی می‌باشند. توانائی تولیدی ضعیف مناطق کوهستانی و جلگه مرتفع ارمنستان گویای آهنگ کندتر توسعه اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

تحقیقات باستانشناسی اخیر یک تمدن هماهنگی را در هزاره سوم با وسعت قفقاز جنوبی، منطقه واقع در شمال رود آراز^(۱)، سرزمین دریاچه وان، آناتولی شرقی و دریاچه اورمیه^(۲) را آشکار می‌کند. اقتصاد این مناطق بر اساس کشت توأم با انبار کردن پی‌ریزی شده بود، تأکید بر انبار کردن که بدون معطلی یک اضافه تولید منابع را در یک زمان تولیدی نسبتاً اولیه فراهم می‌کرد. کشت و زرع در درّه‌ها و دهانه رودخانه‌های کوهستان، از نیمه دوم هزاره سوم متولد، و کم‌کم بر روی تمامی محیط کوهستان‌ها گسترش یافت، نیز سبب بوجود آمدن یک وحدت تمدن بر روی یک سرزمین وسیع شد. این سرزمین هوریت‌ها، بخش شرقی جلگه مرتفع ارمنستان کنونی، درّه رودخانه هابور^(۳) و شمال سوریه فعلی را در بر می‌گرفت. همچنین دارای مرزهای مشترک با قفقاز شمالی بود. در «کورگانس»^(۴) (تومولوس)^(۵) قرن هفدهم و شانزدهم ق.م. حفاری‌ها جام‌های زیبای پوشیده با لایه‌ای از طلا و نقره و سلاح‌های برنزی (تری آلتی)^(۶)، کیروواکان^(۷) آشکار کردند که تماس‌های با آسیای صغیر و سوریه را به ثبات می‌رساند.

لیکن در گورهای دوره‌های متعاقب حفاری شده در لی جاشن^(۸) بر روی ساحل غربی دریاچه سوان^(۹) و در یک قبرستان عمومی در روستای آرتیک^(۱۰) بر روی

1- Araxe.

2- Ourmia.

3- Habour.

4- Kurgans.

5- Tumulus.

6- Trialeti.

7- Kiorovakan.

8- Lidjashen.

9- Sevan.

10- Artik.

سراسیمی‌های کوه آراگاتس^(۱)، مهرهای استوانه‌ای میتانی^(۲) مورخ قرن پانزدهم یا آغاز قرن چهاردهم ق.م.، یعنی از آخرین دوره امپراتوری میتانی یافت شده که گواه ثابت کننده‌ای بر روابط فرهنگی قدیم می‌باشند.

پس از شکست میتانی توسط هیت‌ها^(۳) در اواخر قرن پانزدهم و آغاز قرن چهاردهم ق.م. جمعیت‌های جلگه‌های مرتفع ارمنستان در ارتباط با هیت‌ها که شروع به وسعت در سوریه شمالی کردند باقی ماندند. این ارتباطات نقش مهمی در توسعه فرهنگی نواحی کوهستانی بازی کردند؛ و در زمان سقوط پادشاهی هیت، حدود ۱۲۰۰ ق.م.، ایلات کوهستانی به یک درجه بالائی از تمدن رسیده بودند. حتی از آن به بعد آنچنان اتحاد قدرتمندی بوجود آوردند که قادر به مقاومت و یورش به طرف شمال آشوریه‌ها، که پس از سقوط میتانی‌ها، وارد یک دوره گسترده سیاسی شده بود، گردیدند.

اوروآتری^(۴) و نایری^(۵) در هزاره دوم ق.م.

در واقع، این مدارک آشوری‌های قرن سیزدهم هستند که اولین جزئیات را درباره ساکنان جلگه‌های مرتفع ارمنستان به ما می‌دهند. سالنامه‌های شاه آشور سلیماناسر اول^(۶) (۱۲۸۰ - ۱۲۶۱ ق.م) برای اولین بار ما را با عبارت اوروآتری جهت تعیین اتحاد ایلاتی کوچک که بر ضد آنها شاه آشور در سالهای اولیه حکومت خود یک لشکرکشی را تدارک دید آشنا می‌کند. بایگانی‌ها ذکری از فتح هشت ایالت که به شکل جمعی اوروآتری نامیده می‌شوند، می‌کنند، که در یک منطقه کوهستانی در جنوب - شرقی دریاچه وان، شاید در دره فوقانی زاب^(۷) بزرگ قرار داشتند. بدون تردید آشوریه‌ها با

1- Aragats.

2- Mitanniens.

3- Hittites.

4- Uruatri.

5- Nairi.

6- Salmanasar I.

7- Zab.

جمعیت‌های مرز نشین است که برخورد هائی داشته‌اند، و ما نمی‌دانیم سرزمین تحت اختیار اتحاد ایلات اورارتو تا کجا وسعت داشته. احتمال دارد که ساکنان دریاچهٔ آتری دارای معنی نژادی نبوده و بیشک فقط یک عبارت توصیفی (شاید به مفهوم «منطقه کوهستانها») باشد.

متونی که به نام شاه آشوری توکولتی - نینورتا اول^(۱) - پسر سلماناسر اول^(۲) نوشته شده‌اند، یک اسم جمعی دیگری برای ایلات کوهستانهای ارمنستان می‌دهند. این منطقه «زمین‌های نایری» نامیده شده‌اند، عبارتی که، تقریباً یک قرن دوام داشت، جای خود را به اوروآتری (اورارتو) داد. کتیبه‌های کشف شده در کاخ و معبد توکولتی - نینورتا در آشور چگونگی قیام ۴۳ پادشاه سرزمین‌های نایری بر علیه آشور و چگونگی پیروزی بر آنها و آورده شدنشان با زنجیر به آشور را شرح می‌دهند. آنگاه ایلات نایری هدایائی ارزشمند به شاه آشوری پیشکش کرده، خراج پرداختند و عنوان جدیدی به نام شاه آشوری: «شاه تمامی زمینهای نایری» افزوده شد.

سالنامه‌های نقلاتح - پهاالاسراول^(۳) گزارش کاملی از لشکرکشی آشوری برای ما حفظ کرده‌اند، که از منابع رود دجله^(۴) تا کشور دایانی^(۵) در دژهٔ رود چوروو^(۶) امتداد دارد. لشکرکشی علیه منطقه جنوب - شرقی دریاچه وان به مانند لشکرکشی سلماناسر هدایت نشد. اما علیه بخش غربی جلگهٔ ارمنستان انجام شد. در جریان این لشکرکشی، آشوریها تا عمق بیش از ۵۰۰ کیلومتر به سرزمین دشمن نفوذ کردند. سالنامه‌ها این لشکرکشی را با عبارات «خداوند آشور، آقا و ارباب من، مرا فرستاده است که بر علیه پادشاهان سرزمین‌های دور که در سواحل دریای علیا (یعنی دریای سیاه) ساکن هستند و اربابی ندارند مبارزه کنم. به این دلیل است که من رفتم. طول راههای دشوار و دیوارهای بسته، که قبل از من هیچ شاهی از آنجا نگذشته، از طریق معابر مخفی و راههای بدون

1- Tukulti - Ninurta I.

2- Salmanasar. I

3- Téglath - Phalaras I.

4- Tigre.

5- Daiani.

6- Tchouhouh.

قشون خود را به پیش بردم ... مادامیکه معبر آسان بود بر روی ارابه‌ام سفر می‌کردم ... و تیکه سخت بود به کمک تیرهای بَران (برای خود راه باز می‌کردم) پیش می‌رفتم ... بیست‌وسه پادشاه سرزمینهای نایری ارابه‌ها و جنگجویانشان را گردآوری کرده و مبارزه‌ای را بر علیه من تدارک دیده‌اند که با من جنگ کنند. من با تمام قدرت نظامی مهیب خود به مَصاف آنها رفتم و به مانند موج آداد^(۱) قشون بزرگ آنها را نابود کردم ... شصت پادشاه زمین‌های نایری با تمام آنها تیکه به کمکشان آمده بودند: من آنها را با شمشیر بَران خود تا دریای علیا راندم. من شهرهای بزرگ آنها را تصاحب کردم، من ثروت‌های آنها را غارت کردم، من مسکن‌های آنها را آتش زدم، تمام پادشاهان زمین‌های نایری، من آنها را زندانی کردم. اما در حق همه این پادشاهان، من بخشش به کار بردم، به نام شاماش^(۲)، آقا و ارباب من، و من به آنها زندگی آزاد بخشیدم و من آنها را از اسارت رها کردم. سپس من آنها را مجبور به سوگند به خداوند بزرگ خود کردم که آنها به من خدمت کنند و از این به بعد برای هر زمان آینده از من اطاعت کنند؛ و پسرانشان، وارثین پادشاهی آنها، من آنها را به عنوان گروگان گرفتم. سپس آنها به من خراج پرداختند: ۱۲۰۰ اسب و ۲۰۰۰ رأس احشام. آنگاه من آنها را رها ساختم که به کشور‌هایشان برگردند ...»

بنابراین ما یک گزارش مختصر ولی زنده از لشکرکشی آشوریا در کوهستانهای غربی ارمنستان در اواخر قرن دوازدهم ق.م. در دست داریم. هدف شاه آشوری فقط فتح کردن و غارت کردن این ایالات خوشبخت نبوده؛ او با رفتار شفقت‌بار با پادشاهان زندانی، به دنبال وسعت و غنا و قدرت و اقتدار بر روی زمینهای نایری بود. همچنین لازم به ذکر است که در این گزارش اشاره‌ای به منطقه دریاچه وان («دریای نایری») نشده است. شاید آشوریا به طور مصمم از مرکز سرزمین مسخر توسط ایالات متحده که نوانته بودند مقاومت قویتری را در مقابله با دشمن از خود نشان دهند اجتناب کرده باشند.

کتیبه‌های قرن یازدهم آشوریا بازهم عبارت اوروآتری را می‌دهند، لیکن از ربع دوم

1- Adad.

2- Shamash.

قرن نهم تحت سلطنت آشوریانی پال دوم^(۱) (۸۸۳ - ۸۵۹ ق.م)، بطور مکرر شکل اورارتو در رابطه با اسم نایری و در اصل بدون اشاره خاص بین دو عبارت دیده می شود.

لشکرکشی های سلماناسر سوم و درهای بالوات^(۲)

تاریخ آسیای مقدم در قرن نهم بوسیله فعالیت جنگی فشرده در آشور مشهود است که از آن به بعد قدرت نظامی خود را دوباره برقرار می کند. آتش افروزی و شمشیر بران به تسلیم کشورهای فتح شده منجر می شد، و جنگ بی رحم علیه ملت های نافرمان ادامه می یافت. با وجود این، مقاومت هم سازمان می یافت. ایلات کوچک هم گروه شده و ایالاتی از این اتحادها متولد می شدند. بدین طریق است که دولت اورارتو در نیمه اول قرن نهم ق.م. تشکیل شد؛ و آنگاه نام اورارتو یک واقعیت قومی را پوشش داد.

سلماناسر سوم^(۳) (۸۶۰ - ۸۲۵)، شاه آشور، از ابتدای سلطنتش خود را در جنگ با این دشمن جدید که، با وجود اینکه هنوز شکل دولت مرکزیت یافته را نداشت رو در رو دید. ما نه تنها به لطف سالنامه ای که جزئیات دقیق از لشکرکشی های سلماناسر سوم علیه اورارتو به ما می دهند، بلکه حتی به لطف درهای برنزی مزین به مراحل مختلف این لشکرکشی ها که در سال ۱۸۷۸ در خرابه های شهر باستانی ایمقور - انلیل^(۴)، روی کوه بالوات، در جنوب - شرقی نینوا کشف شدند به خوبی آگاهیم.

یکی از این درها، که بطور قابل ملاحظه ای مدلی از هنر آشوری می باشد، لحظات مختلف یک لشکرکشی را که در سال اول سلطنت سلماناسر بوقوع پیوست نشان می دهد، لشکرکشی که خیلی مختصر در سالنامه ها قید شده: «من به سوقونیا^(۵) نزدیک شدم، شهر قدرتمند آرامه^(۶)، اورارتوئی؛ من شهر را محاصره کردم و به آن یورش بردم؛ من بسیاری از جنگجویان را کتشم و به یغما بردم؛ من سرها را در مقابل دیوار شهر

1- Assurbanipal II.

2- Balawat.

3- Salmanasar III.

4- Imgour - Enilil.

5- Sougounia.

6- Aramé.

مسئله اصلیت‌ها

انباشتم؛ چهارده شهر سرزمین آنها را به آتش کشیدم. سپر از سوقونیا رستم، من به طرف دریای ناپری عزیمت کردم، من سلاحهای خود را در آب دریا شستم و من یک قربانی هدیه خدایان خود کردم.

درب مزبور گزارش مفصل تصویری از چندین دوره لشکرکشی به ما می‌دهد. آنرا به کادرها یا بندهائی تقسیم کرده‌اند و یک تاریخی را با نمایش اردوی آشوری شرح می‌دهد که از زاویه چپ درب شروع میشود. قشون که از ارابه و پیاده نظام تشکیل شده از اردو و خارج و به سوی سوقونیا، قلعه اورارتوئی ذکر شده در سالنامه‌ها حرکت می‌کند. تسخیر سوقونیا را هم می‌بینیم: قلعه واقع در روی تپه در آتش می‌سوزد و نردبانهای در دو طرف مقابل دیوار هستند. درون قلعه مدافعان جنگجوی اورارتوئی مجهز به نیزه و کمان دیده می‌شوند. شرحی در زیر صفحه نوشته شده است: «من سوقونیا، شهر آرامه، اورارتوئی، را فتح کردم». در سمت راست، زندانیان اورارتوئی مشاهده می‌شوند. کادر فوقانی حرکت قشون آشوری و معبر سه گردنه هادی بطرف دریاچه وان را به ما نشان می‌دهد؛ در گوشه فوقانی چپ، تصویر قربانی سلماناسر بر روی ساحل دریاچه و قرار گرفتن نقش برجسته تمال شاه دیده می‌شود. قربانی توسط شاه شخصاً تقدیم می‌شود: در کنار وی دو روحانی قرار دارند و در طرح پشی نوازندگان موسیقی و حیوانات قربانی دیده می‌شوند. در بالای این صحنه شرح زیر نوشته شده است: «این مجسمه، تصویر خود من، من آنرا در ساحل دریای سرزمین ناپری جادادم؛ من یک قربانی به خداوندانم تقدیم کردم».

صحنه‌های دیگر مراحل لشکرکشیهای جدید سلماناسر، مانند تسخیر آرزاشکو^(۱)، شهر سلطتی (و نه پایتخت) آرامه اورارتوئی، به تاریخ سال سوم سلطنت سلماناسر نشان داده می‌شود. این لشکرکشی طولانی بود، و تقریباً مسیر تقلات - پالاسر اول^(۲) را دنبال می‌کرد. آشوریها از طریق سرزمین دایانی^(۳) گذشتند و اینجاست که سالنامه‌ها

1- Arzashkou.

2- Teglath - Phalasar I.

3- Daiani.

چگونگی این لشکرکشی را شرح می‌دهند: «آرامه اورارتوئی در مقابل سلاحهای قدرتمند من و یورش بی‌رحمانه من ترسیده و شهر را رها کرده» - این درها در واقع یک دژ در حال آتش‌سوزی رها شده توسط مدافعانش را به ما نشان می‌دهند - «او به کوهستانهای آدادوری^(۱) فرار کرد. من او را تعقیب کردم و یک مبارزه سخت در کوهستانها بوجود آوردم؛ من ۳۴۰۰ جنگجو را از زیر تیغ گذراندم: مثل آداد^(۲) من آنها را در یک ابر ابوهی پوشاندم؛ با خون آنها من کوهستان را بمانند پشم رنگ آمیزی کردم؛ و من به اردوی آنها یورش بردم ... آنگاه آرامه، برای نجات جان خود به یک کوهستان غیرقابل نفوذ پناه برد. با تمام نیروی قدرتمند، من زمین‌هایش را بمانند یک گاو نر وحشی لگدمال کردم؛ از شهرهایش پشته مخروبه ساختم و آنها را به آتش کشیدم». کمی آنطرف‌تر سالنامه‌ها صعود از کوه ارتنا^(۳)، جائیکه آشوریهایی پیکره تمام سنگی شاه را کنده کاری کرده بودند، و یک لشکرکشی در سرزمین آرمالی^(۴) را که تا دریاچه وان ادامه می‌یافت شرح می‌دهند، جایی که آشوریهایی سلاحهای خود را بلند کردند، قربانیانی تقدیم نمودند و یکبار دیگر پیکره تمام سنگی شاه را ساختند.

درب‌های بالاوات قلعه در حال آتش‌سوزی آرزاشکو^(۵) را که با دو خندق احاطه شده نشان می‌دهند. در خارج از قلعه، ما شاهد یک مبارزه بین آشوریهایی و اورارتوئی‌ها هستیم، که این آخری بطرف کوهستان عقب‌نشینی می‌کند. شاید این حادثه ضمنی از همان جنگی باشد که یک باردیگر بر روی قاب دیگری با این شرح مختصر نقش‌بسته: «یک جنگ علیه اورارتو». یک نبرد پیدادگر در مقابل قلعه‌ای بزرگ در شعله‌های آتش و آشوریهایی در حال نابودی درختان و ویران کردن کشور. صحنه‌ای دیگر، کمی عقب‌تر، قلعه‌ای کوچک را نشان می‌دهد که ساکنان قتل عام شده آن و بر روی میخ‌های چوبی انباشته شده‌اند؛ کله‌ها در پای دیوارها بر روی هم تل انبار شده‌اند؛ یک وسیله نقلیه چهار

1- Adadouri.

2- Adad.

3- Eritna.

4- Armali.

5- Arzashkou.

چرخ که توسط انسانها کشان کشان قلعه را ترک می‌کند حامل «کاراس»^(۱) مملو از غنایم می‌باشد. خزانه‌های بزرگ از این نوع که در حفاریهای قلعه‌های اورارتوئی آشکار شدند، عموماً اختصاص به ذخیرهٔ شراب داشتند، لیکن از آنها، در صورت اقامت، نیز جهت پنهان کردن اشیاء قیمتی یا مواد غذایی استفاده می‌شده است.

دولت اورارتو در قرن نهم ق.م.

درب‌های مفرغی بالارات بخاطر روشنی‌ای که بر روی تمدن اورارتوئی می‌تابانند بسیار دقیق می‌باشند. این‌ها اولین تصاویر شناخته شده از اورارتوئی‌ها، پوشاک و سلاح‌هایشان هستند. آنها لباسهای تونیک^(۲) با آستینهای کوتاه که تا زانو می‌رسید می‌پوشیدند و بالاته با یک کمربند پهن احتمالاً از جنس برنز بسته می‌شد. آنها یک نوع کلاه مخصوص با زیور کوتاهی در نوک آن بر سر می‌گذاشتند. آنها مسلح به کمان، نیزه و سپرهای کوچک گرد با برجستگی مرکزی می‌بودند. پوشاک و تجهیزات اورارتوئی با آشوری فرق داشت و بیشتر به هوریت‌ها^(۳) و هیتیت‌ها^(۴) نزدیک بود. مثلاً در آشور کلاه با زیور کوتاه در نوک آن استفاده نمی‌شده مگر حدود اواسط قرن هشتم ق.م با تقلید از کلاه اورارتوئی.

بر طبق سالنامه‌های سلیماناسر سوم، سرزمین مسکونی اورارتوئی‌ها از نظر وسعت بسیار مهم بود، چون شاه آشور اظهار می‌دارد که جنگ را بر اورارتوئی‌ها تحمیل کرده و قلعه‌های آرامه^(۵) را در نقاط کوهستانی بسیار مختلف ارمنستان (کنونی) به تخریب کشیده است. از جنگهای اولین و سومین سال سلطنت وی جزئیات زیادی به ما داده شده است، اما حوادث سالهای آخر بویژه آنهایی که مربوط به سال پانزدهم هستند شرح مختصری می‌دهد. سالنامه‌ها چیزی جز یک گزارش کوتاه از حرکت دشوار سربازان در

1- Karas.

2- Tunique.

3- Hourrites.

4- Hittites.

5- Aramé.

کوهستانها به ما نمی‌دهند، ولی هیچگونه ذکر از لشکرکشی به اورارتوی مرکزی وجود ندارد. شاید این به نشانه توسعه قدرت اورارتوئی باشد. بی‌شک سلماناسر از خطری که در شمال وجود داشت آگاه بود، ولی وسیله‌ای برای دفاع نداشت.

در پایان حکومت سلماناسر، آشوریا یکبار دیگر دستجات خود را بر علیه پادشاهی اورارتو گیل داشتند، لیکن شاه پیر در پیست و هفتمین سال سلطنتش دیگر فرمانده قشون نبود؛ قشون توسط فرمانده دایان آشور^(۱) هدایت می‌شد. در زمانی که آشوریا از رودخانه آراتسانی^(۲) می‌گذشتند، «ساردوری، رئیس اورارتو، به آن پی برد، و با اعتماد به قدرت قشون بزرگش با شتاب به جنگ با آنها رفت. بنابراین بدین طریق، دوازده سال پس از آخرین اشاره به پادشاه آرامه اورارتوئی، در سالنامه‌های سال ۸۳۴ ق.م، ما به یک رئیس جدید بر می‌خوریم که نام وی ساردوری است، نامی که ما پس از این در سلسله پادشاهی اورارتو با آن روبرو خواهیم شد.

همچنین از ربع سوم قرن نهم ق.م است که قدیمی‌ترین محوطه‌های اورارتوئی، از جمله دریاچه وان، تاریخگذاری می‌شوند.

بر روی پایه جناح غربی سکوی صخره وان، که دژ پایتخت اورارتوئی توشاپا^(۳) قرار دارد، باقیمانده‌های حصار سیکلویی^(۴) ساخته شده از بلوکهای بسیار با ضخامت ۰/۷۵ متر و نزدیک به شش متر ارتفاع که شاید مخروبه‌های یک اسکله یا موج‌شکن پیشرفته در دریاچه باشد. این دیوار دارای سه کتیبه به آشوری است، هر سه به نام ساردوری^(۵)، پادشاهی که قبلاً در سالنامه‌های ۸۳۴ ق.م. یاد شده است. متن کتیبه‌ها از این قرارند: «کتیبه‌ای از ساردوری، پسر لوتی‌پری^(۶)، پادشاه هالی مقام، پادشاه قدرتمند، پادشاه جهان، پادشاه سرزمین نایری، پادشاهی که همتا ندارد، پیشوای قابل ستایش، کسی که از هیچ جنگی نمی‌هراسد، پادشاهی که آنهایی را که نمی‌خواستند بفرمانش تسلیم شوند

1- Daian Ashour.

2- Aratsani.

3- Tushapa.

4- Cyclope.

5- Sardouri.

6- Lutipri.

سرافکنده کرد. من، ساردوری، پر لوتپیری، شاه شاهان، تمامی شاهان به من خراج می‌پردازند. ساردوری، پر لوتپیری می‌گوید: این سنگ آهک را من به دست خود در شهر آلتی اونو^(۱) تهیه کردم، من این دیوار را ساختم.

مورخین نمی‌توانند تعیین کنند که آیا «ساردوری، پر لوتپیری» یکی از نوادگان آرامه است یا او تعلق به یک سلسله دیگر دارد. ما هیچ مدرکی که به ما اجازه جواب به این سؤال را بدهیم یا وسیله پیشنهاد کردن محوطه دیگری بعنوان اولین پایتخت اورارتو را نداریم: لیکن دوازده سالی که اولین اشاره به نام آرامه را از آخرین ساردوری جدا می‌سازد جایی برای یک سومین شخصیت از خود بجاء می‌گذارد.

منطقه دریاچه وان از یک شرایط جغرافیائی و استراتژیکی مساعد بهره‌مند است و از قدیمی‌ترین زمانها بطور طبیعی بعنوان مرکز یک دولت متحده سیاسی انتخاب شده بود. این موضوع کمترین اهمیت را می‌داشت اگر این مرکز در یک منطقه کوهستانی با رفت و آمد دشوار و با امکانات کشاورزی کم و ارتباط حداقل با سایر مناطق ارمنستان (کنونی) قرار می‌گرفت.

توسعه و ترقی اورارتو

کتیبه ساردوری اول به آشوری نوشته شده، چیزی که ثابت می‌کند دولتی که اورارتو را به بوجود آورد از قبل بعضی از عناصر فرهنگی دشمن خود، آشور، پروژه خط را به خود جذب کرده بود. قدیمی‌ترین خط تصویری^(۲) برای استفاده‌های امور اداری و مالی حفظ شده بود. نیز جالب توجه است تأکید شود که پادشاه اورارتو خود را «پادشاه سرزمین نایری» با استفاده از نامگذاری قدیمی آشوری نامید.

ما همچنین یک کتیبه‌ای دوزبانه آشوری اورارتوئی از پادشاه ایشپوینی^(۳)، پر

1- Alniounou.

2- Hiéroglyphique.

3- Ishpouini.

ساردوری اول، داریم: پیکره سنگی کلشین^(۱). عنوان پادشاه «سرزمین نایری» از متن آشوری از روی عنوان «پادشاه سرزمین بیایینی»^(۲) به اورارتوئی ترجمه شده است. «سرزمین بیایینی» نامی است که عموماً توسط خود اورارتوئی‌ها از اواخر قرن نهم به وطنشان داد شده است. این عبارت، یعنی یک اسم جمع مفرد، کم‌کم دو معنی پیدا کرد - که بخش مرکزی و سرزمینشان (یعنی منطقه دریاچه وان) و همچنین بطریقی عمومی‌تر کل کشور متمایز از سرزمینهای تحت فرمانی که آنرا احاطه می‌کرد. لیکن از زمانی که عبارت اورارتو بطور همگانی در شرق قدیم بکار گرفته شد کم‌کم جانشین لفظ دقیق بیایینی (لی)^(۳) شد که اورارتوئی‌ها در هنگام صحبت از خودشان بکار می‌بردند.

با نتیجه‌گیری از این بخش، می‌بینیم که اورارتوئی‌ها در قرن سیزدهم ق.م. در تاریخ ظاهر می‌شوند و در این دوره است که تشکیل یک فدراسیون از ایلات و اقوام را می‌دهند و نه یک دولت متحده. در سالنامه‌های آشوری، عبارت اوروآتری در طی یک بُعد زمانی به حد قابل توجه‌ای به جای عبارت «سرزمین نایری» نشست، نامی که تمامی منطقه دریاچه وان را در بر می‌گرفت، خود دریاچه تحت نام «دریای نایری» شناخته شده بود. در قرن نهم آشوری‌ها به هنگام پیشروی به سوی شمال با یک مقاومت شدید از طرف اورارتوئی‌ها تحت رهبری آرامه و ساردوری مواجه شدند. سرزمین اورارتو از این به بعد دولتی تأسیس کرد که، با ثروتهای گوناگون، دست از مبارزه علیه آشور برنداشت. در اواخر قرن نهم، قدرت پادشاهی اورارتو چنان توانائی کسب کرد که آشور مجبور به شناسائی حاکمیت آن بر آسیای مقدم شد. از این دوره است که تاریخ گسترش سیاسی و فرهنگی اورارتو شروع و به لطف آن برای دو قرن بزرگترین دولت در آسیای مقدم گردید.

1- Kelishin.

2- Biaini (Li).

3- Biaini (li).

تاریخ و باستانشناسی

III

در زمان اولین پادشاهان کبیر

قدیمی‌ترین کتیبه‌های کشف شده به زبان اورارتویی از زمان سلطنت ایشپوینی^(۱)، پسر ساردوری، تاریخ‌گذاری می‌شوند که قبلاً در سالنامه‌های آشوری ۸۲۴ ق.م. ذکر شده‌اند. خط تصویری^(۲) ابتدائی به سرعت غیرقابل تطبیق بودنش را نسبت به نیازهای دولت جدید اورارتو نشان داد. به این دلیل است که در اواخر قرن نهم، اورارتوئی‌ها خط میخی آشوری را با تغییرات و تسهيلات جزئی حروف جهت مطابقت با زبان خودشان تطبیق دادند. خط تصویری محلی برای کاربردهای مالی و فرهنگی حفظ شد.

بر طبق کتیبه‌ها، سلطنت ایشپوینی، پسر ساردوری، به خاطر احداث چندین معبد، دژ، عمارات دیگر، چه در توشا پایتخت چه در اطرافش معروف است. از تمامی این بناها، فقط تعداد کمی خرابه باقی مانده است، حتی بعضاً چیزی جز مقداری سنگ که حامل کتیبه‌های میخی می‌باشند.

سلطنت پادشاه متوا^(۳)، پسر ایشپوینی، آغاز زندگی قدرتمند اورارتو می‌باشد. در جنگهای با آشور، بعد از این، برتری اغلب با اورارتوئی‌ها بود. معه‌الک، با وجود مرزهای مشترکشان، دو کشور بوسیله یک رشته کوه پوشیده از جنگلهای تقریباً غیرقابل نفوذ از یکدیگر جدا بودند، از اینرو برخوردهای شدید کم اتفاق می‌افتاد.

1- Ishpouini.

2- Hieroglyphique.

3- Menoua.

پادشاه منوآ در تعدادی از مناطق حکمرانی اش، شهرها، دژها، کاخ‌ها و معبد‌ها احداث کرد؛ او کانال‌های آبیاری ساخت و باغها و تاکستانها بوجود آورد. تعدادی از کتیبه‌های با خط میخی فعالیتها و پیروزیهایش را توسط قشونش یادآوری می‌کنند. منوآ برنامه فشرده‌ای برای ساخت و ساز در توشا، پایتخت پادشاهی، تدوین کرد. او اطراف دژ دیوارهای مستحکم احداث نمود، شهر واقع در ساحل دریاچه نمکی را وسعت داد، آب آشامیدنی را از طریق کانال‌هایی در زمین ناهموار که بیش از ۸۰ کیلومتر طول داشت به آنجا رساند. در بعضی قسمت‌ها کانال‌کشی بوسیله دیوارهایی از بلوکهای بسیار کشیده شده بود، و آنگاه کتیبه‌هایی نام سازنده را داده و لعنت خداوندی را بر آن کسانی که سعی در تخریب دیوارها کرده یا ادعای سازندگی آنها را داشته باشند می‌فرستاد.

گسترش سرزمین اورارتو همراه بود با تقویت اقتدار مرکزی، با تولد یک طبقه رهبری، با ایجاد یک سیستم اداری مناطق مختلف و احداث یک معبد پذیرای تعداد زیادی از الهه‌های کوچکتر نسبت به قبلی‌های مورد احترام هر ایل متمایز. خدایان سه گانه مورد پرستش اورارتوی مرکزی: خالدی^(۱)، تی‌شا^(۲) و شیوینی^(۳)، در صدر این معبد قرار داشتند.

طاقچه‌ای در کوهستان وان، اکنون تحت نام مهری - دور^(۴) («درب مهر»)^(۵) متن طولیلی را از قرن نهم ق.م. حفظ کرده، که یک لیست مضاعف از ۷۹ خداوند را می‌دهد و از قربانیهای (گاوانر، گاو ماده و گوسفند) یاد می‌کند که به آنها اهدا می‌شدند.

خالدی مهمترین خداوند اورارتویی می‌باشد که بیشترین کتیبه‌ها درباره او هستند. این خداوند والا مقام معبد بزرگ اورارتویی بشکل یک انسان (گاهاً با ریش، گاهاً بدون ریش) بر روی یک شیر ایستاده است (تصویر ۱۳). وی همسر الهه آروبانی^(۵) بود. او خداوند

1- Khaldi.

2- Teishba.

3- Shivini.

4- Mheri - Dour.

5- Aroubani.

جنگ بود و زمانیکه پادشاه رهبار جنگی می‌شد به وی دعای خیر می‌بخشید؛ اوست که پادشاه برای پیروز شدن نمازگذارش می‌بود و کسی که مشول تمامی موفقیت‌های نظامی بود. در معابد موقوفه خالدی، آئین مذهبی جنگ برگزار می‌شد، مدارک بسیاری از آن را داریم: شمشیرها، نیزه‌ها، تیروکمانها در این محل مقدس گذاشته می‌شدند، سپرها بر دیوارها آویزان گشته و خود معبد «خانهٔ سلاحها» نامگذاری شده بود.

خداوند تی‌شبا، خدای رعد و برق (بوسیله ایدئوگرام^(۱) آشوری خداوند آداد^(۲)) نشان داده شده) مکان دوم را در معبد بزرگ اورارتوئی دارا بود. هم نام خداوند هوریت^(۳)، تشوب^(۴) که مراسم مذهبی‌اش در آسیای صغیر بسیار رواج داشت، او با ظاهری بشکل انسانی بر روی گاونر نشان داده شده، که اغلب در دست خود یک مشت روشنایی‌ها دارد. همسرش هوبا^(۵) هم نام الهه هوریت هپات^(۶) بود.

سومین خداوند معبد بزرگ خداوند آفتاب شیوینی^(۷) می‌بود، که اغلب بوسیله ایدئوگرام آشوری برای نان دادن شاماش^(۸) استفاده شده است. مردی زانو زده که در دستهایش صفحه خورشید بالدار را گرفته، یعنی نشان‌اش، را ارائه می‌داد. همسر شیوینی احتمالاً الهه توش‌پوئا^(۹) بود که مقام سرم را در لیست الهه‌های مهری - دور دارا می‌باشد. پیکره‌های زنانه بالدار که اغلب دیگ‌های بزرگی را که جهت مراسم مذهبی تهیه شده‌اند مزین می‌کنند، شاید، این الهه را نشان می‌دهند.

معبد بزرگ اورارتوئی همچنین در برگیرندهٔ خدایان دیگر کشورها و شهرهای بزرگ

1- Ideogramme.

ایدئوگرام: علامتی در حروف که معنی چیزی را می‌رساند و حرکات و اصوات را نمی‌رساند.

2- Adad.

3- Hourrite.

4- Teshoub.

5- Houba.

6- Hepat.

7- Shivini.

8- Shamash.

9- Toushpouea.

فتح شده و خداوندان مشترک در توت‌ها^(۱) و معتقدان جادوگری بود. بدین‌سان لیست ذکر می‌کند «خداوند شهر آردا» (موساسیر)^(۲)، «خداوند شهر کومانو»^(۳)، «خداوند شهر توشپا»^(۴) (پایتخت پادشاهی)، و «خداوند شهر خالدی»^(۵). اینان خداوندان مراکز مختلف مذهبی بودند، که بخشی از پادشاهی محسوب می‌شدند. از میان خداوندان با مفهوم توتمی^(۶)، ما به خداوندان زمین، دریا، آب، کوهستانها، غارها و غیره برمی‌خوریم. مذهب اورارتو منعکس‌کننده عناصر آئین‌ها و سیاست‌هایی که در مناطق مختلف آسیای مقدم مشترک بودند، بدون اینکه از آنهمه اعتقادات محلی قدیمی غفلت کرده باشیم، می‌بود.

یک نقش برجسته یافت شده در کاخ شاه آشور، سارگون، که غارت شهر موساسیر را در سال ۷۱۴ ق.م. نشان می‌دهد، بطور مخصوصی در این مورد جالب است. این نقش برجسته یکی از قدیمی‌ترین معابد اورارتو را نشان می‌دهد، که طبق متون قدیمی توسط اورارتوئی‌ها در موساسیر در اواخر قرن نهم بنا شده است. این معبد، که بر روی یک سکوی برآمده بنا شده، دارای یک پشته‌بام با شیب دوگانه با یک سر در رویالای مایه اصلی که در رأس بشکل نیزه می‌باشد، است. نمای جلوشش ستون با یک درب کوتاه در مرکز را نمایش می‌دهد. دیوارها و ستونها مزین به سپر طلانی و نقره‌ای هستند و در ورود دو مجسمه برنزی در حالت دعا کردن در مقابل دو نیزه بزرگ قرار دارند.

در اولین نگاه متوجه می‌شویم که معبد اورارتوئی در نقش برجسته سارگون با معابد بین‌النهرینی^(۷) کاملاً فرق دارد؛ بیشتر به معابد آسیای صغیر شباهت دارد، که هم‌توق معابد کلاسیک یونانی شده، وانگهی می‌توان حتی یک نوع نزدیکی بین مجسمه‌های زنانه بالدار دیگرهای اورارتوئی و آنهایی که در معابد کهن یونانی و گورهای اتروسک

Totems

۱- روح با جانور حامی شخص یا قبیله.

2- Arda (mousasir).

3- Koumanou.

4- Toushpa.

5- Khaldi.

6- Totémistique.

7- Etrusque.

یافت می‌شود بوجود آورد.

متأسفانه، معماری و هنر اورارتویی در زمان سلطنت پادشاه منو آشواهد کمی از خود به جای گذاشته‌اند، هر چند که ماکیه‌های بسیاری از این پادشاه در دست داریم. شاید یافته‌های آینده باستانشناسی این نقیصه را جبران خواهند کرد.

گسترش پادشاهی اورارتو در زمان سلطنت آرگیشتی، پسر منو، که در ربع اول قرن هشتم به تخت نشست، ادامه یافت.

در قلعه وان در نزدیکی یک اتاق بزرگ کنده شده در صخره، احتمالاً مقبره سلطنتی، یک کتیبه به خط میخی طویل یافت شده که تحت نام «وقایع تاریخی هورهور»^(۱) شناخته شده است. این کتیبه شرحی از لشکرکشی‌های متعدد که سرزمین اورارتویی را وسعت بخشید، الحاقات جدید و اقدامات سازندگی پادشاه را می‌دهد. آرگیشتی از ابتدای سلطنت خود حمله جنگجویانه‌ای بطرف مرزهای غربی‌اش جهت گشودن راهی بطرف مدیترانه تدارک دید تا خطوط اصلی تجاری را که توسط آشوریه‌ها کنترل می‌شد بدست آورد. جنگهای تن به تن آرگیشتی با آشوریه‌ها نیز در کتیبه‌های نگاشته شده توسط شامشی - ایلو^(۲) فرماندار آشوری که از کاخ خود در تیل - بارسپ^(۳) مشرف به فرات جاده بطرف دریا را مراقبت می‌کرد، ذکر شده است.

آرگیشتی، همزمان که لشکرکشی‌های غربی خود را پیش می‌برد، سرزمین‌های واقع در قفقاز میانی در دره آراز (ارس) را متصرف می‌شد.

اربونی^(۴) و آرگیشتی خینیلی^(۵)

شرحیات سال چهارم «وقایع تاریخی هورهور» اشاره به لشکرکشی در شمال سوریه

1- Chronique De Horhor.

2- Shamshi - Ilou.

3- Til - Barsip.

4- Ereboundi.

5- Argishtikhinili.

برای جنگ در هاتی^(۱) و در ملتی^(۲) دارد، و سال بعد شرحیات فتوحات باز هم شمالی تر می باشد و توصیف بنای شهر اربونی «جهت نشان دادن قدرت سرزمین بیابانی^(۳) و فرو بردن دشمنانش در ترس». در آنجا پروژه قید شده که ۶۶۰۰ زندانی سرزمینهای هاتی و تسویانی^(۴) (زندانیانی که سال قبل در جریان جنگ گرفتار شدند) در شهر جدید اسکان داده شدند. انتقال زندانیان به یک فاصله قابل توجه روش مشترکی نزد رؤسای آسیای قدیم بود؛ این روش گاهاً اجازه تضعیف دشمن و تهیه کارگران فراوان را می داد. در وضعیتی که قید کردیم، زندانیان مجبور بودند چیزی در حدود ۷۰۰ کیلومتر راه ناهموار را طی کرده و خود را از وطنشان کاملاً بریده بینند.

شهر بزرگ اربونی، که در دامنه تپه ای در ابتدای دره آراز (ارس) بنا شده، می بایست بعنوان پایگاه پیشرفته اورارتونی در منطقه دریاچه سوان^(۵) مورد استفاده قرار گرفته باشد؛ منطقه کوهستانی، غنی از چهارپایان، محل سکونت ایلاتی که نوع زندگیشان از تمدن (هورریت ها) الهام گرفته بود. قلعه با کاخ سلطنتی اش، معبدش، و انبارهایش، بر روی تپه طویل آرین - برد^(۶)، طبق نقشه ای تقریباً سه گوش (تصویر ۱-۷) احداث شده بود. به یاری حفاریهای اصولی که در سال ۱۹۵۰ آغاز شد، و طی پانزده سال کار مداوم، باستانشناسان توانستند نظریه کاملی از قلعه تهیه کنند. به محض این که بازدیدکنندگان از دربها می گذشتند خود را در یک حیاط وسیع (بعد از تخریب مرتب شده) با ساختمانهای ضمیمه معبد در سمت چپ، انبارهایی در سمت راست و نمای معبدی را در مقابل می یافتند. کتیبه های نصب شده در دیوارها اشاره به موارد استفاده عمارات و اسامی سازندگان (آرگیشی اول و پسرش ساردوری دوم) داشتند. از معبد چیزی باقی نمانده، اثر تاریخی طویل آراسته به نقاشی دیواری، فقط چندین کتیبه دکوراتیو و یک تصویر از خداوند خالدی بر روی شیر (تصویر ۱۳). نما حامل دو ردیف ستون بود، و بر

1- Hatti.

2- Melita.

3- Biani.

4- Tsoupani.

5- Sevan.

6- Arin - Berd.

روی طرف چپ یک برج بنا شده بود. کاخ مشتمل بر یک مجموعه ساختمانها با مقاصد گوناگون می‌شد. چندین پله به یک حیاط با ردیفی از ستونها منتهی می‌شد که در قسمت غربی یک «سوسی»^(۱) کوچک را عرضه می‌کرد که فقط از یک اتاق مستطیلی تشکیل شده بود (تصویر ۶). کتیبه‌های هر سمت از ورودی اشاره به این داشت که توسط آرگیشتی اول بنا شده و به خداوند یوبشا^(۲) وقف شده است. در قسمت شرقی ردیف ستونهای اطراف، چندین ساختمان اداری وجود داشتند که یکی از اتاقها بطور با شکوهی دکوربندی و نقاشی به سبک آشوری با نوارهایی مزین به موضوعات هندسی یا تصویر درخت مقدس با کادربندی فرشندگان، گاوهای نر و شیر بود (تصویر ۸ - ۱۲). رنگهای اصلی بکار رفته برای این نقاشی‌های دیواری عبارتند از سفید (برای زمینه)، سیاه (برای خط‌کشی طرح)، قرمز و آبی (برای پرکردن). کاخ‌های آشوری، مثلاً کاخ آشوربانی پال^(۳) در کلاله^(۴) (نیمرو^(۵))، دکورهای خیلی مشابهی را نشان می‌دهند.

صارت‌های مختلفی بخش جنوبی حیاط را اشغال می‌کردند: بویژه اتاق‌هایی با ردیف ستون‌بندی مرکزی و انبارهای شراب و سایر مواد خوراکی. زیرزمین‌ها هنوز هم نمایانگر آثاری از خمره‌های بزرگ درون خاک هستند که بعضی از آنها می‌توانستند ظرفیتی تا بیش از یکهزار لیتر داشته باشند. در شمال کاخ، حیاط دیگری که با اتاقهای کوچک اشغال شده بود وجود داشتند.

یک صارت بزرگ با یک اتاق باستون مرکزی که در آنجا شراب نگهداری می‌شد بخش شرقی دژ را در اختیار داشت. این اتاق با انبارهای کوچکتر احاطه شده بود که بعضی از آنها به عنوان انبار غلات مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اتاق مرکزی بطور باشکوهی مزین به نقاشی‌های دیواری بود، تعدادی تصویر (صحنه‌های شکار، گله‌بانی، قربانیا) نقش بسته، سایرین فقط دکوراتیو بودند. حفاری این اتاق هنوز در دست

1- sousi (Susi).

2- Ioubsha.

3- Assourbanipal.

4- kalaleh.

5- Nimroud.

اجراست و نمونه‌های هنری قابل توجه اورارتویی را عرضه می‌کند.

در زمان‌هایی از تاریخ اریونی - شاید به اندازه سن اورارتویی، شاید دیرتر - آثار دژ بازسازی شده‌اند و ردیف ستون نمای خارجی معبد امتداد داده شده و با یک دیواری احاطه گردیده است که دالانی چهارگوش با سی ستون را بوجود آورده و مشابه یک آپادانای هخامنشی می‌باشد که ورودی کاخ را می‌پوشاند. اتاق مرکزی انبار بزرگ نیز تغییراتی یافته است: در زیرزمین فعلی پایه‌های ستون‌هایی با کتیبه‌های آرگیشتی اول و قطعاتی از ظرف شراب یافت شده‌اند.

حفاری اریونی یک مجموعه وسیعی از آثار به خوبی حفظ شده را آشکار کرد که دیوارها از آجر پخته بر روی پایه‌های سنگی قرار داشتند. این دیوارها آثار نقاشی دیواری‌ای را حفظ کرده بودند که ایده‌ای از دکوراسیون باشکوه اتاق‌های مختلف را می‌داد و یک موزه کوچک واقعی از هنر دکوراتیو اورارتویی را عرضه می‌کرد؛ برعکس در اینجا به جز تعدادی ناقابل از اشیاء ساخته شده معمولی چیز دیگری یافت نشد. این یافته‌ها ما را به این فکر می‌اندازد که در طی قرن هشتم، دژ اریونی کاملاً فعال بوده است: ممکن پادشاه که شخصاً فرمان لشکرکشی را جهت گسترش سرزمین اورارتو می‌داد، دژ شاهد ورود بدون وقفه سفرانی بود که خراج می‌پرداختند و بدین‌سان انبارها را پر می‌کردند؛ سپس رها شده، تمامی ثروت انباشته شده در خزاین به جای دیگری منتقل شده‌اند، و فقط آثار کمی از حیات در اریونی باقی ماند (به این دلیل است که در حفاریها فقط چندین شیء بجا مانده بطور اتفاقی - مهر، جواهرات، ابزار برنزی و آهنی و خرده‌ریز پیدا شده‌اند).

اریونی یک مرکز نظامی و اداری مهم، گواه اقتدار پادشاه بر روی زمینهای جدیداً فتح شده و پایگاه پیشرفته عملیات نظامی بود. اما اگر باور کنیم که منابع غنی دشت آراتات در دره آراز بعنوان یکی از نواحی حاصل‌خیز در تمام آسیای مقدم مورد توجه قرار داشت، ضرورتی نداشت که یک مرکز اقتصادی دیگری در این منطقه بوجود آید. فلزات مناطق اخیراً ضمیمه شده ربوده شده بودند، اُسرا و احشام جابجا شده بودند؛ بنابراین لازم بود که کشاورزی و باغبانی بجای فلزکاری و ذخیره‌سازی توسعه پیدا می‌کرد. تعداد بسیاری از کتیبه‌ها به ما اطلاع می‌دهند که اورارتوئی‌ها برای پیشرفت در دره آراز کارهای بزرگی را

انجام دادند: با حفر کانالهای آبیاری آب آراز را به تمام ناحیه منتقل کردند، آنها باغهای میوه و تاکستانهای احداث و مزارع غلات و حبوبات را توسعه دادند.

خلاصه، شش سال پس از احداث اربونی، آرگیشی شهر بزرگ جدیدی را بنا گذارد، یعنی مرکز حیات اقتصادی دره آراز و آنرا آرگیشی - خنبلی («بنا شده توسط آرگیشی») نامید. شهر جدید یک ردیف طولی از ستونهایی را از هر طرف در اشغال داشت، در یک سطح پائین تر یک کمربند عربی از مزارع، باغات و تاکستانها وسعت می یافت. شهر با حصارهای قطور، دیوارهای سنگی توپر تقویت شده با برجهایی و مشتمل بر کشتزارها، معابد و سالنهای انباری احاطه شده بودند. کاخ در داخل دژ واقع شده بود.

تعداد زیادی کتیبه، اساساً متون احداث و مراسم مذهبی، اهمیت آرگیشی خنبلی را گواهی می کنند، و حفاریهای جاری اظهارات کتیبه نگاری را تأیید می کنند. چندین خانه به خوبی حفظ شده حفاری شدند، و در انبارهای آذوقه شان ظروف گوناگون خانگی و ابزار آلات یافت شدند؛ مقاطع دیوارها پاک شده بودند، یک کتیبه جدید درباره احداث بدست آمد، همین طور هم یک معبد هنوز مورد استفاده در قرون وسطی. با این وجود نمی توانیم بطور یقین سرنوشت آرگیشی خنبلی را تعیین کنیم. آیا پس از تسلیم اربونی یا دیگر شهرهایی که در قرن هشتم قبل از میلاد جای آنرا گرفتند به رونق خود ادامه داد؟ اطلاعی نداریم.

قدرت اورارتو و قدرت آشور در قرن هشتم ق.م.

در اواخر سلطنت آرگیشی اول در اواسط قرن هشتم، اورارتو در اوج قدرت خود بود. حاکمیش بطور محکم در نواحی شمال، در ماوراء قفقاز و اطراف دریاچه ارومیه برقرار بود. اورارتوئی ها بطرف غرب تا سرزمین هیت ها پیش رفته بودند. سوره نیز از شمال تحت تسلط اورارتو بود و حال با در دست داشتن خطوط اصلی تجاری آسیای مقدم، آن را کنترل می کرد. پاشاهی اورارتو از فتح آسیای صغیر توسط آشوریه ها جلوگیری کرد و فرهنگ اورارتوئی شروع به نفوذ در مناطق مدیترانه ای و داخل آسیای صغیر کرد.

از مقبره یک شاه فریگی^(۱) در گوردیون^(۲) (اواسط قرن هشتم) اشیای اورارتویی بدست آمد - خمره‌های کرچکی بشکل کله حیوانات، دیگ‌های بزرگ مفرغی مزین به کله‌های گاو تر و مجسمه‌های بالدار - و همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم، اشیائی از همان نوع نه فقط در یونان جزیره‌ای و قاره‌ای حتی در ایتالیا نیز یافت شده‌اند.

گسترش اورارتو، با قراردادن جاده مدیترانه‌ای تحت کنترل خود، ضربه‌ای به آشور زد، که در آن زمان وضعیت عمومی بدی داشت. در نتیجه، آشور خود را در سیر فقرائی اقتصادی و سیاسی دید؛ آشور قادر به مقاومت در مقابل فشار اورارتو نبود و سرزمین‌هایی را که ضمیمه خود کرده بود یکی پس از دیگری از دست داد.

قشون اورارتویی‌ها یک نیروی ضربتی هولناکی شده بود. در زمینه نظامی مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، در واقع، اورارتویی‌ها خیلی مدیون دشمنان خود، آشوریها بودند. در قرن نهم تجهیزات نظامی اورارتویی مشابه تجهیزات ایلات هورریت^(۳) بود؛ اما در زمان سلطنت آرگیشتی، همانطور که گاه‌آنها نمایش اسلحه‌ها و زره‌ها در آثار هنری و آخرین یافته‌های باستانشناسی گراهی می‌دهند، تجهیزات نظامی آشوری (کاسک، سپر، پوشاک و اسلحه‌ها) ملزومات معمولی سرباز اورارتویی شده بود. فرهنگ و نوع زندگی طبقه اداره‌کننده پادشاهی وان نیز بشدت تحت تأثیر تمدن آشوری قرار گرفته بود.

حدود اواسط قرن هشتم، ساردوری، پسر آرگیشتی، به هنگام جلوس بر تخت سلطنت، وارث یک پادشاهی رونق یافته و شکوفان شد. او سیاست خارجی پدر خود را دنبال کرد، یک برنامه سازندگی فعال در مرکز پادشاهی به اجرا گذاشت و دست از توسعه مراکز اداری و اقتصادی موجود برنداشت. اثبات آن، نوشته‌های تهیه شده توسط آرگیشتی اول و ساردوری دوم می‌باشند در کنار یکدیگر.

سکوی صخره‌ای وان مرتفع‌ترین قسمت توشپای پایتخت باقی ماند و بر روی شیب شرقی، ساردوری در دو طاقچه بزرگ کنده شده در صخره، دو سنگ نوشته برجسته تهیه

1- Phrygie.

2- Gordion.

3- Hourrites.

کرد که بر روی آنها وقایع سلطنت خودش حک شده‌اند. یکی از آن دو تا حال باقی مانده است که قسمت زیرینش صدمه دیده؛ این سنگ نوشته ۹ سال سلطنت ساردوری را پوشش می‌دهد. از نقش برجسته دومی فقط چند تکه باقی مانده است، که جنگهای پیروزمندانه پادشاه اورارتو بر علیه آشور را در بردارد و در همانجا اطلاعاتی درباره سرزمین اسلحه می‌دهد که در دره بالای دجله واقع است، جاییکه پس از سقوط اورارتو هشت یک سازمان جدید ارمنی، یعنی اجداد ارمنی‌های امروز، تشکیل شد. این سالنامه‌های سنگی، که به نظر می‌آیند بیست و دو سال را پوشش دهند، به روشنی نشان می‌دهند که، تحت سلطنت ساردوری دوم، دولت اورارتو دست از وسعت بخشی و حاصلخیزی برداشت. فرات مرز غربی پادشاهی شد؛ و حاکمیت اورارتوئی بخوبی در ناحیه شمال آراز و اطراف دریای ارومیه باقی ماند.

بعضی از کتیبه‌های تحریر شده توسط ساردوری دوم که اشاره به ساختمانهای جدید دارد در اربونی یافت شده‌اند. ایلاتی که در سواحل دریای ارومیه زندگی می‌کردند بالاخره تسلیم شده و دژهای جدیدی در منطقه احداث شدند. از طرف دیگر، ساردوری بطور غیرتمندانه‌ای بر شکوفائی آرگیشتی خینیلی نظارت می‌کرد.

با وجود این سلطنت ساردوری دوم در اثر پیشرفت جدید آشور لرزید. در سال ۷۴۵ ق.م. پس از یک قیام در کالاله^(۱) و جلوس به تخت سلطنت آشور تفلاط - فالاسار سوم^(۲)، وضعیت در آسیای مقدم تغییرات اساسی را شاهد شد. شاه جدید قشون را دوباره سازماندهی کرد و تصمیم به برقراری مرزهای قدیمی کشور خود و فتح دوباره سرزمین‌هایی که قبلاً از دست داده بودند گرفت.

البته آشور از حاکمیت اورارتوئی در شمال سوریه چندان خرسند نبود و از سال سوم سلطنتش (۷۴۳ ق.م)، تفلاط - فالاسار بطرف غرب روانه شد و در آرپاد^(۳) اورارتوئی‌ها و

1- Kalaleh.

2- Téglath - phalasar.

3- arpad.

هم پیمانان سوری‌اشان (آگوسی^(۱)، ملیتا^(۲)، قورقوم^(۳) و کوم‌موج^(۴)) را شکست داد. تعدادی از سوری‌ها زندانی شدند و سالنامه‌های آشوریه‌ها شرح می‌دهند که ساردوری خود شبانه توانست فرار کند و توسط تقلالط - فالاسار تا مرزهای اورارتو در فرات تعقیب شد. سالنامه‌ها شرحی از غنایم فراوان تصرف شده در اردوی اورارتوئی از جمله یک اربابه، یک تخت خواب، اشیای باارزش گوناگون و انگشتی سلطنتی می‌دهند.

آشوریه‌ها، برای این دفعه، سعی در برقراری حاکمیت خود در شمال سوریه کردند، و در سرزمین اورارتو جنگی انجام ندادند. تقلالط - فالاسار منتظر سال ۷۳۵ شد تا تصمیم به نفوذ به اورارتو را بگیرد، اما همان زمان، بدون برخورد به مقاومتی، وی تا توشا پیش رفت و مقرش را در مقابل دژ صخره‌ای وان، جاییکه ساردوری در آنجا بود، مستقر نمود. سالنامه‌های سلطنتی آشوری‌ها بدین‌سان صحنه را شرح می‌دهند: «من ساردوری اورارتوئی را در پایتختش توشا محبوس کردم و قتل عام بزرگی در مقابل درب‌های شهر بزرگ انجام دادم پس از آن تصویر سرزمین پادشاهی خود را بر روی دیوارهای شهر نقش کردم». با این وجود دژ تسخیرناپذیر بر روی صخره‌اش از مقر خود دفاع کرد، و آشوریه‌ها پس از تخریب شهر از آنجا رفتند. در مجموع، پیروزی تقلالط - فالاسار ضربه‌ای به قدرت اورارتو زد اما این ضربه کشنده نبود. با این حال دولتهای جدید، یکی پس از دیگری از فرمان دولتی که در حال تضعیف بود سرزده و ساردوری می‌بایست برای فتح مجدد سرزمینهایی که پدرش ضمیمه پادشاهی کرده بود جنگ کند.

کتیبه‌ها و سازندگی‌های دوران سلطنت روسا اول

شناخت ما از تاریخ اورارتو تکه‌تکه است و دوره‌های متعددی وجود دارند که درباره آنها اطلاعات مکتوب نداریم. یک مورد سالهای آخر سلطنت ساردوری دوم و ابتدای سلطنت پسرش روسا می‌باشد.

1- Agousi.

2- Melita.

3- Gourgoum.

4- Koummouh.

روسا در دوره‌ای شاه شد که پادشاهی وان با مشکلات بزرگی مواجهه بود. او نه فقط می‌بایست مرزهای قبل از سال ۷۳۵ را احیا می‌کرد، حتی با دولتهای ایالات مختلف که استقلال خود را اعلان می‌کردند و همزمان سعی در دفاع از کشور خود در مقابل حمله‌های آشور را داشتند جنگ می‌کرد.

یک کنیهٔ دوزبانه در گردنه‌ای که منطقه دریاچهٔ اورمیه را از سرزمین موساسیر^(۱) جدا می‌کند یافت شده که از این وضعیت به ما آگاهی می‌دهد: «روسا، پسر ساردوری، می‌گوید: اورزانا^(۲)، پادشاه شهر آردینی^(۳) (موساسیر) در مقابل من ظاهر شد. من به پشتیبانی تمامی قشون وی فکر کردم ... من اورزانا را فرماندار منطقه کردم و او را در شهر آردینی قرار دادم. همان سال، من روسا، پسر ساردوری، رستم به شهر آردینی و اورزانا مرا به روی تخت بزرگ سلطنت پادشاهان، یعنی اجدادش نشانند. در حضور خدایان در معبد و در حضور من او قربانیا اهدا کرد ... او گروههای کمکی اش را در اختیار من گذاشت. ... و اربابه‌های جنگی هر چقدر که در اختیار داشت. من، گروههای کمکی را گرفته و با اطاعت از خالدی^(۴)، من روسا، به کوهستانهای آشور رستم و قتل‌عامهای بزرگی انجام دادم پس از آن، اورزانا را دستگیری کردم و حمایتش نمودم. ... من او را به عنوان جانشین مستقر کردم تا بتواند سلطنت کند ... این نقل قول به روشنی نشان می‌دهد که، برای اورارتوئی‌ها، موساسیر چیزی بیشتر از یک موضع دفاعی ساده بود، یعنی یک پایگاه حمله علیه آشور.

روسا، پسر ساردوری، می‌بایست نه تنها مقید به دفاع از کشورش می‌شد، بلکه حتی حاکمیت خود را در داخل پادشاهی تحکیم می‌بخشید، مخصوصاً در سرزمین‌های پیرامون. او اداره جات منطقه‌ای را با تعویض فرمانداران بوسیله معاونان پادشاه که فقط در مقابل وی مسئول بودند تجدید سازمان کرد؛ او در ساخت شهرها و دژها اصرار داشت، چون هجوم اخیر آشوری آنها را خیلی تخریب کرده بود.

1- Mousa Sir.

2- Ourzana.

3- Ardini.

4- Khaldi.

کبیسه‌های کمی به نام روسا به دستان رسیده‌اند. بنابراین فقدان مدارکی از این نوع در دژ صخره وان به ما اجازه نمی‌دهد که نتیجه بگیریم که قلعه پایتخت قبلاً به روی تپه توپراک کالا نقل مکان داده شده باشد. مراکز قدیمی‌تر ماوراء قفقاز توسعه را ادامه می‌دادند. اشیانی (سپر برنزی، جام) با کبیسه‌های به خط میخی به نام آرگیشتی اول، ساردوری دوم و روسا اول در انبارهای اربونی و نیز در دژ تی‌شالینی^(۱) (کارمیر - بلور) یافت شده‌اند، مکانی که این اشیاء به آن جا منتقل شده‌اند. روسا بطور وسیعی مراکز اورارتوئی در شمال را که توسط هجوم وسعت گیرنده ایلات چادر نشین، مخصوصاً سیم‌مریها^(۲) که از قبل در زمان سلطنت پدرش از قفقاز گذشته و به آسیای مقدم نفوذ کرده بودند تهدید می‌شد تحت نظر داشت.

او دو دژ در منطقه دریاچه سوان^(۳) احداث کرد، در غرب «دژ خداوند خالیدی»، در جنوب، «دژ خداوند تی‌شبا». اولی در روی صخره بلندی به جای شهر کنونی کامو^(۴) (سابقاً نور - بایزید)^(۵) بنا شد. یک کبیسه پایه روی یک سنگ زاویه دار به دست ما رسید: «روسا، پسر ساردوری می‌گوید: من بر شاه سرزمین اوالیکوهی^(۶) پیروز شدم، او را برده کردم، و او را از کشورش دور نمودم. بنابراین به جایش یک نماینده پادشاه گذاشتم و دروازه‌ها و دژه‌های محکم بنا کردم و نام «دژ خداوند خالیدی» به آن دادم. سرزمین اوالیکوهی قبلاً در زمان سلطنت ساردوری دوم فتح شده بود اما بی‌شک این فرماندار وفاداری متزلزلی را در طی سالهای سخت اورارتو به اثبات رسانده بود و باید مطیع می‌شد.

یک کبیسه یافت شده در دژی واقع در نزدیکی شهر فعلی تسوینار^(۷) که بر جاده جنوبی دریاچه احاطه دارد، از شکست پیست و سه دولت دشمن را فقط در یکسال و احداث یک دژ محکم اهدائی به خداوند تی‌شبا جهت نمایش قدرت سرزمین بیالینی و

1- Teishebaini.

2- Cimmériens.

3- Sevan.

4- Kamo.

5- Nor - Bayazid.

6- Ouelikouhi.

7- Tsovinar.

در وحشت نگهداشتن دشمنانش^۱ سخن می‌گوید.

بنابراین روسا بدنبال حفظ حاکمیت خود در یک وضعیت دشوار و لرزان گاهاً در داخل و خارج پادشاهی خود بود. او یک سیاست خارجی شایسته، با اجتناب از هر نوع جنگ آشکار با آشور که قدرت پیشین خود را باز یافته بود به اجرا گذاشت و در جستجوی ایجاد امنیت در مرزهایش از طریق معاهدات اتحاد با رؤسای کشورهای همسایه شد. سلمانسر پنجم پادشاه آشوری که موقعیت داخلی‌اش متزلزل بود چندان هم دل واپس اورارتو نبود. با وجود این، در سال ۷۲۲ ق.م، زمانیکه سارگون، پسر تقلاب - فالاسار، برادرش را سرنگون و خود بر تخت سلطنت آشور نشست، شرایط به یکباره تغییر کردند. سارگون از اولین ماههای سلطنتش از نزدیک علاقه‌مند به وقایع در سرزمینهای همسایگان شد. او فعالیتهای دمدی شاهزادگان در سوریه و فلسطین را که توسط مصر حمایت می‌شدند زیر نظر گرفت؛ او، در جنوب کوشید که اطاعت بابل را کسب کند؛ و در شمال، تصمیم به نابودی دشمن خیلی قوی خود، اورارتو، گرفت. سارگن ابتدا به سوریه و فلسطین پرداخت، بر فرعون مصری شاباکا^(۲) پیروز شد و سپس توجه خود را به مرز شمال معطوف کرد.

بایگانی‌های سرویس مخفی آشوری

آرشیوهای سلطنتی نینوا و کالاله مجموعه‌ای از اسناد قابل توجه مربوط به تدارکات جنگهای سارگون علیه پادشاهی اورارتو برایمان به جا گذاشته‌اند. آنها گزارشات مأموران مخفی آشوری ارسالی به کشورهای دشمنان می‌باشند. لوحه‌های کوچک گلی که به راحتی قابل مخفی کردن هستند، و خلاصه این گزارشات بر روی لوحه‌های بزرگتر توسط سن‌ناشرب^(۳) وارث تاج و تخت نوشته شده، که مشول سرویس عملیات جاسوسی بود.

یکی از این مأموران خاطرنشان می‌کند «که او پیغام‌بر مخصوصی را فرستاد تا از

1- Shabaka.

2- sennacherib.

آخرین خبرهای اورارتو جویا شود» و اینکه او «شهر به شهر تا توشا را جستجو کرد». قاب‌بوآنا - آشور^(۱) یکی دیگر، از یک پست مرزی می‌نویسد: «پیغام‌برهای من به نابولی^(۲)، آسگور - بل - دان^(۳) و آشور - ریسوآ^(۴) خواهند رفت؛ آنها باید کار خود را انجام دهند. ما اسامی همه آدمها را ثبت کردیم. هر یک از آنها مأموریت خود را انجام خواهد داد؛ از هیچ چیز غفلت نشده است. ما از چندین جهت شنیدیم که پادشاه اورارتو توشا را ترک نکرده است». جالب است یادآور شویم که مأمورانی که اسامی آنها در گزارشات قید شده اطلاعات خود را مستقیماً به شاه آشور می‌فرستادند، همچنین در میان لوحه‌های بایگانی‌های نینوا، یازده نامه از آشور - ریسوآ وجود دارند و اطلاعاتی که او داده در هشت نامه خبرچی‌های دیگر قید شده‌اند.

گزارشات این سرویس مخفی آشوری ما را با یک جنگ ناخوشایند اورارتونی‌ها علیه سیم‌مریها آشنا می‌کند، که در طی آن، رؤسای لشکرکشی از جمله فرماندار ایالت اوآی‌آیس^(۵) (در جنوب غربی دریاچه وان) کشته شدند. این گزارشات از هم پاشیدگی اورارتونی‌ها را به دنبال شکست قشونشان ذکر می‌کنند. آشور - ریسوآ چهار نامه اختصاص به قیام فرمانداران اوآی‌آیس و فشار وارده توسط پادشاه اورارتو می‌دهد. لیکن مادامیکه روسا در اوآی‌آیس بود قیامی در توشا، یعنی پایتخت، بوقوع پیوست، قیامی که توسط ناراقو^(۶) سرلشکر خود پادشاه رهبری می‌شد. نامه‌ها شرح می‌دهند که روسا به توشا برگشت، سرلشکر عصیانگر و بیت افسر را که به عصیان پیوسته بودند توقیف کرد و اینکه یکصد سرباز را در واحدهائی که از عصیان حمایت کرده بودند اعدام کرد. روسا، پس از برقراری نظم در کشورش تمایل به استحکام مرزهایش پیدا کرده و در شمال خط دفاعی محکمی ساخت، سپس یک سری حملات فریبنده علیه آشور انجام

1- Gabbouana - Ashour.

2- Nabouli.

3- Asgour - Bel - Dan.

4- Ashour - Risoua.

5- Ouaias.

6- Naragou.

داد. در غرب، با آمباریس^(۱) رئیس سرزمین تابال^(۲) پیمان بست. در سال ۷۱۳، سارگن عکس‌المعمل نشان داده دستجاتی را به آنجا فرستاده آمباریس را زندانی کرد. در جنوب، روسا با قراردادن اورزانا^(۳) در تخت سلطنتی این پادشاهی در موسایر موضع خود را مستحکم کرد. سارگون بلافاصله با ارسال نامه‌ای تهدیدآمیز به اورزانا از وی خواهان توضیح شد. در جوابش، اورزانا بی طرف حرف می‌زند و وانمود می‌کند که سرزنشهای آشورها توجیه‌پذیر نیستند. رقابت نفوذی شدیدی نیز بین پادشاهان اورارتو و آشور در مانا^(۴) واقع در جنوب دریایچه اورمیه وجود داشت. سارگون آزا^(۵) را که تحت حمایتش بود بر تخت سلطنتی مانائی گذاشته بود؛ که بدنبال آن روسا قیامی در کشور برانگیخت و تخت سلطنتی را به اوللوسونو^(۶) داد. در سال ۷۱۶ ق.م سارگن قشونی به مانا فرستاد، به راحتی بر فرماندار جدید، که تسلیم سرنوشت خود شده بود، فاتح شد، او را بخشید، و یک تمثال از صورت سارگن، به نشان پیروزی تهیه کرد. سال بعد، روسا قیام دیگری را تدارک دید، و سارگن عملیات را دوباره آغاز کرد و پادشاه جدید دایوککو^(۷) را به هاماتح^(۸) آورد. هر دو رقیب با آتش بازی می‌کردند.

در سال ۷۱۴، سارگن تصمیم به عملیات مستقیم علیه اورارتو می‌گیرد و پس از تدارکات طولانی، قشون خود را به شرق دریایچه اورمیه اعزام می‌کند. یک لوحه بزرگ گلی که در موزه لوور نگهداری می‌شود، گزارشی به زبان ادبی به خداوند آشور ارائه می‌کند، درباره لشکرکشی شاه سارگون اطلاعات قابل تحینی به ما می‌دهد. خطوط آخر متن اشاره به نویسنده نوشته - تاشبار - آشور^(۹) دارد، که از وی چندین گزارش سری

1- Ambaris.

2- Tabal.

3- Ourzana.

4- Mana.

5- Aza.

6- Oullousounou.

7- Daioukkou.

8- Hamath.

9- Tashbar - Ashour.

داریم - و کاتب، «نابو - شالیم شونو»^(۱)، کاتب بزرگ سلطنتی، عالم اعظم و وزیر سارگون، پادشاه آشور، پسر ارشد هارماک کو^(۲)، کاتب سلطنتی آشور. بعضی نقش برجسته‌های یافت شده در یک اتاق از کاخ سارگون در دور - شارروکین^(۳) اطلاعات داده شده توسط متون را کامل می‌کنند. این نقش برجسته‌ها اواخر لشکرکشی و تصرف موساسیر را به تصویر می‌کشند.

لشکرکشی سارگون بنا بر متن مهم لوور

متن لوور شرح می‌دهد که در آغاز تابستان ۷۱۴، قشون آشوری کالاله را با کاروان طولی از الاغ‌ها و شترها ترک کرده، از زاب^(۴) بزرگ و کوچک در طغیان آب عبور کرده و با زنجیره‌ای از کوه‌های تقریباً غیرقابل عبور مواجهه شد. متن شرحی مملو از زندگی کوهستانهای پوشیده از جنگلها که نور خورشید نمی‌توانست به آنجا نفوذ کند، از معابر رودخانه‌ای بسیار که «سربازان بر فراز آبها مانند عقابها پرواز می‌کردند» و الاغها و شترهای تدارکات که مانند بزهای کوهی جست و خیز می‌کردند می‌دهد. قشون سارگون قبل از ورود به سرزمین مانا به جاییکه شاه آشور با هدایائی در نواحی مختلف مورد استقبال قرار گرفت از شش گردنه گذشته و از دو رودخانه عبور کرد. سارگون در تصمیم خود برای پیروزی بر اورارتو و رهائی سرزمین مانا از تصرف و احیای مرزهای اولیه پادشاهی خود مصمم شد؛ اما به جای ادامه به طرف شمال غربی، به سوی شرق به طرف زیکیرتو^(۵) و آندی^(۶) منحرف شد. پس از تجهیزات فراوان پست‌های مرزی، سرگرم کشور زیکیرتو شد؛ متاتتی^(۷)، رئیس منطقه، جنگ را نپذیرفته، پایتخت خود، پاردا^(۸)، و خزانه قصر خود را رها کرده به کوهستانها فرار کرد.

1- Nabou - Shalimshounou.

2- Harmakkou.

3- Dour - Sharroukin.

4- Zab.

5- Zikirtou.

6- Andi.

7- Metatti.

8- Parda.

سارگون از تعقیب دشمن اجتناب کرده به یکباره میرش را عوض کرد. او توسط یک مأمور سری مطلع شد که روسا و هم پیمانانش، یعنی رؤسای ایلات کوهستانی، او را دور زده و تدارک حمله در گردنه‌های کوه اوآوش^(۱) (مونی سهند کنونی) را می‌بیند و گزارش سارگون می‌گوید «پیام آوران من مرا با شیوه و تعداد سربازان آنها آشنا کردند».

در میان اسناد مکاتباتی موجود در بایگانی نینوا نامه‌ای یافت می‌شود که در آن سعی در دیدن گزارش پیام‌آور ذکر شده توسط متن در لوور شده است. در این سند بل - ایددین^(۲)، مسلماً رئیس دولت آل لابریا^(۳) ذکر شده در متن لوور - در مورد پادشاه اورارتوئی اظهار می‌کند: «پیام‌آور فرماندار آندی^(۴) و پیام‌آور فرماندار زیکیرتو به او آبیایس آمدند و به او گفتند که «پادشاه آشور علیه ما قدم برداشته است». به محض اینکه او پیام‌آوران را دید، به زیکیرتو حرکت کرد. با دستجات خود و فرماندار هوبها^(۵)، او پنج روز در داخل راه پیمود، سپس برگشت. به رؤسای مختلف پادشاهی‌اش گفته بود: «تمامی نیروهای خود را برای اینکه بتوانیم شاه آشور را از پشت غافلگیر کرده و پیروز شویم جمع‌آوری کنید». قابل ذکر است که این نامه به زبان بد آشوری با غلطهای املایی و دستور زبانی نوشته شده است.

سارگون با کسب اطلاع از وضعیت قشون اورارتوئی به سرعت به طرف کشور اویش دیش^(۶) حرکت کرد. او بر روی ارابه خود که توسط سواره نظام احاطه شده بود و بوسیله دوست شخصی‌اش سین - آهی - اوسور^(۷) هدایت می‌شد سفر می‌کرد. او بطور غیر منتظره‌ای وارد اردوی اورارتوئی شده آنجا را تماماً نابود کرد. دستجات اورارتوئی‌ها، کمانداران و پیاده نظام‌های مسلح به نیزه نتوانستند مقاومت کنند، و «دره‌های کوچک و بزرگ کوهستانها از اجساد آنها پر شد و خون به مانند رودی جریان یافت». بخش بزرگی

1- Ouaooush (Mony Sahand).

2- Bel - Iddin.

3- Allabria.

4- ouaiais.

5- Houbha.

6- Ouishdish.

7- Sin - Ahi - Ousour.

از سواره نظام‌ها، نجای اورارتوئی زندانی شدند. «در روی کوه اوآوش^(۱) به قشون اورارتو شکست بزرگی وارد آوردم، دشمن درنده من و هم پیمانانش و من آنها را مجبور به فرار کردم. من دره‌های کوچک و بزرگ و گلوگاههای کوهستانها را پر از اسبانسان کردم و من دیدم سربازانی را که مانند مورچگان دیوانه از راههای کوهستانی فرار می‌کردند». گفته می‌شود، خود روسا، ارباب جنگی خود و اسب نظامی‌اش را رها کرده سوار بر یک مادیان فرار کرد.

سپس، قشون سارگون در تعقیب دشمن، ساحل شرقی دریاچه اورمیه را طی طریق کرده، قلعه‌ها و دژها را تخریب، تمامی منطقه را غارت و غلات و حیوانات را در انبارها ذخیره کرد. سارگون از استان سوبی^(۲) که در آنجا اسبهای اورارتوئی را پرورش می‌دادند گذشت و شهر اولخو^(۳) را که طبق نوشته‌ها مرکز مهم کشاورزی و باغداری بود تخریب کرد.

دیوارهای سنگی شهر «مانند کوزه خاکی» خرد شدند. کاخ هم همان سرنوشت را داشت. «سبدهای پر از دانه‌های گندم تا آبه» و انبارهای آذوقه به سربازان واگذار شدند. آشوریا شرابیهای معطر را در کانالهای رُسی به مانند آب در رودخانه جاری کردند. دهانه کانالی را که آب آشامیدنی را به شهر حمل می‌کرد بستند و تمامی شهر بزرگ میل به باتلاق شد. در تمام دشت و صحرای اطراف «صدای تبرهای آهنی طنین انداخته بود»؛ باغها نابود، درختان درجا شکسته و آتش زده شدند. خرمنها تا آخرین منبله‌ها غارت شدند؛ سواره نظام و پیاده نظام علف‌زارها را لگدمال کردند.

قشون سارگون، در حالیکه دریاچه اورمیه را دور می‌زد، بطرف متهی‌الیه شمال شرقی دریاچه وان رهپار شد. به نظر می‌رسد که قشون، توشپای پایتخت را کنار گذاشته و در سواحل شمال و غرب دریاچه ادامه داد: مسیر دقیق مشخص نشده است. در لحظه نفوذ به خاکهای نایری، در جنوب دریاچه وان، در راه برگشت، سارگون

1- Ouaoush.

2- Soubi.

3- Oulkhoul.

ناگهان تصمیم به یک حمله غافلگیرانه علیه موساسیر، که فرماندارش اورزانا^(۱) بود، و قبلاً دیدیم که هم‌پیمان پادشاه اورارتو می‌بود، گرفت.

موساسیر در قلب کوهستانها قرار داشت. پس از یک راه پیمانی دشوار، قشون آشوری ناگهان به مقابل شهر بزرگ رسیده و «مثل ملخ» در تمامی دشتهای اطراف پراکنده شد. متن لوور شرحی زنده از ترس و اغتشاشی که در داخل شهر حاکم بود و قربانیهای تقدیم شده به خالدي جهت رفع بلای ناگهانی به ما می‌دهد. متن، جنگ تن‌به‌تنی را شرح می‌دهد که به مانند رعد بر بالای شهر بدست سارگون به راه افتاده و طنین نعره سپاهیان قشونش همه جا را پر کرده بود. اورزانا با رها کردن تمام ثروت خود به کوهستانها فرار کرد. موساسیر تسخیر شده و آشوریه‌ها ۶۱۱۰ زندانی بدست آوردند؛ آنها ۳۸۰ لاغ، ۵۲۵ سر چهارپا و ۱۲۳۵ راس گوسفند تصرف کردند. سارگون ورود فاتحانه را به شهر انجام داده و «مانند یک پادشاه بر تخت سلطنت نشست».

خزانه‌های کاخ مملو از گنج بودند. «مهر و موم‌های روی درها کنده شده و تمام محتویات آنها بدست شاه آشوری افتاد».

متن، شرح مفصلي از غارت را می‌دهد. کمی بیش از یک تَن طلا و تقریباً پنج تَن نقره، بیش از ۴۰۰ قطعه جواهرات گران قیمت در کاخ تصرف شدند و متن، آنها را در ۴۴ دسته مختلف، شمشیر و خنجرهای طلا، جامه‌های نقره‌ای به نام روم، جامه‌هایی با دسته طلا که از تابال^(۲) آورده شده بودند و بسیاری چیزهای دیگر طبقه‌بندی می‌کند.

سارگون پس از تصرف ثروت خزانه‌های کاخ، ملتزمین شخصی خود و رؤسای قشون خود را به معبد خالدي فرستاد که در آنجا ثروتی غنی‌تر در انتظارشان بود. علاوه بر مقدار زیادی طلا (که مقدار دقیق آنرا نمی‌دانیم)، آشوریه‌ها پنج تَن نقره و بیش از ۱۰۹ تَن شمش برنز تصرف کردند.

1- Ourzana.

2- Tabal.

آثار هنری اورارتو مشروح در غارت سارگون

متن لوور، لیست کاملی از اشیای گرانقیمت را می‌دهد که در معبد ضبط شدند، و در مجموع ۳۳۵۰۰ قطعه می‌شود. این صورت دارائی و اموال سندی است با یک اهمیت استثنائی برای مطالعه هنر و تمدن اورارتو. مثلاً اشاره‌ای به اشیاء زیر دارد: «شش سپر از جنس طلا، به رنگ قرمز آتشی، آویزان در اتاقش، در سمت راست و چپ، با یک روشنی خیره‌کننده؛ این سپرها در مرکز دارای کله‌سگهائی هستند که دندانه‌های خود را نشان می‌دهند؛ و زنتان ۶/۵ کیلوگرم می‌باشد... یک قفل در بشکل دست؛ میله بست درب با یک هیولای بالدار؛ یک چفت طلائی درب برای بستن درب و چفت محکم معبد و حفاظت توده ثروت درون آن، دو عدد کلید طلائی بشکل فرشتگان بالدار با تاجی بر سر، شمیری کج و یک شلاق در دست، ایستاده بر روی سگهائی که دندانه‌های خود را نشان می‌دهند. این چهار ابزار بستن درب‌ها، که با هم زینت معبد و قفله‌ها را تشکیل می‌دادند به وزن تقریب ۶۶ کیلوگرم بودند.

یکی از نقش برجسته‌های قصر سارگون - که فقط بوسیله یک تصویر از فلاندین^(۱) شناخته شده است، چون نسخه اصلی در جریان سفر به مقصد فرانسه غرق شده - کوله‌بار معبد موساسیر را نشان می‌دهد. در اینجا سپرهای آویزان بر روی ستونهای نحای معبد و حداثفصل بین ستونها، با «کله‌سگها در مرکز که دندانه‌هاشان را نشان می‌دهند» دیده می‌شوند. آشوریها را می‌بینیم که آنها را حمل می‌کنند در حالی که یک شخصیت رسمی در یک صندلی تاشو نشسته و مشغول تهیه صورت اجناس است. در مقابل او دو کاتب اسامی اشیاء حمل شده را یادداشت می‌کنند، یکی به خط میخی بر روی لوح گلی، دیگری به خط آرامی بر روی پاپیروس.^(۲) صحنه بعدی توزین و برداشت اشیاء غارتی را نشان می‌دهد.

شرق قدیم به خوبی آداب و رسومی را که شامل وقف سلاح و فرا دادن آن در معابد است می‌شناسد. از آنجائیکه دو خداوند اورارتوئی خداوندان جنگ بودند، در معابد آنها مقدار زیادی سلاحهای مقدس و گرانقیمت انبار شده بودند. بنابراین تعجب ندارد

1- Flandin.

2- Papyrus.

که سارگون در معبد موساسیر^۱ ۲۵۲۱۲ سپر مفرغی، سبک و سنگین، ... ۱۵۱۴ نیزه کوتاه مفرغی سنگین یا سبک؛ سرنیزه‌های مفرغی توپر ... زوبین‌های مفرغی با غلاف‌های مفرغی ... ۳۰۵۴۱۲ قبضه شمشیر ... را متصرف شود.

علاوه بر سلاحهای معمولی، این معبد سلاحها و زره‌های فلزی گرانقیمت در خود پنهان داشت: «یک شمشیر بزرگ، بلند بالا، که برای ساخت آن تقریباً ۱۴ کیلوگرم طلا لازم می‌بود؛ ۹۶ نیزه کوتاه از جنس نقره؛ ... کمان‌ها و نیزه‌های نقره‌ای مطلقاً؛ دو سپر سنگین از جنس نقره با کله‌های هیولا، شیر یا گاونر وحشی در مرکز آنها ...، ۳۳ ارابه نقره».

خزانه‌ها همچنین محتوی بلمانهای گرانقیمت و جواهرات بودند که بطور مفصل در صورت فنانم جنگی قید می‌شوند: «۳۹۳ جام نقره‌ای، سنگین یا سبک، ساخته شده در آشور، اورارتو و هاب‌هی^(۱)؛ دو شاخ گاونر وحشی با حلقه‌هایی از طلا بدور آن؛ دو حلقه انگشتری طلا با مهر دربردارنده فرمان‌های باغماشتو^(۲)، همسر خالادی، مزین به سنگهای قیمتی؛ ۹ روسری بافته شده جهت پوشاندن سر خدای، با یک صفحه طلائی در حاشیه ... یک تخت از جنس عاج؛ یک متکا از جنس نقره برای سر خدای، قاب شده با طلا و مزین به سنگهایی؛ ۱۳۹ چماق از جنس عاج، ... ده میز از چوب شمشاد، صندلیهایی از جنس عاج و چوب شمشاد، جواهرنشانهای طلائی و نقره‌ای، دو محراب؛ چهارده گونه جواهرات برای آراستن الوهیت؛ سنگهای گرانقیمت متعلق به خالادی و باغماشتو، همسرش ...»

من فقط چندین خلاصه از صورت اموالی که سارگون در موساسیر به یغما برده بود دادم، خیلی از اسامی اشیاء هنوز قابل ترجمه نیستند؛ اما همین صورت مختصر کافیت که نفسمان را بی‌رود. ما چندان هم نمی‌توانستیم منتظر یافتن یک چنین خزانه انبایه در معبد موساسیر باشیم، حتی اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که موساسیر یک مرکز مذهبی بوده باشد؛ و از خود سوال می‌کنیم که آیا اطلاعاتی را که متن لوور به ما می‌دهد

1- Habbi.

2- Bagmashtou.

صحیح می‌باشند. باید اعتراف کنیم که اگر فقط یک سیاهه ساده‌ای از ثروتهای مقبره فرعون توتان‌خامون^(۱) بر روی پایروس نداشته بودیم اشکالات بسیاری در قبول انباشتگی مشابه‌ای از اشیاء قیمتی می‌داشتیم. شاید روسا خزانه‌های کاخ‌ها و معابدش را برای حفاظت از دسترسی آشوریاها به موساسیر ارسال کرده باشد؟ معه‌ذا این به نظر چندان هم محتمل نیست، مسافت از توشا تا موساسیر خیلی طولانی و مخاطره آمیز بوده، و تمامی منطقه بعلت نزدیکی به مرزهای آشور چندان امن نبودند. بعلاوه بعضی جزئیات متن تذکر می‌شود که خزانه واقعاً به موساسیر تعلق داشت: از جمله دو اشاره به «باغماشتو، همسر خالدی»، در صورتیکه همسر منسوب به خالدی در اورارتوی مرکزی آروبانی^(۲) بوده است. الهه به نام ایرانی، باغماشتو، بطور یقین یک الهه‌یت قدیمی موساسیر بوده و هنگامی که، تحت نفوذ اورارتوئی، پاته‌اون^(۳) جدید احداث می‌شد، وی نمی‌توانست بجز همسر خداوند عالی باشد.

متن لوور تعدادی اشیاء بزرگ مفرغی را نیز یادآور می‌شود که بعضی از آنها در نقش برجسته کاخ سارگون، بعنوان تزئینات نمای معبد ظاهر می‌شوند. از این قرار سه دیگ سنگین برنزی، هر یک به ظرفیت ۵۰ پیمانه آب و یک دیگ بزرگ محتوی ۸۰ پیمانه با یک دسته بزرگ مفرغی، که پادشاهان اوراتو آنها را به هنگام قربانیان تقدیمی به خالدی از شراب پر می‌کردند.

کمی دورتر، مسئله مجسمه‌های بزرگ مفرغی است که درون معبد قرار داشتند: «چهار مجسمه بزرگ از جنس مفرغ که قراولان درب معبد را نشان می‌دهند و چهار پایه با پایه مجسمه از جنس مفرغ قالب ریزی شده؛ مجسمه یک شخصیت در حال عبادت؛ یک مجسمه از ساردوری، پسر ایشپوینی^(۴) پادشاه اورارتو، بر روی یک صندلی مفرغی قالب‌ریزی شده؛ یک گاونر، یک گاو ماده و گوساله‌اش قالب ریزی شده توسط ساردوری

1- Toutankhamon.

2- Aroubani.

3- Panthéon.

پاته اون = معبدی که در قدیم برای نسای خداوندان می‌ساختمند.

4- Ishpouini.

که تمامی مغرغ معبد خالدی را قالب‌ریزی کرد؛ مجسمه آرگیشی، پادشاه اورارتو، تاجی بر سر مزین به ستارگان خداوندی که دست را برای رحمت بلند کرده، که با پایه مجسمه تقریباً به وزن ۶۰ تالانت مغرغ (۱/۸ تَن)؛ یک مجسمه اورسا (روسا)^(۱) با دو اسب بر روی پایه قالب‌ریزی شده از مغرغ دارای کتیبه این سخنان متکبرانه پادشاه: «با دو اسبهایم و هدایت‌کننده اسبهایم، بازوی من سرزمین پادشاهی اورارتو را فتح کرد».

بعضی از این مجسمه‌ها را می‌توان بر روی نقش برجسته کاخ سارگون شناسائی کرد. از هر طرف ورودی معبد، دو عدد از «مجسمه قراولان» بزرگ مشاهده می‌شوند و در سمت راست ورودی، گاو ماده و گوساله‌اش «قالب‌ریزی شده توسط ساردوری، پسر ایشپوایی»، لیکن اثری از گاو نر ذکر شده در متن لوور دیده نمی‌شود. در پائین میدانگاهی معبد، در هر طرف از پله‌ها دو دیگچه عظیم بر روی سه پایه قرار دارند. حفاریهای دژ تی‌شپایی^(۲) (کارمیر - بلور) دو دیگچه شکم‌دار یکسان ساخته شده از ورقه برنزی و با لبه‌های برنز قالب‌ریزی شده بدست آمده‌اند (تصویر شماره ۷۰).

کتیبه روی پایه مجسمه روسا که پیروزی پادشاهی اورارتو را متذکر می‌شود، بطور اجتناب‌ناپذیری توجه تاریخدانان را جلب کرده است. پیش از این فرض می‌شد که روسا پسر سلف خود، ساردوری، نیست، لیکن یک غاصب، یا پایه‌گذار یک سلسله جدید است. چون کتیبه سلطنتی که اعلان می‌کند «روسا، پسر ساردوری» با این فرضیه در تضاد قرار می‌گیرد؛ و به‌رحال، اگر روسا وارث قانونی تخت سلطنت نبوده است، سالنامه‌های آشوری آنرا بطور حتم یادآور می‌شدند همانطوریکه آن را در هر تغییر سلسله انجام داده‌اند. بی‌شک این کتیبه مربوط به شکل‌گیری پادشاهی نیست، اما احیاء مرزهای ابتدائی و فتح دوباره استانهائی که از ضعف قدرت مرکزی پس از تاخت و تاز قتل‌لاط - فالاسار، جهت پس گرفتن استقلال خودشان از موقعیت استفاده کرده بودند، می‌شود.

بنابراین متن لوور ایده‌هایی از مجسمه یادبود اورارتوئی می‌دهد که عملاً هیچ زیست نکرده است. در رابطه با مجسمه کوچک، ما سه مجسمه کوچک مغرغی داریم، یگانه

1- Oursa (Rousa).

2- Teishebaini.

نمونه‌هایی از این نوع هنر. هم اکنون یکی در موزه بریتانیا است که، یک خدای ریش‌داری را با تاجی مزین به شاخه‌هایی نشان می‌دهد؛ دیگری، که در موزه تاریخ ارمنستان می‌باشد یک الههٔ نشسته را نشان می‌دهد، بدون شک آروپانی؛ سومین مجسمه خداوند تی‌شبا (؟) را نشان می‌دهد و در حفاری‌های کارمیر - بلور یافت شده است (تصویر شماره ۱۰۶). یگانه نمونهٔ مجسمهٔ بزرگ سنگی که می‌شناسیم مجسمه‌ای است از جنس بازالت در یک وضعیت خیلی بد (ارتفاع محفوظ مانده: ۱ متر و ۲۸ سانتیمتر)، که هم اکنون در موزهٔ تیفلیس در گرجستان نگهداری می‌شود. قسمت فوقانی این مجسمه از سال ۱۸۹۸ شناخته شده بود، مابقی بعدها بدنبال یک ظهور اتفاقی در دژ وان پیدا شد. در اصل این مجسمه باندازهٔ قد طبیعی می‌بود. پوشش سر و صورت وجود ندارند ولی ریش و موهای موجود را که بر روی شانه‌ها و پشت افتاده‌اند تشخیص می‌دهیم.

در مورد مجسمه‌های معبد موساسیر، ما نمی‌دانیم که پس از غارت شهر چه بر سرشان آمد. آنها بطور یقین از طریق یک منطقهٔ کوهستانی تقریباً غیرقابل عبور به آشور منتقل نشده‌اند. بر روی نقش برجستهٔ کاخ سارگون، علاوه بر صحنهٔ چپاول معبد، شاهد توزین و برداشت اموال غارت شده هستیم، و می‌توان سه نفر سرباز آشوری را در حال شکن یک مجسمه یا تبر دید - این مربوط به مجسمه‌های مفرغی یاد شده در گزارش سارگون به خدای آشور می‌شود.

بدینسان، بکمک متن قابل توجه‌ای که مخروبه‌های آشور، پایتخت آشوری، به ما داده‌اند و با مساعدت نقش برجسته‌های توصیفی کاخ سارگون در دور - شارروکین^(۱)، ما بطور دقیق یک واقعهٔ قابل ذکر از تاریخ نظامی آشور را می‌شناسیم، و می‌توانیم از آن اطلاعات بسیاری دربارهٔ تمدن اورارتو کسب کنیم.

بنابراین، قشونی که سارگون بدقت تدارک دیده بود موفقیت‌هایی را کسب کرد؛ و سالنامه‌های آشوری با کلماتی مختصر و مقطع یادداشت می‌کنند: بمحض اینکه اورسا (روسا)، پادشاه اورارتو، شنید که «موساسیر تخریب شده است و اینکه خداوندش

خالدی بُرده شده است، با دست خود شمشیرش را از پهلوی خود که آویزان بود کشید و به زندگی خود پایان داد.

اصلاحات در زمان سلطنت ارگیشتی دوم و یافته‌های آلتین تپه

پیروزی کامل سارگون در سال ۷۱۴ ق.م، با این وجود منجر به ختم پادشاهی وان نشد. پس از فوت روسا اول، پسرش ارگیشتی دوم به جای وی بر تخت سلطنت نشست و بلافاصله با تمام نیرو سعی در ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ نمود. سارگون ناگزیر بود از نو با یک نگاه محتاط مراقب وقایع اورارتو باشد. یکی از نامه‌های مأمورین سرّی این دوره ورود یک پیام از ارگیشتی به هاردا^(۱)، شهر مرزی درهٔ فوقانی دجله (نزدیک شهر جدید دیار بکیر^(۲)) را ذکر می‌کند که یک فرمان قبلی پادشاه را باطل کرده و توصیه می‌کند که بر اسبهای خود سوار شوند و منتظر پیام آور دوم باشند. در میان این گزارشات سرّی، همچنین شرحی دربارهٔ نزاع در جنگل به خاطر قطعات چوب‌هائی که اورارتوئی‌ها نمی‌خواستند که آشوری‌ها آنها را ببرند، وجود دارد؛ یک نامهٔ سرّی اطلاع می‌دهد که دستجات اورارتوئی بطرف هاردا هدایت می‌شوند.

پادشاه جوان اورارتو بطور حتم در نظر نداشت که اسلحه را رها کند، وی بدون وقفه بدنبال تحکیم اقتدار خود بود و مخصوصاً در مرز غربی‌اش. فقط در سال ۷۰۸ ق.م، سارگون شش سال پس از پیروزی‌اش بر اورارتو توانست با پادشاه کوم‌موه^(۳)، که به پرداخت خراج سالانهٔ خود به ارگیشتی دوم ادامه می‌داد، پیمان ببندد.

سارگون در طی سالهای آخر سلطنتش اشتغال خاطر دیگری داشت و، پس از مرگش، آشور دچار یک وضعیت سیاسی مغشوش شد. حتی شاید، بموجب نامه‌های یافت شده در بایگانیهای نینوا^(۴)، یعنی اسناد رسمی با یک اهمیت استثنائی که به موقع اطلاعات ضعیف تهیه شده توسط سالنامه‌های رسمی آشوری را برای این عصر تکمیل

1- Harda.

2- Diyarbakir.

3- Koummoh.

4- Ninive.

می‌کنند، کودتائی اتفاق افتاده باشد.

از آن به بعد پادشاهی اورارتو دارای یک فضای حیاتی شد و می‌توانست نیروهای خود را پس از شکست جمع‌آوری کند. کتیبه‌های به خط میخی از یک فعالیت وسیع در زمینه سازندگی در زمان سلطنت آرگیشتی در مرکز پادشاهی صحبت می‌کنند، مخصوصاً در مناطق ویران شده توسط قشون سارگون. در نزدیکی شهر جدید ارشیش^(۱) در کرانه شمالی دریاچه وان، آرگیشتی شهر تیتومنی^(۲) را احداث کرد. وی در آنجا یک دریاچه مصنوعی و یک کانال ساخت. منطقه ملو از تعدادی دژهای قدیمی است که در آن‌ها آثار هنری با کیفیت کشف شده‌اند. یک نقش برجسته بزرگ حجاری شده بر روی چندین سنگ خداوند تی‌شبا را بر روی یک گاونر نمایش می‌دهد: احتمالاً به ملتزمین رکاب تعلق داشت؛ ممکن است تاریخ اثر مربوط به این دوره باشد و متعلق به یک بنای مفقود بوده باشد. آرگیشتی همزمان شروع به احداث یک پایتخت جدید بر روی تپه توپراک کالاکرد، کاری که توسط پرش ادامه خواهد یافت.

به نظر می‌رسد که آرگیشتی پر روسا در تمام مدت زمان سلطنت سین ناشرب^(۳)، پر سارگون (۶۸۱-۷۰۵ ق.م)، پادشاه اورارتو بوده است، اما سالنامه‌های آشوری این دوره در مورد اورارتوها سکوت کرده‌اند. سین ناشرب سرگرم مبارزات خود علیه بابل، سوریه و فلسطین بوده و لشگرکشی به مصر را تدارک می‌دید: به این دلیل است که وی سعی در اجتناب از هر نوع درگیری مستقیم با همسایه شمالی خود می‌کرد هرچند که در این عصر مرزهای پادشاهی وان از مرکز آشور خیلی دور نبود. طبق کتیبه‌های سین ناشرب، کوهستان تاش^(۴) (کوه باویان^(۵) فعلی) که در آنجا پادشاه آشور دارای شکارگاه بود، «در مرز اورارتو» قرار داشت. نه چندان دورتر از این مرز یک کانال بزرگ آب از روی طاق پل‌ها و ستون‌ها کشیده شده بود و آب را از کوهستان‌ها به نینوا می‌رساند. با وجود

1- Erchish.

2- Titoumnia.

3- Sennacherib.

4- Tash.

5- Bavian.

این، همانطور که قبلاً گفتیم، کوهستان‌هایی که حوضه دریاچه وان را از آشور جدا می‌کردند تقریباً غیرقابل عبور بودند و یک مانع طبیعی را تشکیل می‌دادند.

آرگیشی دوم سرگرم مستحکم کردن مرزهای دور خود بود. او یک دژ محکم در کرانه طول فوقانی رود فرات نزدیک ارزینجان^(۱) احداث کرد. در آنجا، روی تپه آلین تپه، است که در حین حفاری‌های اصولی، باستانشناسان تُرک خرابه‌های یک دژی را آشکار کردند که بوسیله بُرج و باروی مستحکمی که هنوز هم نامش ناشناخته است دفاع می‌شد. در داخل، بناهای مختلفی شناسائی شده‌اند که یکی معبد کوچک «سوسی»^(۲) می‌باشد که مشابه آرین - برد^(۳) است، معبدی که به جای اینکه در یکی از طرف‌های حیاط ستون‌دار قرار داشته باشد در مرکز واقع شده است. پی‌ها از بلوک‌های بازالت خوش تراش تهیه شده‌اند: دیوارهای آجری خام ناپدید شده‌اند، اما در نخاله‌های مصالح باقی مانده نقاشیهای دیواری پیدا شده‌اند. زیر یک سایبان، در داخل یک معبد، محرابی بر پا شده بود و یک محراب دومی در خارج مقابل چهار ستون سنگی بزرگ با رأسی مدور یافت شدند. از اینرو، یک مُهر سلندری اورارتوئی یافت شده چندین سال پیش یک قربانی اهدائی را در روی یک محراب مقابل سه ستون سنگی یکسان و یک درخت مقدس نمایش می‌دهد.

این دژ محل سکونت نماینده پادشاه می‌بود، که مقام و موقعیت بالائی داشته است. در واقع، زیر دیوارهای دژ، گورهای شخصیت‌های عالی مقام مشابه مقابر سلطنتی کنده شده در صخره وان یافت شدند. دو تا از اینها با بلوکهای بزرگی ساخته شده‌اند، شامل سه اتاق و دیوارهای نشان‌دهنده طاقچه‌هایی از همان نوع که در غار هُورهُور که کتیبه آرگیشی اول را در خود داشت می‌شدند. دهانه قبرها توسط سنگفرشهایی مسدود شده بودند. دو تابوت سنگی با سرپوش با مقطع نیمه دایره‌ای حفر شده در یک بلوک در یکی از اتاقها پیدا شدند. حفاری قبرها ملزومات جالبی عیان کرده است: اسباب و اثاثیه

1- Erzincan (Erzindjan).

2- Susi.

3- Arin - Berd.

برنزی، چوبهای خاتم‌کاری شده با صفحاتی از جنس شاخ، که امکان بازسازی تخت خواب با پایه بشکل سُم گاوتر مزین به تاج گل را داد.

در میان دیگر اشیائی که توجه‌ها را جلب کرده‌اند، یک دیگچه مفرغی مزین به کله گاوه‌ای نر بر روی یک سه پایه، گلدانهای مفرغی که یکی از آنها حکاکی کبینه هیئت را داراست، و یک سپر قابل ذکر می‌باشند.

هنوز تعداد زیادی اسلحه‌های برنزی و آهنی یراق آلات اسب، کمربندهای برنزی مزین به سوارکاران و گاوه‌ای نر بالدار، همچنین مقداری جواهرات گرانقیمت، دکمه‌های طلائی و یک پلاک طلا مزین به یک زنجیر طلائی یافت شده‌اند. بیشتر این اشیاء - مشخصاً هنر اورارتوئی نیمه اول قرن هفتم ق.م - متعلق به سلطنت آرگیشتی دوم می‌باشند و کبینه‌هایی درباره تعدادی از آنها گواه آن است. آرزومندیم که در حفاریهای آینده آلتین تپه («تپه طلائی») کبینه‌های به خط میخی دیگری بدست آیند که به ما اجازه افزایش شناخت از این عصر را بدهند.

مشکلات آشور و نقش روسادوم

سن‌ناشرب^(۱) پادشاه آشوری در یک شورش داخلی کاخ در سال ۶۸۱ کشته شد و پس از اینکه اسارهادون^(۲) به تخت سلطنت نشست (۶۸۱-۶۶۸ قبل از میلاد)، قانونین فرار کرده و به منطقه شوپریا^(۳)، در حاشیه اورارتو، پناه بردند. کتاب تورات واقعه را ذکر می‌کند، در واقع یادآور می‌شود که پسران سن‌ناشرب پس از کشتن پدرشان، به اورارتو فرار کردند («سرزمین آوارات» یا «سرزمین ارمنستان»).

متون آشوری به ما اجازه تاریخگذاری بطور دقیق پایان سلطنت آرگیشتی را نمی‌دهند، هرچند که در بعضی نوشته‌های سلطنتی اسارهادون، متأسفانه بدون تاریخ، ما به اشاره یک پادشاه جدید اورارتوئی به نام روسا، پسر آرگیشتی، برخورد می‌کنیم.

1- Sennachérib.

2- Esarhadon.

3- Shoupria.

در این عصر از خطر جدیدی صحبت می‌شد که آشوریا را تهدید می‌کرد. و آن فشار ایلات چادرنشین سیم‌ریا^(۱) (گیمیررایا^(۲)) و سیت‌ها^(۳) (آشغوزایا^(۴)) بود که از طریق قفقاز به آسیای مقدم نفوذ می‌کردند. سالنامه‌ها صحبت از پیروزی بر "چادرنشینان" می‌کنند مخصوصاً درباره «توشپا، سیم‌ری از سرزمینهای دور آمده» و درباره قشون ایشپاک^(۵)، سیت هم پیمان سرزمین مانا. معهدا آشوریا بدنال توافق با این رقبای مشکوک بودند. در میان مکان‌های مقدس اسارهادون^(۶) - سؤالات شده از خداوند شاماش و رونوشت‌های برداشته شده از روی لوحه‌های گلی - یکی وجود دارد که در آن پادشاه می‌پرسد آیا رئیس سیت‌ها نسبت به پیمان اتحادش وفادار خواهد بود اگر، همانطوریکه تقاضا می‌کند، او با یکی از شاهزاده خانم‌های آشوری ازدواج کند. جوابهای به این سؤالات به دستان نرسید و ما نمی‌دانیم که ازدواج مورد سؤال انجام شد یا نه. در هر حال در یک سند سال ۶۷۹ ق.م. ذکر از یک کسی به نام ایشدی - هارران^(۷) «فرمانده هنگ سیت» می‌کند، بطور مسلم، هنگ مزدوران.

موقعیت آشور در زمانی که ایلات چادرنشین شمال با دیگر دول مثل اورارتو هم‌پیمان شدند مختل گردید. آشوری‌ها حق داشتند که به این دوستی مشکوک شوند. اسارهادون از شاماش می‌پرسد که آیا نقشه‌های سیم‌مری‌ها و روسا، پادشاه اورارتو، عملی خواهند شد، آیا به سرزمین شوپریا، ایالت متلاطم که قاتلین سن‌ناشرب و نیز پناهندگان اورارتونی به آنجا پناه برده بودند، وارد خواهند شد؟ نیروی سوق‌دهنده سیم‌مری‌ها آن‌ها را تا کناره‌های دریاچه وان، جایی که برای یک مدت طولانی ساکن شدند، هدایت کرد. یک نامه‌ای از بایگانی‌های نینوا صحبت از لشکرکشی‌های علیه

1- Cimmeriens.

2- Gimirraya.

3- Scythes.

4- Ashguzaya.

5- Ishpaka.

6- Esarhadon.

7- Ishdi - Harran.

سیم‌ری‌ها در سرزمین ماکا^(۱) و قشون کمین کرده در گردنه‌های کوهستانی می‌کند؛ نامه‌ای دیگر دستورالعمل‌هایی در موضوع مراقبت از مرزهای اورارتو، مانا، مدیا (ماد) و خوبوشکیا^(۲) می‌دهد، و دستور می‌دهد که سربازان فراری را مستقیماً به کاخ شاهزاده بفرستند. روسا دوم روابط دوستانه‌ای با چادرنشینان داشت، و حفاری‌های دژ تی‌شالی، مرکز نظامی و اداری ماوراء قفقاز، دلایل روابط وسیع بین اورارتوئی‌ها و سیت‌ها بدست داده‌اند که امنیت مرزهای شمالی را تضمین می‌کردند. این حفاری‌ها چندین ششی مربوط به سیت‌ها (سلاح، یراق‌آلات، جواهرات) را آشکار کردند که نه تنها از قفقاز از شمال بلکه حتی از مناطق دورتر کرانه‌های رود دینی‌پیر^(۳) آورده شده‌اند.

برطبق متون باستانشناسی یافت شده، سلطنت روسا دوم دوره‌ای از فعالیت فشرده در زمینه سازندگی بوده، عصری که اورارتو مکان خود را در آسیای مقدم باز یافت. در غرب، روسا تلاش در برقراری کنترل اورارتوها بر روی جادهٔ مدیترانه می‌کند، و یکی از کتیبه‌ها اشاره به گرفتن زندانی‌هایی در ایالات موشکینی^(۴)، هات‌تی^(۵)، هالیت‌تو^(۶)، بر فراز فرات و آنسوتر دارد. متأسفانه کتیبه‌ای از روسا در دژ مازگرد^(۷) (ملازگرد) در سرزمین غربی یافت شده، بقدری صدمه دیده است که قابل بازخوانی نیست.

در اورارتوی مرکزی در توشپا، روسا شهر را بر روی تپه توپراک کالا بنا کرد و نامش را روسا خینلی گذاشت. او پایتختش را در یک منطقهٔ غنی بیان‌گذاری کرد که از ساحل صخره‌ای وان تا دامنه‌های کوهستان، جاییکه محل اقامت جدیدش را قرار داد، وسعت داشت. او کانالهای آبیاری در آنجا احداث کرد، یک دریاچهٔ مصنوعی ایجاد کرد، باغها و تاکستان‌ها بوجود آورد و مزارع کشت احداث نمود. یک کتیبه‌ای که توسعه پایتخت را شرح می‌دهد بطور مخصوصی یادآوری می‌کند که کانال‌های آبیاری به مقصد پیشینی

1- Maka.

2- Khoubouskia.

3- Dniepr.

4- Moushkini.

5- Hatti.

6- Halittou.

7- Mazgerd.

نیازهای شهر جدیدی مانند توشا احداث شدند. برج و باروی توپراککالا موضوع تعدادی از حفاریها از سال ۱۸۷۱ بوده و تا به امروز ادامه داشته، و بیشتر بهترین اشیاء هنری اورارتوئی هستند که به طرق تجاری از این محوطه به موزه‌های ما رسیده‌اند.

حفاریها خرابه‌های یک کاخی مزین به موزائیک سنگی چند رنگ لوزی شکل، چهار گوش یا دم فاخته‌ای آشکار کردند. پلاکهای بازالت زمین و دیوارها مزین به دایره‌های فشردهٔ مریض از سنگ سفید، قرمز و سیاه بودند، که در بنائی یا پوشش مفرغی دیوارها مرصع‌کاری شده‌اند (تصویر شماره ۱۴). با وجود خرابیهایی حاصله توسط شکارچیان گنج، حفاریهای سالهای اخیر متمرکز شده‌اند: کشفیات مساکن خصوصی، انبارهای زیرزمینی که هنوز محتوی خمره‌های بزرگی هستند که در خاک زمین چال شده‌اند.

معبد «سوزی» از نوع معمولی در اورارتو - یگانه قطعهٔ با یک فضای سنگفرش شده در ورودی - از مدتها قبل مورد توجه باستان‌شناسان بوده است. اخیراً در حین حفاری زوایای معبد، چهار حفرهٔ چهارگوش و در درون دوتای از آنها پلاکهای برنزی یافت شدند. هر پلاک یک لوزی کوچک طلائی و یک چهارگوش کوچک نقره‌ای را نشان می‌داد که کاربرد علائم و نشان‌های رمزی آن هنوز غیرقابل توضیح است. در کنارهای معبد، چندین سپر بزرگ تزیینی از جنس مفرغ با نشانه‌هایی از گاو نر و شیر پیدا شده‌اند. بیشتر آنها دارای کبیله‌هایی به نام یکی از آخرین پادشاهان اورارتوئی، روسا، پسر اری‌ینا^(۱) می‌باشند، لیکن یکی از آنها اسم روسا، پسر آرگیشتی را داراست. این موضوع این را در فکر ما القا می‌کند که روسا دوم سازنده معبد بوده که روسا سوم آنرا بازسازی کرده و سلاحهای مقدس تقدیمی به خالدي را در آن قرار داده است.

روسا خیلی حدود یکصدسال اقامتگاه پادشاهان اورارتو بود. این شهر در اوایل قرن ششم ق.م. بوسیلهٔ مادها که آخرین ضربه را به پادشاهی وان زدند تخریب شد.

فعالیت سازندگی در اورارتو در قرن هفتم ق.م

در تمامی شهرهای بزرگ که توسط آرگیشتی دوم بنا شده‌اند، پسرش روساکیه‌های پایه بر جای گذاشته و سیاست سازندگی پدر خود را دنبال کرده است. آدیل جواز^(۱) چندین کیبّه بلند از بنیان و قربانیانی که به زمان روسا دوم مربوط می‌شود آشکار کرده و دژ روی تپه کف کالاسی^(۲) نیز به او نسبت داده شده است. حفاران از این محوطه عناصر گوناگون معماری قسمت‌هایی از یک عمارت بزرگ با ستون‌های چهارگوش پهن در طرفین درب‌ها ساخته شده از بلوکهای برافراشته بازالت، چندین بلوک چهارگوش، بدون شک پایه‌های ستون، که خود ستونها از آجر خام بوده‌اند، خارج کردند. این پایه‌ها مزین به نقش برجسته‌هایی با اشکال گاونر بالدار ایستاده بر روی شیرهایی با نیم‌رخ روی زمینه دیوارهای ضخیم دور قلعه و برجهایی بشکل عمارت مشابه اثر بزرگی که بر روی یک پلاک یافت شده در توپراک کالا نشان داده شده است، بودند.

دژ کمربندی آلتین تپه، خود نیز، در زمان سلطنت روسا دوم هنوز مورد استفاده قرار داشت. اشیائی که در اینجا یافت شده‌اند دارای کیبّه‌هایی به نام این حاکم می‌باشند و تعدادشان جهت نشان دادن پیوستگی با ملزومات آشکار شده در توپراک کالا بسیار است. و پلاک‌هایی از جنس عاج با اشکال دیوهای بالدار با سرهای عقاب را تجمیع می‌کنند که نقش برجسته‌های از جنس استخوان کالاله را بخاطر می‌آورند.

بطوری که کشف اتفاقی یک کیبّه واقع در شکاف دیوار کمربندی ما را آگاهی می‌دهد، در مرز شمال شرقی نزدیک شهر فعلی ماکو^(۳) در آذربایجان دژی برپا بود به نام «شهرک پادشاه روسا».

خود خرابه‌های قلعه تی شبایینی بر روی تپه کارمیر - بلور (اروان)^(۴)، دلیل گویایی از سیاست سازندگی در یک مقیاس بزرگی بما می‌دهد که توسط روسا در منطقه واقع در شمال رود آراز به اجرا درآمده است. شرح حفاریهای این دژ موضوع فصل آینده خواهد بود، اما مفید خواهد بود که چکیده‌های عمومی‌ای را تا به امروز یادآور شویم. قلعه تی شبایینی یک فضای کلی‌ای در حدود چهار هکتار را احاطه می‌کرد که شامل ۱۵۰

1- Adilcevaz (Adeldjevaz).

2- Kefkalasi.

3- Makou.

4- Erevan.

عمارت مجزای جمع شده در اطراف یک حیاط وسیع می‌شد. این قلعه یک احساس قدرت یکپارچه‌ای را می‌داد. دیوارها دارای عمقی از دو متر و ۱۰ تا سه متر و ۵۰ و گاه‌ها هفت متر ارتفاع بودند. بیشتر ساختمانها دارای پشته‌بامهای آجری خام که شکل گنبد گهواره‌ای ایجاد می‌کردند، بودند. بعضی از آنها دارای پشته‌بامهای شکل داده شده توسط الوار کاج، تبریزی، آلس یا دیگر چوبها بودند. ساختمان قلعه نیاز به دو میلیون آجر بزرگ داشت (هرکدام ۵۱ سانت و ۸ طول در ۳۵ سانت). نمی‌توان وزن کل چوبهای بکار رفته را که بیشتر آنها از مناطق دوردست آورده شده بودند حدس زد. بنابراین یک اقدام وسیع کارهای عمومی بود: ساخت آجر، حمل و نقل چوب، استخراج و جلابخشی سنگ مورد استفاده پایه‌ها، همچنانکه تهیه پلاکهای بازالت مورد استفاده در بالا، ملم است که این اقدام عظیم نیاز به کارگران زیاد داشت؛ احتمالاً این آخری‌ها را از میان زندانیهای جنگ تهیه می‌کردند.

قلعه دارای هشت انبار ذخیره با ظرفیت تقریباً چهل هزار (۴۰۰۰۰) لیتر، سیلوهای کوچک غلات و حیوانات با دو دالان جانبی با ظرفیت ۷۵۰ تن، و دیگر انباری‌های داخل قلعه با ظرفیتهای حداقل به همان اندازه، بود. این اعداد ایده‌ای از قدرت پادشاهی اورارتو در قرن هفتم ق.م را می‌دهند. فقط یک قدرت تولیدی فشرده و یک موقعیت سیاسی استوار می‌توانستند اورارتوئی‌ها را قادر به ساخت قلعه‌ای به این قدرت در ماوراء قفقاز کنند. در واقع می‌دانیم که موقعیت اورارتو در این عصر نسبتاً مطمئن بوده، آشوریها، قبلاً گفتیم، سعی در اجتناب از هرگونه درگیری با اورارتوئی‌ها که به نوبه خود، بدنبال فرصتی نبودند که جنگی را برانگیزند، داشتند.

در سال ۶۵۴ ق.م پس از پیروزی آشوریانی پال بر پادشاه ائلام^(۱)، تی‌اومن^(۲)، و فتح شوش، روم دوم نمایندگانی نزد شاه آشوری فرستاد. «در این عصر» سالنامه‌ها نقل می‌کنند، «روسا، پادشاه اورارتو، قدرت خداوندان مرا شناخت و در مقابل شکوه و

1- Elam.

2- Teuman.

عظمت من حیران شد. بنابراین او شاهزادگان خود را برای ادای احترام به من به آرپلا^(۱) فرستاده. و نقش برجسته‌های کاخ نینوا بطور واقعی فرستادگان اورارتوئی‌ها را همراه دیگران که در شکنجه وحشیانه و اعدام انلامی‌ها حضور دارند نشان می‌دهد. پادشاه دیگر اورارتو، ساردوری، پسر روسا، نیز در سال ۶۳۹ ق.م پس از پایان جنگ علیه عربها فرستادگانی به نزد آشوریانی پال^(۲) فرستاد.

1- Arbela.

2- Assourbanipal.

شهر خداوندی شبا: تی شبا اینی (کارمیر - بلور)

IV

محوطه و حفاری

اگر از ساکنان اروان سؤال می‌کردید که سی سال پیش کارمیر - بلور چه بود، آنها به شما جواب می‌دادند که یک تپه واقع در حاشیه شهر (تصویر شماره‌های ۱۷ و ۲۰) در کرانه چپ رودخانه رازدان^(۱)، که به سهولت از جاده‌ای که به اشیا زین^(۲)، محل سکونت ارمنیان کاتولیک، می‌رود قابل تشخیص است، و محوطه مورد علاقه ورزشکاران، محل زندگی پرندگان مهاجر، خرگوشها و گاه‌آ روباه بوده است و بعضی‌ها هم اضافه خواهند کرد که در آنجا سابقاً نافوس قرون وسطی‌ای روی تپه قرار داشت، اما اکنون ناپدید شده است.

اگر همان سؤال را امروز از ساکنان اروان پرسید آنها جواب خواهند داد که کارمیر - بلور در بخش غربی شهر واقع شده، و یک شهر باستانی در اینجا کشف شده که یکی از سالن‌های موزه تاریخی ارمنستان مملو از اشیائی است که از حفاریهای این شهر که به شاهنشاهی قدیم اورارتو تعلق داشت آورده شده‌اند.

در سال ۱۹۳۶ بود که کارمیر - بلور برای اولین بار توجه باستانشناسان را جلب کرد. در سراسیمی‌های تپه قطعه سنگی به تازگی یافت شده بود که کتیبه‌ای به خط میخی به نام پادشاه روسا دوم را نشان می‌داد. این یافته این فکر را سبب شد که شاید تپه یک دژ قدیمی دوره زایش دوباره اورارتو را در بر داشت.

1- Razdan.

2- Echmiazin.

در سال ۱۹۳۹، یک هیئت که هم‌زمان توسط آکادمی علوم ارمنستان و توسط موزه ارمنیاز پستیانی می‌شد حفاریهای اصولی را آغاز کرد (تصویر شماره‌های ۱۷-۳۳). باستان‌شناسان در نظر داشتند که یک مطالعه کامل از خرابه‌های دژ انجام دهند، و نیز محله‌های مختلف شهر را که می‌بایست روی سه طرف تپه گسترده باشد حفاری کنند (در شمال و شمال شرقی، سراسیمها یک راست بر روی گلوگاه‌های رودخانه رازدان فرود می‌آمدند).

کارمیر - بلور فاش کردن اسرار خود را طول داد، اما حفاری بطور تقریباً جامع انجام شد. تلاشهای صورانه دانشمندان بسیار متمرکز شده و نیز گاهی شانس کمک به یافته‌ها می‌کرد.

در ابتدا، غیبت کامل قطعات شکسته که عموماً در محوطه‌های مسکونی قدیمی یافت می‌شوند حفاران را فریب داد. هیچ خرده‌ریز سفالی در کارمیر - بلور. برعکس، از اولین روز قطعات آجر ظاهر شدند و خط دیوارها سر از خاک برآورده امکان پیگیری را دادند. کار اغلب سخت بود و جستجو خسته‌کننده و بعداً یک بارندگی شدید کار را برای مدتی متوقف کرد و در صبحگاهی که پایان رگیارهای طولانی را بدنال داشت، همه نقشه قلعه بر روی زمین قابل دیدن شد. دیوارهای آجری خام، با نگهداری آب باران بیشتر از خاکریزی زمین، به روشنی خطوط پیرنگ را رسم می‌کردند. بنظر می‌رسد، از همان طریق است که در بین‌النهرین شرقی، در اوروک^(۱)، «دالان مراسم» (بیت آکیتو^(۲)) در حاشیه‌های شهر یافت شد؛ حفاران ابتدا طرح عمارت را در نور ماه مشاهده کردند، ولی صبح روز بعد چیزی تشخیص ندادند، این فقط پس از یک رگبار شدید بود که رد دیوارها از نو بر روی سطح یابان صاف توسط باد طراحی شد.

درباره محوطه ما، باستان‌شناسان با زحمت زیاد نقشه عمومی تشکیلات قدیمی اطراف قلعه کارمیر - بلور را تهیه کردند، چون اهالی محل محوطه باستانی را جهت یافتن سنگ بنا کنده بودند. خوشبختانه، عکاسیهای هوایی به یکباره نقشه کامل شهر را با

1- Ourouk.

2- Bit Akitou.

خیابانهای طولی و عرضی ظاهر کردند و برای حفاران یک سر نخ دقیقی بوجود آوردند. حفاری قلعه برای شروع کار یک سالن کوچک حدود ۲۰ متر مربع را از زیر خاک خارج کرد. محیط دیوارها خیلی واضح بودند، براحتی توانستند خاک نرم پر شده را بردارند؛ اما این خاک پر شده تا چنان عمقی پائین می‌رفت که بیشتر به یک چاه فکر می‌شد تا به یک اتاق. کار با یافتن دو در کوچک و بالاخره در عمق ۷ متر و ۱۵ کف زمین خاتمه یافت. یگانه یافته عبارت از یک کوزه گلی با وزنی قرمز بود.

عمق غیرعادی اتاقهای پر شده از خرده‌ریز آجرهای ریخته از دیوار (تصویر شماره ۳۳)، فقدان هر نوع سطح تصرف محققین را فریب داده و آنها را به این فکر انداخت که شاید دژ تمام نشده بوده و این که سایر اتاقها نیز خالی باشند. با وجود این، حفاری‌ها متعاقباً سالن‌های کمی مجهزتر دیگری را آشکار کردند، همچنانکه مقداری اشیاء: ظروف چوبی، تکه‌های پارچه، انگور، خرده‌های نان، و یک گل‌انار؛ مشاهده شد که خرده‌های آجرها که خرابه‌ها را پوشانده بودند، یک پوشش ضخیم غیرقابل نفوذ رطوبت و هوا تشکیل داده بودند که سبب حفظ باقیمانده‌های موادآلی که معمولاً اثری به جا نمی‌گذارند شده‌اند.

قبل از شروع حفاری اصولی سالن‌های مختلف قلعه، لازم بود که نقشه‌تمامی ساختمان تهیه شود. این یک عمل دقیقاً تعیین شده بود، ولی پر زحمت. یک برش دو متری عریض در طول پایه دیوار بوجود آمد و هر روز از حفاریها سهم خود را در نقشه مفصل قلعه به همراه داشت. پس از سه سال تحقیق پیگیرانه، نقشه یک دژ با چهار برج بزرگ مربعی باکنگره‌ها با فاصله‌های منظم در طول خندق (تصویرهای ۲۲ و ۲۴) و چندین برجستگی مربع در دیوار که رودخانه را کج می‌کرد. در غرب حیاط بزرگی وجود داشت که از طریق درب جنوبی یکپارچه و کاملاً حفاظ شده، و از طریق یک درب مخفی کمتر مستحکم در گوشه شمال غربی وارد آنجا می‌شدند. در آنجا نیز یک شگفتی منتظر باستان‌شناسان بود. آنها ورودی حیاط را یافته بودند، اما ساختمان اصلی قلعه دارای دری نبود: یک دیوار سنگی ضخیم دو متر ارتفاع آنرا از هر بخشی احاطه می‌کرد. بنابراین محققین مجبور به توضیح درباره‌ی این ساختمان بودند که بعنوان مثالی از معماری شرقی

ظاهر شد.

سکوهاى از آجر خام که بر روی آنها کاخهای آشوری ساخته شده‌اند نمونه بارزى از این معماری است. در کاخ سارگون این سکوها به ۱۴ متر ارتفاع می‌رسیدند. کتیبه‌های پایه آشوری‌ها توضیح کاملی از این فن معماری را به ما می‌دهند. در بناهای آشوریه‌ها بطور عموم در زیرزمین زیربناها اتاقی وجود ندارد که دارای گذرگاههای عریض با طاق‌های استوانه‌ای، جهت زهکشی آنها، نباشند. در کارمیر - بلور، یک طبقه هم‌کف با انباری‌ها و اتاقهایش بعنوان «زیرزمین زیربنا» مورد استفاده بوده؛ فقط نمی‌شد وارد این اتاق‌های هم‌کف شد مگر از راه بالا. تعدادی از آنها مطلقاً از سایرین جدا بودند؛ آنهایکه واقعاً بعنوان زیرزمین زیربنا مورد استفاده بودند، یعنی آنهایکه در بالایشان ساختمان اصلی قرار داشت، هر از پاره‌سنگ بودند. یک سرازیری در جنوب غربی به ورودی قلعه می‌رسید، آنکه سراسیمی کنونی قلعه را آشکار می‌کند.

کارگاه‌ها و انبارها

طبقه مشتمل بر ۱۴۸ اتاق با اندازه‌ها و موارد استفاده گوناگون بود، انبارهای کوچک (تصاویر ۳۰ و ۳۳) یا انبارهای وسیع آذوقه و کارگاه. آنها مطابق وضعیت نه در سطوح مختلف قرار داشتند و پنجره‌های اتاقهای مرکزی در ارتفاع بالای دیوارها، زیر سقف، واقع بودند، بی‌شک از بالا برای دیدن پشت‌بامهای دیگر اتاقهای پائین‌تر. این ترتیب بلکه‌ای خصوصیت معماری بین‌النهرین است.

اتاقهای قلعه برای استفاده‌های گوناگون ساخته شده بودند. سه اتاق بزرگ واقع در گوشه شمال شرقی، مثلاً برای تهیه روغن کنجد اختصاص داشت. یکی از آنها هنوز محتوی خزانه آهک بود که جهت خیساندن دانه‌ها قبل از فشردن مورد استفاده بودند. بر روی زمین دومین اتاق مقدار زیادی «خمیر» کنجد و تفال باقی‌مانده از تهیه روغن یافت شد؛ پرس چوبی که می‌بایست در این اتاق پیدا شود بوسیله آتش کاملاً نابود شده است. سومین اتاق که در آن روغن ذخیره می‌شد (تصویر ۳۰) دارای اثرات آتش‌سوزی شدید بود که دیوارهای آجر خام را تا حد تفال آهک تقلیل داده بود.

همچنین یک سالن تخمیر جهت تهیه آبجو وجود داشت که در آنجا خزانه سنگی محتوی آثار جو مالت شده قرار داشت. آبجو در خمره‌های بزرگی با ته‌گرد، بشکل خوابیده نگهداری می‌شد (تصویر ۵۷).

دو سالن صنعتکاران را که اقدام به مجسمه‌سازی یا حکاکی روی شاخ گوزن می‌کردند، در خود پناه می‌دادند. شاخها و نیز تکه‌های از قبل بریده شده و چاقوهای آهنی روی زمین خوابیده افتاده بودند.

کارگاه‌های سفالگران و زرگران در خارج از قلعه قرار داشتند. در واقع، پخت سرامیک و ذوب فلزات خطر ایجاد آتش‌سوزی را داشتند، و این کارها در کارگاه‌های مخصوص، در یک فاصله معقول از اماکن مسکونی انجام می‌شدند. قلعه نیز انبارهایی در خود داشت که در آن‌ها ظروف غذاخوری و مخازن از هر نوع انباشته شده بودند: یکی از انبارها محتوی کوزه‌های شراب بود (تصویر ۴۹ و ۵۰)، دیگری خمره‌ها و کاسه‌های شیر، سومی سفال برای مصارف خانگی. اتاقهای بسیاری اشیاء فلزی در حال ساخت و شمش‌های برنز بشکل نامنظم با یک طرف مسطح و یک طرف محدب را آشکار کرده‌اند.

انبارهای غله بسیار بودند. حفاران مقدار زیادی گندم سفید، جو، و ارزن با یک کیفیت عالی و آمیختگی کم یافتند (تصویر ۲۹). جالب اینکه، در انبارهای غله باقیمانده حشرات، شپش غله و مورچه‌هایی که از دانه‌های اورارتوئی تغذیه می‌کردند بدست آمد.

کبیه‌ها ما را از سطح پشرفته کشاورزی در تمامی منطقه اطراف تی‌شباینی آگاه می‌کنند. یک لوح سنگی بزرگی در معبد زوارنوتس^(۱) نزدیک اشمیادزین^(۲) یافت شد که می‌بایست پیش از این در کرانه سمت راست رازدان در مقابل کارمیر - بلور برپا بوده باشد، که کتیبه زیر را در برداشت: «روما، پسر آرگیشتی، اعلان می‌دارد: در دره کوتورلینی^(۳)، روی زمین هیچ‌وقت کار نشده بوده است. آنگاه، به فرمان خالدی، من این

1- Zvartots.

2- Echmiadzin.

3- Koutourlini.

ناکستان را احداث کردم، من این مزارع اطراف شهرها را تخم‌پاشی کردم. من کانالی از رودخانه ایلدارونی^(۱) احداث کردم: نامش اومشینی^(۲) است». آنگاه دستورات برای اهدای قربانی‌ها به پیشگاه خداوندان در روز افتتاح کانال به اجرا در می‌آیند. پادشاهان اورارتو، اهمیت خاصی برای آبیاری قائل بودند، متن مزبور آن را به خوبی به ما نشان می‌دهد؛ و کانال اومشینی، تونل بزرگ حفر شده در دل سنگ آندسیت^(۳) و صخره بازالتی، که هنوز پس از ۲۶۰۰ سال به زندگی ادامه می‌دهد، شاهدهی است از کیفیت کارهای مصمم (تصویر ۳۱).

حفریها باز هم باقیمانده تعدادی میوه - آلو (تصویر ۲۶)، انگور، سیب، به، گیلان، و انار آشکار کردند. انبارهای به تعداد شش، به نظر می‌رسد نقش مهمی در اقتصاد تی‌شباینی بازی می‌کردند. عموماً اتاقهای بزرگ بدون روشنایی بودند، ردیف‌های خمرها در اینجا به کف زمین فرو رفته بودند، هر کدام دارای علامت ظرفیت به خط میخی یا تصویری بودند. این ظرفیت از ۸۰ لیتر تا ۱۳۰ لیتر بود و از اینرو در مجموع در تمامی انبارها تقریباً ۴۰۰ خمره وجود داشت. خمره‌های دو انبار بطور عمده از بین رفته‌اند - مقدار کلی شراب ذخیره می‌بایست تقریباً چهل هزار لیتر (۴۰۰۰۰ لیتر) می‌شد. این ذخیره خیلی بیش از سایر دژها حائز اهمیت است اگر کتیبه‌ها را باور کنیم.

انبارهای آذوقه تاریک و مرطوب بودند همانطوریکه یافته تعداد زیادی چراغ روغنی بر روی زمین این اتاقها ثابت می‌کند، و همچنین کشف غیر متظره لانه زنبور در گوشه‌ای از دیوار و اسکلت یک قورباغه. پشت‌بام آنها که از تیرک‌های چوب کاج ساخته شده بودند، طوری حفظ شده‌اند که سازندگان محلی آلات موسیقی قطعه‌ای از این چوب را برای ساختن بدنه ویولونی استفاده کردند که یکی از اعضاء ارکستر فیلامونیک اروان توانست آن را بنوازد.

یک انبار وسیع هنوز طبقه فوقانی قسمت شرقی قلعه را در اختیار داشت. احتمالاً به

1- Ildarouni.

2- Oumeshini.

3- Andesite.

ذخیره شرابه‌ای سبک که می‌بایست زیر آفتاب کهنه شوند اختصاص داشت. در نزدیکی انبارهای بزرگ، انبارک‌های محتوی کوزه‌هائی بودند که برای شراب مورد استفاده داشتند. در یکی از انبارک‌ها ۱۰۳۶ کوزه سفالی ورنی قرمز بدست آمد که صد عدد از آنها دست نخورده بودند. در یک اتاق بغل دستی تعداد زیادی جام مفرغی یافت شدند که متأسفانه در وضعیت بسیار بدی بودند. یکی دیگر از انبارهای بزرگ بخش غربی محتوی یک خمره بزرگی بود که درون آن مملو از ۸۷ جام مفرغی جهت حفاظت در پناهگاه بودند. بیشتر آنها (تصویر ۹۷ و ۹۸) درخشندگی اصلی خود را حفظ کرده و هنوز صدای ملودی خود را در موقع ضربه زدن منعکس می‌کردند. هریک از آنها در مرکز خود نوشته‌ای به خط میخی به نام یکی از پادشاهان اورارتوئی قرن هشتم ق.م.، متوآ، آرگیشی اول، ساردوری دوم و روسا اول را نشان می‌داد. چند عدد از آنها نیز دارای علامتی مصور از یک برج مستحکم و یک درخت بود.

نام دژ

برخی از این انبارها هنوز باقیمانده درها را دارا بودند که از ورقه‌های ضخیم ساخته شده بودند و بوسیله قفل و چفت مفرغی بسته می‌شدند. در سال ۱۹۴۵ بر روی یکی از این قفل و چفت‌ها کتیبه‌ای به خط میخی کشف شد: «دژ شهر تی شبایینی، متعلق به پادشاه روسا، پسر آرگیشی» (تصویر ۷۴). این کتیبه وجه تسمیه دژ کارمیر - بلور را می‌داد. این دژ در قرن هفتم ق.م. ساخته شده و نام خود را از خداوند تی شبا، خداوند جنگ، رعد و برق می‌گیرد. معذالک ممکن است شیء کوچکی که حامل کتیبه است از دژ دیگری آورده شده باشد، مثلاً از دژی که روسا بر روی کرانه شرقی دریاچه سیوان احداث کرده بود و اینکه آن نیز به اسم تی شبایینی نامیده می‌شد.

در سال ۱۹۶۲ بود که نام بطور قطعی بوسیله کشف بلوک‌های بزرگ پایه یک معبد در قسمت شرقی دژ که حامل دو کتیبه طویل به خط میخی بود مورد تأیید قرار گرفت. این کتیبه‌ها متذکر می‌شوند که پادشاه روسا، پسر آرگیشی، معبد «سوسی» را به افتخار

خالدی بنا نهاد و درب با شکوه خالدی را در شهر تی شبایینی واقع در خاک آزا^(۱) ساخت. این کتیبه می افزاید که منطقه سابقاً یبابانی بود و این که روسا دوم در زمان جلوس خود به تخت سلطنت بناهایی احداث کرد که کتیبه از آنها صحبت می کند. برای تقدیس کردن این سازندگی، بعضی قربانی ها تجویز شده بودند: گاو نر، بَرّه و گوسفند برای خدایان، گاوهای ماده برای الهه ها. آخرین بخش کتیبه اشاره دارد به قربانیان مورد اهدا در زمانی که پادشاه برای بازدید از تی شبایینی می آید.

این کشف اتفاقی در اواخر حفاری، در جریان بیست و دومین سال کارها، تمامی نتایجی که باستانشناسان به آن رسیده بودند تأیید کرد. دژ کارمیر - بلور مانند اربونی و آرگیشی خینلی در سرزمین آزا قرار داشتند. این کتیبه فرمول بکار رفته در کتیبه های پایه آرماور^(۲) (ارگیشی خینلی) و آدیل جواز را کلمه به کلمه دنبال می کند. این کتیبه متذکر می شود که تی شبایینی در آغاز سلطنت روسا دوم پایه ریزی شد و این که خود پادشاه اغلب برای بازدید از این مرکز اداری و اقتصادی مهم در شمال آراز (ارس) می آمد. یک اردوگاه دژ را که مقر معاون پادشاه نیز بود در برداشت. خراجهای پرداختی توسط منطقه احاطه کننده در تی شبایینی در خزانه دژ جمع آوری شده و سپس بطرف مرکز پادشاهی برده می شد.

چهار یابان قربانی و چهار یابان دامی

باستانشناسی وفور قربانیهای اهدائی در محوطه را مورد بررسی قرار داد. در نتیجه محققین یک افاق کاملاً پر از استخوانهای تکلیس شده گوساله های جوان و حیوانات کوچکتر را کشف کردند. کله و انتهای تحتانی نداشتند، صفت مشخصه قربانی حیوانات در قفقاز.

در سال ۱۹۶۵ حفاری یک سالن قسمتهای گزیده (گردن و سینه) ۲۶ جسد حیوان را آشکار کرد. طبیعتاً چیزی نمی ماند جز استخوانهایی که به یک نحو آناتومیکی درست

1- Aza.

2- Armavir.

چیده شده و بعضاً اثراتی از ضربه تیر را نشان می دهند. به نظر می رسد که این حیوانات به منظور مصرف نبوده لیکن جهت قربانی کردن اختصاص داشتند.

تهیه آذوقه تی شبایینی بطور قابل ملاحظه ای سازمان یافته بوده است. نه فقط استخوانهای جدا شده از گوشت که خورده شده بودند، حتی اسکلت کامل چارپایانی که در آتش سوزی تلف شده بودند یافت شد. در لحظه تسخیر قلعه، حیوانات، احشام، اسبها و الاغها در قسمت شمال غربی پشت بام قلعه جمع شده بودند. وقتی که مصالح چوبی سقف بوسیله شعله های آتش احاطه شد، آنها افسارهای خود را گسیختند؛ در حالت جنون، خود را به بخشی از پشت بام که تیرهایش آتش گرفته بودند پرتاب کردند، و در روی زمین له شدند. وضعیت و حالت بد اسکلتها به روشنی متذکر می شود که آنها از یک ارتفاع قابل توجه ای افتاده اند. همراه استخوانها تکه های گوشت و پوست مکلس شده یافت شدند، همچنانکه بقایای روده و محتویات معده (تصویر ۲۷)، حتی قادر به تشخیص باقیمانده های گیاهان هضم نشده و تخم هندوانه شدیم.

چارپایان از نوع بوس پرمیژنیوس^(۱) بودند. صنعت لبنیات در اورارتو بسیار پیشرفته بود و حفاریها چندین ظرف کره سازی را آشکار کردند که جهت سرعت بخشیدن به شکل گیری کره از گوشه ها به دیواره داخلی ثابت شده بودند. یک خمره کوچک دو بخشی هنوز محتوی ماده آلی بود که در آنجا می شد دانه ها را تشخیص داد. یک تجزیه دقیق ثابت کرد که این ظرف محتوی یک عامل انعقادکننده است که از یک تکه از معده و چندین دانه ذرت و انگور تهیه شده بود. هنوز امروزه، از این نوع عامل انعقاد برای تهیه پنیر استفاده می شود.

در میان حیوانات کوچک اندام، دو نوع گوسفند وجود داشت، که یک نوع آن دارای پشمی با کیفیت استثنائی بود (مرینوس).

یکی از متون تی شبایینی (تصویر ۳۶) لیستی از ۲۲۴ پوست گاو، ۵۲ کلاف پشم، ۱۷۲ پوست گوسفند و ۱۸ پوست بز را بدست می دهد.

کار پشم‌ریسی در آسیای مقدم از زمانهای بسیار دور شناخته شده بوده است. از انبارهای تی‌شالینی تعدادی کلاف نخ پشمی، چرخ پشم‌ریسی و تکه‌های مختلف پارچه که بعضی از آنها مخمل کرکدار خود را حفظ کرده‌اند بدست آمد.

می‌دانیم که پارچه‌های پشمی گرانقیمت، با رنگ‌رزیهای گوناگون، در اورارتو بافته می‌شد. متون متعدد آشوری به آنها اشاره دارند، مخصوصاً متن سارگون شرح غارت معبد موساسیر را داده و صورت اموال را ذکر می‌کند: «۱۳۰ دست لباس به رنگهای گوناگون و تونیک‌های پشمی سفید، آبی و قرمز، که از سرزمین اورارتو و هاپ‌هو^(۱) آورده شده‌اند.» متأسفانه حفاریهای کارمیر - بلور فقط تکه‌های ماهوت سوخته را آشکار کرده‌اند که تمامی رنگ خود را از دست داده بودند؛ با وجود این چندین قطعه وجود دارند که هنوز اثرات یک تزئین هندسی را نشان می‌دهند. همچنین دامن یک خفتان از جنس پشم دارای کناره‌های پارچه‌ای ناهموار با موضوعات قلاب‌دوزی شده کاملاً طبق فن گوبلن‌ها، یافت شد. تعداد زیادی وزنه جهت کار پارچه‌بافی وجود آتیه‌های بافندگی در تی‌شالینی را تأیید می‌کنند؛ اندازه این وزنه‌ها بافندگی منوجات زمخت عربی را تداعی می‌کند. یک توپ پارچه پشمی سوخته در حین حفاریها پیدا شد.

در میان استخوانهای بی‌شمار یافت شده حیوانات در تی‌شالینی، باید به اسکلت‌های کامل و استخوانهای مجزای متعلق به دو نوع اسب، یکی نژاد بزرگ و یکی کوچک اشاره کرد. قطعات زین و یراق مفرغی اسب که با کتیبه‌هایی به نام منوآ، آرگیشی، و ساردوری پیدا شده‌اند (تصویر ۷۹) که با نژاد اسب بزرگ مطابقت دارد، که در آسیای مقدم مشهور بوده است. در یک مزرعه، در نزدیکیهای وان، سنگی پیدا شده که کتیبه‌ای به خط میخی در بر داشت که می‌گوید: «منوآ پسر ایشوایی، اعلان می‌دارد: در اینجا اسب آر‌تیبی^(۲) (عقاب) نامیده می‌شود، که توسط منوآ سوار شده، ۲۲ کوده پریده است». مسلم است که فقط اسب بلند اندامی می‌توانسته پرشی به این طول داشته باشد (تقریباً ۱۱ متر و ۴۰).

1- Haphou.

2- Artsibi.

شهر خداوند تی شبا: تی شبائینی (کارمیر - بلور)

در یکی از انبارهای تی شبائینی اشیاء مختلفی از جنس برنز یافت شده‌اند که یکی از آنها سر باشکوه اسبی است که بی شک تزئین مال بند اربابه‌ای بوده است (تصویر ۱۰۷). کلاه‌خودها و تیردانه‌های مفرغی که اغلب مزین به نقش برجسته‌های نشان‌دهنده اربابه‌ها و سوارکاران می‌باشند به دست آمده‌اند (تصویر ۸۵، ۸۶، ۹۳).

بنابراین حفاری‌های کارمیر - بلور اجازه تهیه تابلوی دقیقی از موقعیت اقتصادی اورارتو را به ما داده‌اند: کشاورزی و سیستم آبیاری، باغداری و احداث تاکستان، انبار کردن محصولات زراعی و صنعت فلزکاری. اهمیت شهر یک سازمان مالی اصولی را طلب می‌کرد. انبارهای قلعه با دقت تمام قفل می‌شدند همانطوریکه قفل‌هایی که نام شهر بر روی آنها است آنرا ثابت می‌کند. برای اطمینان بیشتر درهای انبارها باز هم مهر و موم می‌شدند. حفاری‌های یکی از انبارهای بزرگ یک مهره شکسته را آشکار کردند. این مهره عبارت از یک تکه گل‌رُسی آغشته به قیر بود که درون آن گره‌ای قرار داشت که دو تکه ریمان را به هم وصل می‌کرد که با آن چفت و بست به در ثابت شده بود. در دو انتهای این ریمانها دو مهر مختلف وصل بودند - مهرهای دو نفر مسئول انبار. یک مهره مشابهی در یک انبار غلات یافت شده که دارای اثر دو مهر بود، یکی مدور، دیگری استوانه‌ای. این آخری یک درخت زندگی را بین دو جانور بالدار با تصویر نیم تنه انسان همراه با کتیبه‌ای به خط میخی در بالا و در پائین نشان می‌دهد که به معنی «این مهر کاخ روسا، پسر روسا می‌باشد».

مدارک مکتوب و کتیبه‌های یافت شده بر حسب اتفاق

صورت‌های اموال تی شبائینی پیدا نشدند، لیکن می‌بایست موجود بوده باشند. لوحه قبلاً ذکر شده (تصویر ۳۶) که سیاهه پوست حیوانات و کلافهای پشم را می‌دهد شاهی است بر آن، همچنانکه دو قطعه محاسبات دیگر. آنها بطور ناشیانه‌ای نوشته شده‌اند و دارای چندین غلط املائی می‌باشند.

نامه‌های نوشته شده به معاون پادشاه تی شبائینی بوسیله پادشاه اورارتو و شخصیت‌های بلندپایه پایتخت احساس کاملاً مختلفی می‌دهند. آنها خیلی خوب با یک

خط میخی عالی نوشته شده‌اند و حامل اثر مهر سلطنتی استوانه‌ای با درخت زندگی و حیوانات تخیلی در هر دو طرف می‌باشند (تصویر ۳۴، ۳۵، ۳۷). این نامه‌ها دارای منظور تعیین مالیاتهای جدید ارضی (تصویر ۳۷)، برگشت یک برده فراری (تصویر ۳۴)، جمع‌آوری مالیاتها و جابجائی مردم و حیوانات، مسائل ارثیه می‌باشند. آنها تابلویی از زندگی روزمره قلعه به ما می‌دهند و کمیتی از موضوعاتی که ما از جهات دیگر نمی‌دانیم روشن می‌کنند.

غیر از این ثبت‌های روی لوحه‌های گلی، شهر می‌بایست دارای ثبت‌های دیگری بر روی پاپیروس، احتمالاً با خط آرامی می‌بود. نقش برجسته‌های کاخ‌های آشوری که چگونگی صورت‌برداری خزانة را نشان می‌دهند بطور عموم دو کاتب را نمایش می‌دهند، یکی لوحه‌های گلی و یک چوب در دست و دیگری یک رول کاغذ پاپیروس و یک قلم. متأسفانه آنچه که از آنها در تی‌شالینی برایمان باقی مانده است یک مهره فیراندود شده تخت است که جهت مهر زدن رول کاغذ پاپیروس بکار می‌رفت. این مهره در یک‌رو اثر یک مهر مصور به یک انسان و با یک گوزن را نشان می‌دهد؛ روی دیگرش محدب، پرزهای کاغذ پاپیروسی را که بوسیله آتش نابود شده حفظ کرده است. رولهای پاپیروس نیز درون کاخ آشور ناپدید شده‌اند، همچنین این یک مهره است که به ما درباره قرارداد بسته شده بین سن ناشرب^(۱) و فرعون شاباکا^(۲) اطلاعاتی می‌دهد، مهره‌ای با دو مهر یافت شده در کاخ سن ناشرب در نینوا. خود مدارک سوخته‌اند ولی مهره گِل رُسی سالم مانده است.

ما قبلاً از کبیۀ طویل پایه که در سال ۱۹۶۲ در حفاری معبد بخش شمالی قلعه یافت شده استفاده کرده‌ایم؛ یک کبیۀ دومی آنرا ادامه می‌دهد، لیکن کامل نیست، از آن فقط دو سنگ و چندین قطعه باقی مانده است. چون قطعه کبیۀ یافت شده در سال ۱۹۳۶ که سبب حفاریها گردیده، کامل شدن یکی از بلوکهای نوشته سال ۱۹۶۲ را فراهم می‌کند: این بلوک بخش نتیجه‌گیری را تشکیل می‌دهد و نفرین می‌کند کسی را که سعی در

1- Sennacherib.

2- Pharaon Shabaka.

تخریب عمارتی کند که قسمی از آن است. یکی از بلوکهای دومین کتیبه حمل و نقل سلاحهای مقدس به مقصد قرار دادن در روی درهای معبد خالدی را در نظر می‌گیرد، این متن اشاره به تعداد زیادی سلاحهای زیبای مفرغی می‌کند که باعث غرور مخصوصاً کارمیر - بلور شد. اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که حفاریها یک موزه واقعی از تجهیزات نظامی اورارتوئی قرن هفتم ق.م را آشکار کردند (تصویر ۸۰، ۹۶). یافته‌ها مشتمل بر تعداد زیادی سلاحهای آهنی و مفرغی می‌باشند: پیکان (تصویر ۸۳)، نیزه، خنجر، شمشیر (تصویر ۸۷) که بعضی از آنها بسیار طولیل هستند و دسته‌های مفرغی را نمایش می‌دهند. تکه‌های زیادی زره نیز یافت شده‌اند و بر روی یکی از زیباترین قطعات دگمه‌ای پیدا شده که حامل اسم آرگیشی اول است.

حفاریها بازهم بیش از بیست تیردان با دکور حاشیه افقی که بر روی آنها ارابه‌های جنگی و سوارکاران نشان داده می‌شوند آشکار کردند (تصویر ۸۵، ۸۶) با کتیبه‌های کوتاه اهدائی به خداوند خالدی از طرف آرگیشی اول و ساردوری دوم. درون تیردانها چندین نوک پیکان یافت شدند که همان کتیبه‌ها را داشتند.

می‌دانیم که اورارتوئی‌ها کمانداران ماهری بودند و کتیبه‌ای که کارهای برجسته پادشاه سوارکار اورارتو را یادداشت می‌کند قرینه یک سنگ نبشته دیگر است، که در یک مزرعه یافت شده، و یادآور کار برجسته آرگیشی دوم در حال پرتاب تیری به بیش از ۹۵۰ کود (۴۷۵ متر) است (۱) «آرگیشی، پر روسا، تیری در این محل در مقابل غار به نام زیرو لانی (۲) یک تیر به همان دوری باغ ایشپیلینی (۳)، پر باتو (۴)، پرتاب کرد: ۹۵۰ کویت (۵)».

یک سری کلاه‌خود نوک‌تیز مزین به تصاویر درختان مقدس، با فرشتگانی بر روی پیشانی و ارابه‌ها و سوارکاران بر روی گنجگاهی‌ها و پس کلاه، مورخه قرن هشتم (تصویر ۹۳ و ۹۶) می‌باشد. کتیبه‌هایی با خطوط به میخی بر روی لبه می‌دوند. اما بیشتر این

1- Giroulani.

2- Ishpilini.

3- Batou.

4- Cubits.

بیت کلاه خود دارای یک تزئین ساده تری بودند، شامل یک موضوع یگانه و مرموز - یک روشنائی در پیشانی کلاه خود.

زمانی که باستانشناسان اولین نمونه های این تجهیزات اهدائی باشکوه به خداوند خالدي را کشف کردند، بر ایشان مشکل بود توضیح دهند که چرا بیشتر این اشیاء، در یک دژ قرن هفتم یافت شده اند که در واقع متعلق به قرن هشتم بودند. فرض بر این شد که آنها از یک محوطه قدیمی تر آورده شده اند. و در لحظات آخر حفاری کشف کبیله پایه که آوردن سلاحهای مقدس را به خالدي در زمان ساخت معبد ذکر می کند، این فرضیه را به اثبات رساند. کبیله های طویل مکشوفه بر روی سپرهای مفرغی تمامی فرضیه را برطرف می کنند: ۱۷ سپر با هم پیدا شدند، پنج تایی آنها مزین به گاو نر و شیر بشکل دایره ای بطرف مرکز می باشند (تصویر ۹۲، ۸۸). کبیله ها تاریخ آنها را به سلطنت آرگیشتی اول، ساردوری دوم و روسای اول منسوب می کنند. کبیله های به نام آرگیشتی اول، بنیانگذار اولین تشکیلات اورارتوئی در ماوراء قفقاز، به ما اطلاع می دهند که این سپرها برای شهر اربونی ریخته گری شده اند، چیزی که قبلاً در فصل گذشته شرح داده شده است. بنای تی شبائینی در عصری انجام شد که در آنجا مرکز قدیمی اهمیت اولیه خود را از قبل از دست داده بود. یک کبیله یافت شده بر روی یک پایه ای گرد و از مفرغ توپر تی شبائینی نیز یادآور می شود که «این شیء چوبی» در زمان بنای اربونی کنده کاری شده است. بی شک این پایه مجسمه چوبی یک شاه یا یک خدائی بوده است.

در واقع، در تی شبائینی مجسمه های این نوعی یافت شده اند: یک مجسمه زنانه و چهار مردانه با بلندی تقریباً ۲۰ سانتیمتر که از چوب تراشیده شده و همراه با ملحقات مفرغی بوده اند (تصویر ۱۲۸) (یک تاج، یک کمر بند، یک شمشیر یک تیردان و تیرهایش، یک نیزه، و در مورد مجسمه های زنانه یک آئینه و یک بادبزین). این تمثالهای الهی اورارتوئی در وضعیت بدی نگهداری شده اند (تصویر ۱۲۷، ۱۲۸)، یعنی در میان خرده ریزهای شاخ و برگ های سوخته. در زمان کشفشان دارای آثاری از رنگ بودند که آن به بعد ناپدید شدند.

کشفیات گوناگون

این مجسمه‌های خداوندان جنگ باز هم به شناخت ما از تجهیزات نظامی اورارتوئی افزوده‌اند. همچنین چندین کمر بند مفرغی مزین به موضوعات هندسی یا تصاویر سه خداوند اصلی اورارتوئی: خالدی^(۱)، تی شبا^(۲) و شیرینی^(۳) (تصویر ۸۰) جمع‌آوری شده‌اند.

همانگونه که قبلاً اشاره کردیم، حفاریها خرده‌ریزهای لباسهای پشمی را آشکار کرده‌اند، لیکن نمی‌بایست منتظر یافتن باقیمانده‌های کفش‌هائی بود. در این زمینه، سفالگری به کمک باستانشناسی می‌آید. در میان قطعه‌های زیبای یافت شده در تی شبائینی دو گلدان بشکل چکمه‌های بزرگ (چرمی) جلب توجه می‌کنند که محل بندها نقاشی یا حکاکی شده‌اند (تصویر ۴۷، ۴۸). گلدانی که محل بندش حکاکی شده، با یک ورنه زیبای مشکی، یک چکمه باشکوه با تخت نازکی را ترسیم می‌کند که بقدری وسواسانه تولید شده که یک کفاش امروزی هیچ مشکلی در کپی‌برداری دقیق از این نوع کفش اورارتوئی نخواهد داشت.

این گذر سطحی نتایج حفاریهای کارمیر - بلور اجازه ذکر تمامی اشیاء جالب را که خرابه‌های قلعه آشکار کرده‌اند نمی‌دهد. سرامیک قرمز در اینجا به‌وفور عرضه شده است (تصویر ۴۶، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸)؛ سرامیک سیاه بسیار نادر است. در میان گلدانهای جالب باید به یک ظرف مشکی با یک نوار رنگی در عریض‌ترین قسمت آن اشاره کرد؛ این ظرف مزین به سه سر مجسمه‌سازی شده‌گاو تر مشابه آن‌هائی که در خارج گلدانهای مفرغی قرار دارند می‌باشد (تصویر ۵۵). گلدانهای مفرغی بسیارند، مخصوصاً جام‌های شراب از نوع مرسوم در آسیای مقدم (تصویر ۹۷، ۹۸). دیگ‌های بسیار قربانی از جنس مس، که لبه‌هایشان مفرغی است، دقیقاً مشابه آن‌هائی هستند که می‌شود در مقابل معبد موساسیر در نقش برجسته کاخ سارگون دید؛ و در موزه تاریخ

1- Khaldi.

2- Teisheba.

3- Shivini.

ارمنستان در اروان، بخش اصلی سالن یافته‌های تی‌شالینی را به نمایش می‌گذارد (تصویر ۷۰).

در میان مجسمه‌های مفرغی، مجسمه کوچک قابل توجه‌ای را یادآور می‌شویم، بی‌شک مجسمه تی‌شبا، در اصل در سر آن یک پرچم جنگ جا داشته است (تصویر ۱۰۶). درجه خورندگی مجسمه نشان می‌دهد که برای براق بودن به دفعات مورد جلا قرار گرفته و اینکه در تمام وقت نزد سربازان بوده است.

تی‌شالینی نیز تعداد زیادی جواهرات مفرغی (قرن قفلی و گردنبند کوچک) نقره‌ای (مدال با نقش خداوندان) (تصویر ۱۲۲، ۱۲۳) یا طلا (دست‌بند) گوشواره یا سایر زیورآلات (تصویر ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴) آشکار کرد. در میان قطعات بزرگ، باید یک گردنبند یا طوق نقره‌ای مرصع با یک نوار طلایی با یک انار طلایی در مرکز حامل کتیبه‌ای به نام آرگیشتی اول را ذکر کرد.

همچنین اورارتوئی‌ها در ساخت مجسمه از سنگهای قیمتی و استخوان مهارت داشته‌اند (تصویر ۱۱۵، ۱۱۷). سنگهای قیمتی از هر نوع یافت شده‌اند، بویژه، چندین دانه تسبیح خیره‌کننده گرد یا استوانه‌ای یشم و عقیق جگری (تصویر ۱۱۳). گردنبندها اغلب حامل آویزه‌های مهر می‌باشند (تصویر ۴۰، ۴۱): آنها مخروطی یا زنگوله شکل، یا استوانه‌ای با یک حلقه کوچک برای آویختن یا بطور طولی سوراخ شده می‌باشند، ضامم فراوان بر روی استوانه‌های آسیای مقدم. علاوه بر استفاده معمولیشان، این مهرها به عنوان طلسم نیز به کار می‌رفت.

سه مدال نقره‌ای، یکی یک قربانی برای خداوند خالیدی را نشان می‌دهد (تصویر ۱۲۳)، دیگری الهه آروبانی (تصویر ۱۲۲) (سرهای دو رب‌النوع بر روی یک صفحه کوچک طلایی کار شده بر روی مدال قرار دارند)؛ سومی هم سبیل خداوند شیونی (یک صفحه خورشیدی بالدار) را نشان می‌دهد. کمربندهای مفرغی نیز اغلب مزین به تصویر سه خداوند اصلی اورارتوئی می‌باشند. حفاها همچنین در یک انباری در نزدیکی یک محراب چندین مجسمه کوچک سفالی که خداوند ماهی را نشان می‌دهد، مشابه رب‌النوع آشوریا و مجسمه‌های کوچک پیدا شده در دژ اورارتوئی آدیل جواز،

یافته‌اند.

یک انبار دیگر یک مجسمه کوچک سفالی یک خداوند - عقرب را آشکار کرده است (تصویر ۶۵). این مجسمه‌ها بی‌شک جهت حفظ ذخایر انبارها از ارواح بد ساخته شده‌اند.

تأثیرات دریافتی

تعداد بی‌شماری اشیاء کشف شده در تی‌شباینی وجود روابط بین مراکز اورارتوئی ماوراء قفقاز و سایر کانالهای فرهنگی شرق قدیم را اثبات می‌کند. بدینسان چندین مهر استوانه‌ای باشکوه آشوری (تصویر ۳۹، ۴۳) را دارا هستیم که، یکی عقیق جگری است، مربوط به دوره سارگونی با تصویر یک پادشاه در حال شکار گاوهای نر وحشی از روی ارابه‌اش. چندین مهر از جنس بدل چینی (تصویر ۴۵) و سنگ‌های قیمتی کارمیر - بلور شباهتهای نمایانی با اشیاء مشابه آشکار شده در حفاریهای قلعه آشوری آشور را نشان می‌دهند. وانگهی بعضی جامهای مفرغی و بعضی دانه‌های تسبیح اورارتوئی اصلیت آشوری دارند.

اشیاء دیگر تبادل نفوذ بین تی‌شباینی و شهرهای آسیای صغیر و مناطق مدیترانه‌ای را تصویر میکنند: یک کوزه نقره‌ای مزین به یک برگ نخل در زیر دسته و یک نوشته تصویری (تصویر ۷۱، ۷۳)؛ یک جفت گوشواره بشکل قفل آویزان با تزئین زنجیره‌ای (تصویر ۱۱۹). تزئین هندسی بر روی زمینه سفید که بر روی ظرف نوع «اسک‌اُس»^(۱) (تصویر ۵۸) دیده می‌شود، نزدیک به تزئین هندسی مورد استفاده در آسیای صغیر است. یک تکه از ظرف سفالی جلا داده شده با تصویری از یک زن نشسته نشاندهنده شباهتهای نمایان با گلدانهای بدل چینی سرخ فام رودی‌ها^(۲) می‌باشد (تصویر ۶۱). یک طلسم سفالی با شکل الهه سخمت^(۳) و چندین شیء جواهری به شکل سوسک حامل نوشته تصویری مصری (تصویر ۴۴) شاید از مصر یا سوره از شمال آمده باشند، و یک

1- Askos.

2- Rhodiens (Du Rhône).

3- Sekhmet.

مطالعه مفصل جواهرات بی شک روابط نزدیک و گوناگونی بسیار بین شهرهای اورارتو و کشورهای شرق قدیم را پدیدار خواهند کرد.

انبارهای تی شبایینی همچنین محتوی اشیاء سیت‌ها^(۱) بودند که نه فقط از قفقاز شمالی آورده شده‌اند، بلکه حتی از منطقه دنیپر^(۲). در میان اشیاء این منطقه آخری می‌توان یک افسار آهنی را که شاخه‌هایش مرکب از صفحات استخوان مزین به یک کله حیوان -گوسفند یا اسب- و یک کفش چوبی بودند، طبقه‌بندی کرد. دانه‌های تسبیح بدل چینی شیاردار و حلقه‌ها کمر بند از شاخ گوزن به شکل کله گوسفند، از یک نوع متداول در کورگانهای^(۳) کلرمس^(۴) نیز اصلیشان سیت می‌باشد. به همراه نوک پیکانهای مفرغی یا آهنی اورارتونی مجهز به یک رشته ابریشم طویل که پیکان‌ها را تنظیم می‌کرد، مقدار زیادی نوک پیکان مفرغی از نوع اصلیت سیت یافت شده است.

بنابراین اجازه هیچ‌گونه شک در روابط وسیعی که سیت‌ها با این محل پیشرفته اورارتو و از طریق آن با سایر دیارهای شرق قدیم داشتند، را نمی‌دهد. حتی بعضی از اشیاء نوع سیت می‌توانسته‌اند در تی شبایینی ساخته شده باشد. در درب اصلی قلعه یک حجره فراولی وجود داشته که در آتش‌سوزی عمومی شهر نابود شده است. حفاریها آشکار کرده‌اند که قراول اوقات فراغت خود را با کار بر روی شاخ می‌گذرانده، چون محل پُست وی محتوی مقداری قطعات شاخ آماده مجسمه‌سازی و سربیک لاشخور به سبک سیت بوده است. فرسودگی این کله اشاره به استفاده طویل آن دارد و بی‌شک کار هنرمند محلی‌مان نبوده: حتماً از آن بعنوان مدل استفاده می‌شده.

بعضی اشیاء یافت شده در تی شبایینی، بویژه کمر بندهای مفرغی (تصویر ۸۰)، که در سایر مناطق ماوراء قفقاز هم پیدا می‌شوند، عناصر تزئینی‌ای مانند درختان مقدس دارای سبک را در بین دیگر اشیاء ارائه می‌کردند، که یک پیوستگی‌ای بین چندین شیء از

1- Scythes.

2- Dniepr.

3- Kurgans.

4- Kelermes.

خزانه زیویه^(۱) و بعضی آثار منقوش هنر سبت مانند تزئینات طلائی لبه غلاف خنجرهای کورگان‌های کلرمرس و ملگونف^(۲) را تشکیل می‌دهند. بعد از این دیگر نمی‌شود روابط بین سبت‌ها و مردم دیگر شرق قدیم را بدون در نظر گرفتن یافته‌های کارمیر - بلور مورد مطالعه قرار داد.

ساختار شهری

در اطراف قلعه تی‌شباینی، در یک فضای ۳۰ الی ۴۰ هکتاری، شهر گسترده بود. این شهر با دیوارهایی احاطه شده بود، اما کارهای دفاعی به پایان نرسیده بودند: شاید خود شهر طرح اولیه را دیگر بطور کامل دنبال نکرده بوده.

معماری شهر اقلار مختلف اجتماعی را به روشنی نشان می‌دهد. محله‌های مسکونی یکسان کاملی وجود دارند که از طریق یک حیاط رو باز به آنجا وارد می‌شدند که انباری نداشتند: خانواده‌هایی در آنجا زندگی می‌کردند که دولت کمک به احتیاجاتشان می‌کرد. منازل دیگری چنان به نظر می‌رسند که محل زندگی شهروندان خوش بخت‌تر بوده باشند، که هر کدام شامل چندین اتاق و انبار برای آذوقه بودند. نوع سومی از ساختمانها که در سال ۱۹۶۱ حفاری شده‌اند، امتیاز ویژه‌ای را ارائه می‌دهند. در یک فضای تقریباً ۱۸۰۰ مترمربع چهار خانه با نقشه یکسان، با یازده اتاق در هر کدام و، بی‌شک، در دو طبقه احداث شده بودند. یکی از دیوارها دارای چهار در بود و مجتمع از بیرون شباهت به یک عمارت سه طبقه‌ای داشت که تصویر آن در روی یک پلاک برنزی که در توپراک کالا یافت شده، نقش بسته است.

نظم نقشه شهر و انواع گوناگون ساکن این فکر را تداعی می‌کند که شهر از قبل برای سکونت جمعیتی تهیه شده بود که مایل به انتقال از یک منطقه دیگری بودند.

زندانیان جنگی و جمعیت محلی نیروی کاری را، مانند آنچه که در اربونی بود، تشکیل می‌دادند. در شهر صنعتکاران، سربازان ساخلو، کشاورزان و مقامات رسمی

زندگی می‌کردند؛ جمعیتی خاص از هر مرکز اداری و اقتصادی شرق قدیم.

انهدام تی‌شبالینی

حفارها تصریر خیلی دقیقی از تخریب تی‌شبالینی در اوایل قرن ششم ق.م (تقریباً ۵۹۰-۵۸۵) را بما داده‌اند، عصری که یورشهای مادها سلطنت اورارتو را بلرزه درآوردند. این یک حملهٔ شبانه بود که بر قلعه چیره شده آن را به آتش کشید: حمله‌ای هدایت شده نه از سمت درب بزرگ که به خوبی دفاع می‌شد، بلکه از طرف درب مخفی ضلع شمال غربی. قبل از حملهٔ نهایی، قلعه با پیکانهائی تیرباران شد، و از دیوارهای آجرخام اطراف درب مخفی تعداد بسیار زیادی پیکانهای مفرغی سه لبه از نوع سیت‌ها استخراج شد. واضح است که متجاوزین به دژ چندین متحد قدیمی اورارتوئی‌ها مثل سیت‌ها را جزو همدستان خود به حساب آوردند.

به محض نزدیک شدن دشمن، شهر رها شده و مدافعان تی‌شبالینی بطرف قلعه عقب‌نشینی نموده، موقتاً در حیاط و ساختمانها قرار گرفتند و آذوقه‌ها را در آنجا انبار کردند. حمله در ماه ژوئیه یا اوت انجام گرفت: فصل درو به پایان رسیده بود. اما انگورها هنوز بر روی درختان و خمره‌های شراب خالی بودند. درون یکی از خمره‌ها آثار گوگردی که جهت سوزاندن داخل ظرف برای ضد عفونی کردن بکار رفته بود یافت شد؛ موش و موش صحرانی اغلب در اینجا لانه گزیده بودند همانطوریکه اسکلت‌های یافت شدهٔ آنها گواه آنست، همچنین تعدادی هم استخوان گربه. کمی علف خشک چسبیده به یک جاروب و بی‌شک جهت نظافت انبارها مورد استفاده داشته، فصل سالی را که تخریب اتفاق افتاد تأیید می‌کند. بالاخره گیاهشناسان توانستند در میان خرده‌ریزهای سوخته باقیماندهٔ تقریباً غیرقابل مشاهدهٔ گلهای شکفته شده در اواخر تابستان را تشخیص دهند.

ساکنان پناهنده در درون قلعه قبل از حمله دارائی‌های خود را با عجله از انبارها خارج کرده، آنها را تقسیم‌بندی نموده و با سعی تمام در زیر شاخ و برگها، درون غلات یا در زیر خاک کف زمین مخفی کردند. کشفیات انجام شده یک ایدهٔ واضحی از تقسیم‌بندی از قبل آنها را به ما می‌دهد. بدین سان یک مخفیگاه فقط یک گوشوارهٔ طلانی (تصویر ۱۱۹)، یا

نیمه یک انگوی نقره‌ای مزین به یک شیر طلایی در انتهایش (تصویر ۱۲۰)، یا حتی نیمه یک دیگ مفرغی، یا قطعات مجزای بواق آلات را در خود پنهان می‌داشت.

بدون هیچ تردید، نگهبانان فکر می‌کردند که این اشیاء را به محض ترک محاصره دوباره پیدا می‌کنند؛ و شاید با این فکر از قبل است که کسانی با یک ضربدر قهوه‌ای رنگ بر روی دیوار محل یک مخفیگاهی، که از درون کف زمین آن یک سپر و یک شمشیر بدست آمد، علامت‌گذاری کرده‌اند. لیکن سرنوشت در مورد آن طور دیگری تصمیم گرفته بود. قلعه تخریب و یک شبه به خاکستر بدل شد. ماکن سیاه‌بخت واقع در حیاط اولین‌ها بودند که آتش گرفتند، و پشت‌بامهای چوبی و خار و خاشاک‌ها تمامی آنچه را که محترقی ماکن بودند با بر زمین کوفتن در خاک دفن کردند. ساکنین به زحمت فرصت فرار یافتند: مردی سلاحهای خود را نزدیک یک بخاری تو دیواری رها کرده بود و زنی جواهرات خود را در گوشه اتاق. در زیر آوارها اسکلت یک کودک و یک الاغ که بی‌شک بسته بوده یافت شدند. تمامی این تفصیلات به خوبی مبین یک حمله شبانه و ناگهانی می‌باشد. قلعه بطور کامل طعمه حریق شد، پشت‌بامها و طبقات فرو ریخته و آنچه را که آتش بطور کامل نوزانده بود دفن شد. در قسمت شمال شرقی، مخفیگاه‌های انبارها اسکلت نیمه سوخته کسانی را که بی‌تردید به آنجا پناه آورده بودند آشکار کردند، یک دستبند طلایی در کنار اسکلت یک زن افتاده بود. جمجمه نیمه سوخته مردی افتاده بر روی کف زمین کوبیده هنوز باقیمانده سوخته مغزش را نشان می‌داد (تصویر ۲۸).

اما آتش همه را نابود نکرد. حرارت فقط سبب سخت شدن اشیائی سفالی مثل لوحه‌های بایگانی شد و پدیده ذغالی شدن، بعضی مواد نظیر پارچه، نخ پشمی و علف را حفظ کرد. یکی از زیباترین یافته‌ها کشف یک گل انار بود که پرچم، تخمدان و برگچه‌ها را حفظ کرده بود در صورتیکه گلبرگها ناپدید شده بودند. این گل با تزریق رزین ترکیبی توانست حفظ شود. هم اکنون در موزه شراب‌سازی ارمنستان در فروغ و درخشندگی است، درون وشرین و شکند.

پس از سقوط قلعه، زندگی دیگر در شهر جریان نیافت. تپه کارمیر - بلور و ناحیه اطراف خالی و متروکه ماندند. شهرهای دیگر اورارتو که، مانند اربونی، قبل از این زمان

تخلیه شده بودند، و در آنها همه زندگی کاملاً محو نشده بود، با فلاکت ادامه حیات دادند. کاوش این شهرها باقیمانده به خوبی حفظ شده یک معماری با مشخصات قرون ششم، پنجم و چهارم ق.م، را که با بناهای قدیمی ترکیب شده اند پیدا کرد که کتیبه‌های به خط میخی به نام پادشاهان اورارتوئی قرن هشتم را در خود دارند.

نتیجه‌گیری

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم، شناخت ما از تاریخ اورارتو از سه منبع همان عصر، متج می‌شود: سالنامه‌ها و آثار هنری آشوری، کتیبه‌های اورارتوئی، و عناصر بدست آمده توسط کاوش‌های باستانشناسی دژها و گورستانها.

اطلاعات بدست آمده از این طریق کامل‌کننده هستند. برای شکل‌گیری پادشاهی اورارتو و وقایع قرن نهم، منبع دیگری بجز متون آشوری که یک جدول تاریخ نگاری را تهیه میکنند وجود ندارد. در واقع، تمامی تاریخ نگاری پادشاهی اورارتوئی بر اساس تاریخهای داده شده توسط سالنامه‌های آشوری می‌باشد.

وقایع قرن هشتم همزمان در متون آشوری‌ها و در متون اورارتوئی‌ها یادداشت شده‌اند، لیکن این دو منبع اطلاعاتی می‌دهند که بجای تداخل یکدیگر را تکمیل می‌کنند. دلش ساده است: آشوریها از فروپاشی صحبت می‌کنند و از شکست‌هایشان سخن نمی‌گویند، و اورارتوئی‌ها همچنین.

مطالعه باستانشناسانه محوطه‌های قرن هشتم فقط آغازی بیش نیست؛ محققین بویژه تا اینجا علاقمند به دژهای اورارتوئی قرن هفتم هستند، چون، برای این دوره، منابع مکتوب بسیار فقیر هستند: تاریخدانان چیزی جز گذرهای مختصر از کتیبه‌های پایه و چندین اسم از پادشاهان در اختیار ندارند؛ بنابراین مطالعه تمدن اورارتوئی‌ها در آنجا بطور کامل در دستهای باستانشناسان است. حفاریهای کارمیر - بلور دقیقاً اجازه حیات دوباره تمدن اورارتوئی‌ها را در قرن هفتم می‌دهند و آنها همچنین تهیه‌کنندگان بعضی اطلاعات درباره هنر اورارتوئی قرن هشتم به لطف کشف اشیاء متقل شده از محوطه‌های قدیمی تر اورارتوئی هستند.

خاتمه

V

آخرین پادشاهان اورارتو

در زمان سقوط تی‌شاپینی، تمامی پادشاهی اورارتو در آغاز زوال کامل قرار داشت. قلعه روسا خینلی، اقامتگاه پادشاهان اورارتو در پایتختشان توشپا، به همان بلا گرفتار شد که دژهای ماوراء قفقاز. حفاریهای توپراک‌کالا نشان داده‌اند که آن نیز توسط آتش نابود شده بود، و آنها تعدادی سپر مفری آشکار کردند، که از محراب معبد فراهم شده‌اند، و حامل کیه‌هائی به نام آخرین پادشاه اورارتو، روسا، پسر ارینا می‌باشند؛ همچنین نام وی در یک متن لوحه کوچک ظاهر می‌شود، که یادآور ساختمان یک انبار غله در آرگیشتی خینلی در ماوراء قفقاز می‌باشد.

حفاریهای توپراک‌کالا تعدادی کیه بدست داده‌اند که اسامی پادشاهان اورارتو را ذکر می‌کنند. زندگی این شهر دقیقاً با دومین دوره تاریخ پادشاهی وان همزمان است: دژ در زمان سلطنت روسا دوم در لحظه زایش دوباره اورارتو بنا شده، و حجم با هیتش قدرت این دولت را گواهی می‌کند.

زمانی که روسا دوم این قلعه را بنا کرد، دستور نوشتن کارهای بزرگش را بر روی دیوارهای معبد اصلی داد، وی نقل و انتقال خزانه‌های دژهای دیگر اورارتوئی را به اینجا انجام و معابد را با سپرهای تزیینی حامل اسامی پیشیانش مزین کرد. کیه‌های روسا دوم آخرین کیه‌های حکاکی شناخته شده اورارتوئی‌ها تا به امروز هستند: از آن به بعد ما غیر از لوحه‌های گلی نوشته شده به خط میخی و متون کوتاه فرعی بر روی اشیاء مفری چیز دیگری نداریم. این دوره نهایی خیلی طول کشید. آخرین اشاره به نام روسا

دوم در سالنامه‌های آشوری زمان سلطنت آشوربانی پال در رابطه با وقایع سال ۶۵۴ ق.م. می‌باشد؛ در مورد پسرش ساردوری سوم، سالنامه‌ها اشاره به ملاقات وی از آشور در سال ۶۳۹ ق.م. می‌کنند؛ می‌توانیم از آن نتیجه‌گیری کنیم که بین مرگ روسا دوم و پایان اورارتو، در سالهای ۵۹۰-۵۸۵ ق.م.، تقریباً شصت سال گذشته است. در طی این مدت زمان، پنج پادشاه که ما از آنها اطلاع نداریم، بجز اسامی‌اشان، به تخت سلطنت اورارتوئی نشسته‌اند.

اگرچه که ساردوری سوم، پسر روسا، درود و هدایائی به شاه آشور فرستاد، معه‌ذا با سیت‌ها در رابطه خوبی باقی ماند. به نوبه خود آشوربانی‌پال هم در یک سرود به خدای آشور اشاره کرده می‌نویسد: «اورارتوئی‌ها نیز، این مردم مغرور کوهستانها، با او همان - مانند^(۱) (چادر نشینان)، دشمن خائن، دسیه کردند، بی‌وقفه توطئه خیانت بر علیه تو می‌چینند. دو کتیبه یافت شده در تی‌شبالینی اوامر ساردوری سوم را در مورد تقسیمات ارضی و چهارپایان ذکر می‌کند.

پس از مرگ ساردوری، متون آشوری دیگر محتوی نام پادشاهان اورارتو نیستند و فقط کتیبه‌های فراهم شده درباره اشیاء نذری یا مهرهای اورارتوئی هنوز بعضی اسامی پادشاهان را به ما می‌دهند. علی‌رغم همه اینها، این مراجع مختصر یک یا دو کار غیر منتظره کوچک بر ایمان بارمغان می‌آورند. اثر مهری بر روی یک لوحه کارمیر - بلور که حامل: «ساردوری، پسر ساردوری» می‌باشد، ابتدا منسوب به شاهزاده‌ای از کاخ سلطنتی است چون، یکبار که پادشاهی بر تخت سلطنت نشست، در اصل هیچگاه همان نام پدرش را نمی‌داشت، و در تی‌شبالینی لوحه مهر شده یک مأمور مخفی را با «مهر شاهزاده» پیدا کرده‌ایم. لیکن محققین سپس سپری مفرغی یافتند که در لبه خود حامل کتیبه «ساردوری، پسر ساردوری» بعنوان پادشاه بود. بدون تردید آیا می‌بایست در این دوره چندین سپر تزئینی را بر روی دیوارهای معبد جابجا کرد یا از نوبه آنها اضافه کرد: نوبه روسا دوم از فرصت استفاده کرده اسم خود را نوشته است.

دیگران بعضی از همان نوع تجدیدات را در تزئین معبدها عمل کردند؛ بدینسان هم، در روساخیلی، روسا سوم، پسر اریمنا^(۱)، حمل کرد (فقط یک اثر مهر تی شبااینی حامل نام اریمنا است) (تصویر ۳۵). سپرهای به نام روسا سوم که حفاریهای توپراکالا آشکار کرده‌اند، گواه یک کیفیت بالای هنری هستند و کتیبه‌هایشان فرمول‌های اهدائی معمولی را تکرار می‌کنند. عموماً فکر می‌شود که روسا، پسر اریمنا، آخرین پادشاه اورارتو شد: سلطنتش، که رو به ترقی بود، در حدود سال ۵۸۵ توسط یورش مادها از هم گسیخته شد؛ مادها از پایتخت اورارتوئی گذشته به مقابله با قشون لیدیائی پادشاه آلیا تس^(۲) در کرانه رود هالیس^(۳) رفته‌اند. اما در این زمینه نیز، یافته‌های کتیبه‌ای کارمیر - بلور نورهای ضعیف جدیدی می‌دهند. بر روی آثار دو مهر مختلف، یکی بر روی لوحه‌ای گلی، دیگری بر روی یک حباب مهره که با آن درب یک انبار مهر شده، می‌توان جمله «روسا، پسر روسا» را خواند؛ در کتیبه‌های چنین مختصر، عموماً تیتیر سلطنتی حذف می‌شود؛ بنابراین نمی‌دانیم که آیا این روسا پادشاه بود یا شاهزاده، لیکن اولین فرضیه قابل پذیرش است. در این شرایط، این سلطنت روسا چهارم می‌باشد که نابودی وحشیانه روساخیلی در اورارتوی مرکزی و تی شبااینی در کمربندی پادشاهی را دیده است. بنابراین دنباله پادشاهان دومین دوره تاریخ اورارتوئی عبارتست از: روسا دوم، ساردوری سوم، ساردوری چهارم، اریمنا، روسا سوم، روسا چهارم.

حذف آشور و صعود سیت‌ها

از زمان پایان سلطنت روسا دوم، پادشاهی اورارتو دیگر نقشی در تاریخ آسیای مقدم بازی نمی‌کند؛ با وجود این موفق به ادامه زندگی بعد از رقیب بزرگ آشوری‌اش شد. در نتیجه آشور کم‌کم قدرت و سرزمینهایش را در طی نیمه دوم قرن هفتم از دست داد، آشور درگیر جنگی مشکل با بابل که بر علیه حاکمیت آشور شورش کرده بود شد،

1- Erimena.

2- Alyattes.

3- Halys.

همچنین با مادها که قدرشان تا افق صعود می‌کرد.

یک پیمان با مصر برای نجات آشور کافی نبود: در سال ۶۱۴ ق.م. مادها آشور را تصرف کرده شهر را تخریب نمودند؛ خشایار، مادی و نابوپالاسار^(۱) پادشاه بابل یمانی در میان خرابه‌های شهر بزرگ امضا کردند. در سال ۶۱۲ ق.م. که نینوا توسط مادها و بابلی‌ها به مدت طولانی در محاصره بود به نوبه خود سقوط کرد و از آنچه که هروودوت برایمان نقل می‌کند، ورود قشون بزرگ میت تحت رهبری مادیس^(۲)، پسر پروتوتیس^(۳) (بارباتوآی^(۴) متون آشوری) نقش مصمی در سقوط شهر بازی کرد. آخرین پادشاه آشوری، آشور-اوبالایت^(۵) به هارران^(۶) پناهنده شد، به جاییکه تا سال ۶۱۰ ق.م. در آنجا ماند و سپس در سال ۶۰۵، پس از سقوط کارکیش^(۷)، پادشاهی آشور با زندگی وداع گفت.

یک بار دیگر، یافته‌های باستانشناسی نقش ایفا کرده سیت‌ها و سایر ایلات چادرشین در تخریب آشور و دیگر پادشاهی‌های قدیم شرقی را شهادت می‌دهند. در چندین نقطه از آمیای مقدم نوک پیکانهائی از ابریشم، دوله یا سه لبه متفاوت از آنچه که معمولاً مورد استفاده و طبق نوع سیت می‌باشد یافت شده‌اند. وانگهی آنها همچنین می‌توانند به قشون ماد تعلق داشته باشند که همان تجهیزات جنگی را داشت که هم پیمانش؛ مادها مانند سیت‌ها تیراندازان مشهوری بودند. تعداد زیادی نوک پیکان از نوع سیت از محلهای قدیمی که مادها در آنجا جنگ کرده‌اند، یعنی آشور، نینوا، کالاله، جمع آوری شده‌اند و وضعیت یافته‌ها به خوبی نشان می‌دهند که آنها توسط مهاجمان پرتاب شده‌اند.

شرح مفصل تاریخ بابل که، ماه به ماه، وقایع سالهای ۶۰۸ تا ۵۶۴ ق.م. را نقل می‌کند،

1- Naboupalasar.

2- Madyes.

3- Protothyes.

4- Barbatua.

5- Ashour - Ouballit.

6- Harran.

7- Karkemish.

بطور عمده از آنچه که مربوط به شکست آشور است، یعنی یک لشکرکشی علیه اورارتو (بطور دقیق علیه مردم اوراشتو^(۱)) در سال ۶۰۹ ق.م. را ذکر می‌کند. اما متن در همین جا قطع می‌شود و ما عاقبت این لشکرکشی را نمی‌دانیم.

یک لوحه دیگر این گزارش تاریخی را با یادآوری وقایع سالهای ۶۰۸ تا ۶۰۵ ق.م. اشاره به لشکرکشی نابوپالاسار^(۲) در منطقه کوهستانی بیت هانونیا^(۳)، «یک ناحیه از سرزمین اورارتو» می‌کند. لشکرکشی بابلی‌ها علیه اورارتو شاید تا نواحی مرزی صورت گرفت. در محال پادشاهی اورارتو هنوز تا ابتدای قرن ششم ق.م. می‌زیسته و مروری از کتاب ژرمی^(۴) مورخ چهارمین سال سلطنت سِدسیاس^(۵) (۵۹۴ ق.م.) فرمان پیامبر را جهت اتحاد علیه بابلی، مادها، اورارتوئی‌ها (آارات)، مانثانی‌ها (مین نی^(۶)) و سیت‌ها (آسکیناز^(۷)) نقل قول می‌کند. باید متذکر شد که از این به بعد سیت‌ها با مردم دیگر آسیای مقدم متحد شدند. خزانه زیویه^(۸)، یافت شده در آذربایجان، کلکیون مهمی از اشیاء را آشکار کرد که هنر ترکیبی گرد آمده از عناصر شرق قدیم و عناصر ویژه سیت‌ها می‌باشد. همان مقابر محتوی اشیاء آشوریهای قرن هشتم بود که توسط سیت‌ها در زمان تخریب شهر آشور ضبط شدند.

در قرن ششم است که پادشاهی اورارتو از بین رفت. نوک پیکانهای یافت شده در دیوارهای آجری خام‌تی‌شالیانی نشان می‌دهد که سیت‌ها، متحد قبلی اورارتوئی‌ها، در تخریب شهری شرکت کردند که قبلاً متحدش بودند و کمک به قبایل ساوراء قفقازی می‌کردند تا از اسارت تحمیلی اورارتو نجاب پیدا کنند.

اشیاء اورارتوئی یافت شده در قبور مناطق کوهستانی قفقاز مسلماً از غارت تشکیلات اورارتوئی قفقاز جنوبی، مخصوصاً تی‌شالیانی، فراهم شده‌اند.

1- Ourashtou.

2- Naboupalasar.

3- Bit Hanounia.

4- Jérémie.

5- Sédécias.

6- Minni.

7- Askenaz.

8- Ziwiyé.

جای اورارتو توسط پادشاهی‌های جدید و فدراسیونهای جدید مردمانی گرفته شد که قبلاً بخشی از پادشاهی وان بودند. در کرانه غربی سرزمین اورارتو قبایل اطراف ارمنی‌ها جمع شدند. (در گذشته سالنامه‌های سلطنت ساردوری دوم اشاره به یک سرزمین شناخته شده تحت نام ارمه^(۱)، واقع در جنوب غربی دریاچه وان می‌کند).

دریاچه وان، یعنی قلب اورارتو، شد کشور ماد و بعدها بخشی از پارس هخامنشی. شهر روسا خینلی (توپراک‌کالا) دیگر چیزی جز یک مخروبه سوخته نبود، اما دژ کهن بر روی صخره به بقای خود ادامه داد، همانطور که کتیبه پایه، با اشاره به امور عمرانی توسط خشایار، از آن به ما آگاهی می‌دهد.

در قفقاز جنوبی، خرابه‌های تی‌شالینی بصورت کوری بر جای مانده‌اند، ولی زندگی در تأسیسات قدیمی اربونی، جائیکه حفاریها عمارات عصر هخامنشی را از زیر خاک خارج کرده‌اند، از سر گرفته شد.

ما بوسیله کتیبه‌های به خط میخی هخامنشی می‌دانیم که در اواسط قرن ششم ارمنی‌ها بخش وسیعی از سرزمین اورارتوئی را تصاحب کرده بودند. در لیست ایالات فتح شده توسط داریوش (۵۲۰ ق.م)، سنگ نبشته‌های نقش رستم و بیستون، نام‌گذاری قدیم اورارتو را تحت شکل بابلی اوراشتو^(۲) حفظ می‌کنند؛ اما متون قدیمی پارسها و ایلامی‌ها آنها را کلمه آرمینا^(۳) تعویض می‌کنند. بدینسان، منطقه‌ایکه پادشاهی وان بوده کم‌کم نام گروه سیاسی جدیدی را بخود گرفت که بخش بزرگی از سرزمینشان را در تصرف داشت گرفت.

سندی از زمان داریوش دوم برای آخرین بار اورارتو را ذکر می‌کند (۴۱۵ ق.م)، و بی‌هیچ تردیدی بمناسبتی سرزمین آرمینا را تعیین میکند.

مورخین توجه بسیاری به سرنوشت مختص اورارتوئی پس از نابودی پادشاهی‌اشان مبذول داشته‌اند. مدتها فکر می‌شد که، تحت فشار ارمنی‌ها، آنها کشور خود را رها کرده

1- Armé.

2- Ourashtou.

3- Armina.

و به طرف شمال رفته‌اند. امروزه بیشتر عقیده بر این است که آنها در جای خود مانده و با ارمنی‌ها درآمیخته‌اند. از مدتها قبل متوجه تشابه بین لباس ارمنی‌ها، آنطور که در نقش برجسته‌های کاخ خشایار در تخت جمشید دیده می‌شود، و لباس فرستادگان اورارتوئی در یک نقش برجسته کاخ آشوریانی پال در نینوا، شده بودیم. واضح است که ارمنی‌ها که سرزمین پادشاهی قدیم اورارتو را از آن خود کرده بودند، علاوه بر آن شیوه زندگی خود را هم از آنها برداشتند.

جدول تاریخ نگاری -

آشور	تاریخ	اورداتو
سلیماناسر سوم (۸۶۰-۸۲۵)	۸۶۰	ارامه
	۸۵۸	
	۸۴۶	
	۸۳۳	ساردوری اول
شمسی - اداد (۸۲۵-۸۱۲)	۸۲۴	ايشپورانی، پسر ساردوری
ملکه سام مورامات (۸۱۲-۸۰۳)		
اداد - نیراری سوم (۷۸۳-۸۱۲)		منوا، پسر ایشپورانی
سلیماناسر چهارم (۷۷۳-۷۸۳)		
آشور - دان سوم (۷۵۴-۷۷۳)		ارگیشی، پسر منوا
آشور - نیرازی چهارم (۷۴۵-۷۵۴)		ساردوری، پسر ارگیشی
نیگلان یلر سوم (۷۲۷-۷۴۵)	۷۴۳	
	۷۳۵	
سلیماناسر پنجم	۷۱۴	روسا، پسر ساردوری

(وفات ۷۱۴)		(۷۲۷-۷۲۲)
		سارگون
		(۷۲۲-۷۰۵)
ارگیشی، پسر روسا		سن ناشرب
		(۷۰۵-۶۸۱)
روسا، پسر ارگیشی		اسارهادون
		(۶۸۱-۶۶۸)
ساردوری، پسر روسا	۶۵۳	آشوریانی هال
(ساردوری، پسر ساردوری؟)	۶۳۹	
اُرمینا		سقوط نینوا
روسا، پسر اُرمینا		(۶۱۲)
(روسا، پسر روسا؟)		
سقوط اورارتو (۵۸۵)		

* تاریخ‌های ستون مرکزی مراجع را نسبت به پادشاهان اورارتو در سالنامه‌های آشوری طبقه‌بندی می‌کنند.